



سرشناسه: نجم‌روشن، سعید، ۱۳۵۹- / عنوان و نام پدیدآور: آیین نیکنامی: گزیده‌ای از شرح حال و زندگی شخصیت‌های برجسته، علمی، صنعتی، فرهنگی و کارآفرینی / پژوهش و تالیف سعید نجم‌روشن. / مشخصات نشر: تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۹۹ - / مشخصات ظاهری: ج. / شابک: : ۱۰۸-۸۸۹-۴۶۸-۹۶۴-۹۷۸ / وضعیت فهرست نویسی: فیپا / یادداشت: کتابنامه. / عنوان دیگر: گزیده‌ای از شرح حال و زندگی شخصیت‌های برجسته، علمی، صنعتی، فرهنگی و کارآفرینی. / موضوع: مشاهیر -- ایران -- سرگذشتنامه / موضوع: Iran -- Biography -- Iran -- Celebrities / موضوع: کارآفرینی -- ایران -- سرگذشتنامه / موضوع: Iran -- Biography -- Entrepreneurship / موضوع: صنعتگران -- ایران -- سرگذشتنامه / موضوع: Iran -- Artisans / Biography / شناسه افزوده: شرکت چاپ و نشر بازرگانی / رده بندی کنگره: CT1۸۸۳ / رده بندی دیویی: ۹۲۰/۵۵ / شماره کتابشناسی ملی: ۷۵۴۷۸۳

آیینز نیکنام

دفتر اول

گزیده‌ای از شرح حال و زندگی شخصیت‌های برجسته، علمی، صنعتی، فرهنگی و کارآفرینی

پژوهش و تألیف:

دکتر سعید نجم روشن

شرکت مدیریت
منطقه ویژه
اقتصادی گرمسار





شرکت مدیریت
منطقه ویژه
اقتصادی گرمسار

آیین نیکنامی؛ دفتر اول

گزیده‌ای از شرح حال و زندگی شخصیت‌های برجسته، علمی، صنعتی، فرهنگی و کارآفرینی

پژوهش و تألیف: دکتر سعید نجم روشن | شابک: ۸-۸۸۹-۴۶۸-۹۶۴-۹۷۸ | طراحی گرافیک و طرح جلد: پاشا دارابی |
تاریخ و نوبت چاپ: چاپ اول، بهار ۱۴۰۰ | شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه | قیمت: ۱۳۰،۰۰۰ تومان |

این کتاب به سفارش «شرکت مدیریت منطقه ویژه اقتصادی گرمسار» منتشر شده و کلیه حقوق مادی و معنوی چاپ و
نشر اثر حاضر متعلق به این شرکت است. تلفن: ۴۱۱۷۲ - ۰۲۱ / www.garmsar-sez.ir

شرکت چاپ و نشر بازرگانی | آدرس: تهران، کارگرمالی، بالاتراز بلوار کشاورز، پلاک ۱۲۰۴ | تلفن: ۶۶۴۳۹۲۰۱ (۰۲۱) |



www.takbab.com | www.cppc.ir | E-mail: info@cppc.ir

فهرست مطالب

پیشگفتار



۷

سید محسن آزمایش

کارآفرین، صنعتگر و بنیانگذار کارخانجات و نام تجاری آزمایش



۱۲

جعفر اخوان

موسس اولین شرکت خودروسازی در ایران



۱۶

برادران امیدوار

جهانگرد، پژوهشگر و مستندساز



۲۰

محمد رحیم متقی ابروانی

کارآفرین و سرمایه‌دار ایرانی، و بنیان‌گذار کفشی ملی



۲۴

حاج محمد تقی برخوردار

پدر صنایع لوازم خانگی ایران



۲۸

علی پازوکی شاه‌بداغی

محقق، حشره‌شناس و سرپرستار فرهنگنامه کودکان و نوجوانان



۳۲

سید علی خسروشاهی

بنیانگذار گروه صنعتی مینو



۳۶

محمود خلیلی عراقی

بنیان‌گذار صنعت گاز مایع و شرکت بوتان



۴۰

علی اکبر روفوگران

بنیانگذار کارخانجات بیک و پدر نوشت افزار ایران



۴۴

جلیل زندی

خلبان تکخال نیروی هوایی ارتش



۴۸

شهیندخت سرلتی

کارآفرین و بنیان‌گذار شرکت گلاب زهرا



۵۲

میرمصطفی سید عالی نسب

اقتصاددان - صنعتگر و بنیانگذار صنایع نفت سوز



۵۶

محمد علی مجتهدی کیلانی
مدیر دبیرستان البرز و بنیانگذار دانشگاه صنعتی شریف



۸۴

توفیق موسیوند
دانشمند مهندسی پزشکی و مخترع اعضاء مصنوعی



۸۸

رضا نیازمند
بنیان‌گذار سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران



۹۲

کامران وفا
فیزیکدان و نظریه پرداز



۹۶

محسن هشترودی
ریاضیدان، فیلسوف و شاعر



۱۰۰

فهرست منابع



۱۰۴

همایون صنعتی زاده
ناشر، نوآور، نویسنده، مترجم، شاعر و کارآفرین



۶۰

سید محمود طباطبایی
چهره ماندگار جراحی مغز و اعصاب



۶۴

برادران عمید حضور
سرداران بازار کفش



۶۸

اصغر قندچی
کارآفرین و پدر صنعت کامیون سازی ایران



۷۲

محمود فرشچیان
چهره ماندگار در عرصه هنر نگارگری



۷۶

پرویز کردوانی
جغرافیدان و پدر علم کوبیرشناسی



۸۰

پیشگفتار

کتاب حاضر مجموعه‌ای است گزیده و مُخَلَّص، از فراز و فرود زندگی بیست و سه نفر از نامداران و نام‌آورانی است که هریک در زمینه‌ای خاص، به نحوی شاخص، پیش قراول یا متمایز بوده‌اند. حوزه‌هایی که این شخصیت‌های برجسته از آنها گزینش شده‌اند شامل صنعت، علم و فناوری، هنر و کارآفرینی می‌باشد.

ایده شکل‌گیری و تدوین این کتاب نیز در جای خود جالب توجه است. ماجرا چه بود؟ از روزهای آغازین احداث زیرساخت‌ها و شاکله اصلی منطقه ویژه اقتصادی گرمسار در اوائل سال ۱۳۹۶، دغدغه‌ای که روز به روز قوام بیشتری می‌گرفت، ذهن ما را به خود معطوف می‌کرد؛ دغدغه نامگذاری. دامنه اولیه مدنظر برای نامگذاری، خیابان‌ها و معابر بود، ولی این دامنه به تدریج دامنه‌دارتر شد!

طرح این دغدغه با مهندس عبدالرضا نادری مدیر عامل منطقه ویژه، نتیجه‌ای شگفت‌انگیز داشت. دریافتیم که این دغدغه، بی‌گفت و شنود قبلی، در ذهن‌های ما مشترک بوده و حال باید در پی پاسخی مناسب برای آن باشیم. با تدبیر ایشان، این احساس نیاز اولیه، چارچوبی رسمی به خود گرفت در قالبی به نام کمیته نامگذاری، به ریاست اینجانب و عضویت دو تن از مشاوران بیرونی شرکت: آقای مهندس عبدالعزیز هدایت؛ مشاور صنعتی و سرمایه‌گذاری و جناب سرهنگ سید هادی هاشمی؛ مشاور راهوری و ترافیکی منطقه.

حاصل گفتگوها، پژوهش‌ها، اخذ نظرات مشورتی از برخی سازمان‌های بیرونی مانند پردیس گرمسار دانشگاه امیرکبیر (که در دوره شروع این اقدام با ریاست آقای دکتر سید محمد حسینی ورکیانی، همکاری‌های مفید و موثری را در زمینه‌های مختلف با منطقه آغاز کرده بود) و همچنین بررسی نمونه‌های مشابه و نقاط قوت و ضعف اقدامات مشابه در سایر شهرک‌های صنعتی و مناطق ویژه داخلی و خارجی، تهیه گزارشی بود با عنوان «سیاست، الگوی کلی و مدل نامگذاری معابر و هویت‌های مکانی منطقه ویژه اقتصادی گرمسار» که به هیات مدیره شرکت مدیریت منطقه ویژه اقتصادی گرمسار ارائه گردید. گزارش مزبور حاوی الگوی نامگذاری مزایا و معایب آن، دامنه مصادیق اسامی و دلایل انتخاب آن بود.

در این گزارش، نحوه نامگذاری معابر و هویت‌های مکانی، مدل و سبک آن از جنبه‌های زیرحائز اهمیت شمرده شده بود:

۱. اسامی معابر و مکان‌ها، هدایت‌کننده مراجعین و بازدیدکنندگان از منطقه است و می‌بایست این راهیابی به سهل‌ترین روش ممکن انجام شود.
۲. کلیه واحدهای صنعتی در آینده نیاز خواهند داشت که در سربرگ‌ها، تبلیغات و ...، اسامی خیابان‌های منطقه را درج نمایند. این بسترها به مثابه یک رسانه عمل خواهند نمود و می‌توانند کارکرد معرفی، شناساندن و ترویج مصادیق اسامی و به تبع آن فرهنگ‌سازی نیز داشته باشد.

۳. اسامی معابر و مکان‌ها نقش مهمی در القاء حس به مخاطب داشته و عنصر مهمی در تعریف هویت مکانی^۱ و کمک به برندسازی مکانی محسوب می‌شود. این جنبه اهمیت در انتخاب مصادیق نام‌ها باید مورد توجه قرار گیرد. علی‌الخصوص اگر مصادیق نام‌ها به صورت یکتا^۲ انتخاب شده باشد که می‌تواند حوزه تاثیر و برندسازی بیشتری داشته باشد.
- به منظور شناسایی دامنه مصادیق پیشنهادی برای اسامی معابر و مکان‌ها نیز ملاحظات زیر در نظر گرفته شد:
- با توجه به ماهیت صنعتی، تولیدی و علم و فناوری منطقه، لازم است که مصادیق اسامی تناسبی با محتوا و کارکرد منطقه داشته باشد.
 - واقع شدن منطقه در استان سمنان و همجواری با شهرستان گرمسار نیز ایجاب می‌کند که به پتانسیل‌های فرهنگی، صنعتی و علمی استان و شهرستان توجه شود.
- با در نظر گرفتن همه جوانب ذکر شده، دامنه مصادیق پیشنهادی برای اسامی معابر و مکان‌ها به شرح ذیل تعیین گردید:
- نامداران و نام آوران صنعتی کشور به ویژه پیشروان و طلایه‌داران از دوره آغازین صنعت کشور
- نامداران و نام آوران استان سمنان و شهرستان گرمسار در زمینه‌های صنعتی، علمی و اجتماعی
 - اسامی مجرد یا مصدری برای تبیین کاربری‌های مکانی
- خوشبختانه گزارش ارائه شده و پیشنهاد نهایی آن، مورد تایید و تصویب هیأت مدیره شرکت قرار گرفت و به عنوان «سیاست مصوب نامگذاری در منطقه» به کلیه واحدها ابلاغ گردید. پیرو این ابلاغ، اقدامات اجرایی در جهت نامگذاری خیابان‌ها و میادین با اسامی مصوب آغاز گردید. اما هنوز هدف اصلی این ایده که شناساندن افراد انتخاب شده به عنوان الگوهایی در حوزه‌های مختلف بود، بصورت کامل محقق نشده بود. اینجا بود که نیاز به افزودن شرحی بیشتر در خصوص اسامی انتخابی در قالب یک کتاب احساس شد؛ ایده کتاب شکل گرفته بود
- اما این کتاب در میان همه کتاب‌های موجود زندگینامه شخصیت‌های برجسته - که خوشبختانه در دهه اخیر تنوع قابل توجهی داشته و با استقبال خوبی توسط خوانندگان نیز مواجه شده بود- می‌بایست هم به لحاظ هدف تدوین و هم به لحاظ جامعه هدف، وجوه تمایز مختص به خود را دارا می‌بود؛ لذا فرمت حاضر ابداع و بکارگیری شد. این فرمت واجد این ویژگی هاست:

1. Destination Identity

2. Unique

همینجا لازم می‌دانم که مراتب سپاس و تقدیر خود را از حمایت‌های مستمر جناب آقای مهندس عبدالرضا نادری، مدیرعامل محترم منطقه ویژه اقتصادی گرمسار که مشوق اصلی و حامی به ثمر رسیدن این ایده و کتاب بودند اعلام دارم.

این کتاب شکل نمی‌گرفت اگر کمک‌های آقای علیرضا شاه‌حسینی در مرحله تخلیص محتوا، خانم فاطمه امراللهی در مرحله نمونه خوانی، آقای پاشا دارابی در مرحله صفحه‌آرایی و طراحی جلد و آقای مهدی کشاورز در پیگیری امور اجرایی و فنی، همراه آن نبود.

و در پایان، این کلام آغازین را آراسته می‌کنم با بیتی از استاد سخن سعدی، که همه ما نه تنها به دلیل ایجاد قوام و غنا در زبانی که واسطه ارتباط امروز ایرانیان است وام دار او هستیم، بلکه در پرتو حکمت‌های تنیده شده در آثارش، در ظلمات زندگی این جهان، ره می‌سپریم. مفتخریم که حکمت پیدایش ایده و پیمایش این مسیر را از لسان سعدی اینگونه بیان کنیم که:

چو خواهی که نامت بود جاودان مکن نام نیک بزرگان نهان...

سعید نجم روشن

مدیر سرمایه‌گذاری، توسعه کسب و کار و تولید

و رییس کمیته نامگذاری

شرکت مدیریت منطقه ویژه اقتصادی گرمسار

۱. ایجاز در ارائه مطالب و محدود بودن تعداد صفحات مختص هر شخصیت
 ۲. استفاده حداکثری از تصاویر و گرافیک به منظور جلوگیری از خسته‌کنندگی
 ۳. محدود بودن شخصیت‌های انتخاب شده به مصادیق مورد استفاده در منطقه
 ۴. چکیده‌سازی و گزیده کردن اطلاعات از انبوهی از مطالب موجود در منابع مختلف
 ۵. امکان افزایش مجلدات، همگام با گسترش و توسعه منطقه و نیاز به اسامی جدید
- این کتاب ادعا ندارد که با مطالعه‌اش، تصویری کامل از وجوه مختلف شخصیت‌های معرفی شده در آن به خواننده ارائه می‌شود. گو این که شرح آثار، مآثر و خدمات هر یک از این معارف، نیازمند پژوهش پژوهشگران و نگارش صاحبان قلم و اندیشه است؛ و ما
- هكذا الظن بنا ...

غایت تلاش و ادعای این کتاب، در این دوره مهجوری کتاب و مطالعه، وزانیدن نسیمی است بگذشته از رهگذر تاریخ زندگی بزرگان و نام‌آوران تلاشگر، به جان و دل خواننده، تا شاید آتش شوق خدمت به مردم و میهن را در دل او زبانه کش نماید. همانا کسب اطلاعات بیشتر و شرح و تفصیل تکمیلی در خصوص هر یک از شخصیت‌ها برای خواننده مشتاق، با استفاده از منابع معرفی شده در انتهای کتاب میسر خواهد بود.

آیین‌نگار

دفتر اول

گزیده‌ای از شرح حال و زندگی شخصیت‌های برجسته، علمی، صنعتی، فرهنگی و کارآفرینی



سید محسن آزمایش

(۱۳۵۴ تهران-۱۳۷۱ ارتباط مراکش)

کارآفرین، صنعتگر و بنیانگذار کارخانجات و نام تجاری آزمایش



روزشمار زندگی

تولد در تهران	۱۳۰۴
تأسیس کارگاه کوچک درب و پنجره سازی	۱۳۱۸
تغییر نام خانوادگی از اشتهاوردیان به آزمایش	۱۳۲۹
تأسیس کارگاه مبیل و صندلی	۱۳۳۰
آتش سوزی در کارگاه و نابودی کامل آن	۱۳۳۶
راه اندازی مجدد کارگاه در خیابان تهران نو (دماوند)	۱۳۳۷
تأسیس اولین کارخانه آزمایش در کیلومتر ۱۰ جاده ابعلی	۱۳۴۷
تأسیس ۴۰۰ نمایندگی شرکت آزمایش در شهرستان ها	۱۳۴۷
تأسیس و راه اندازی شرکت فابیسیت در شهر صنعتی ساوه	۱۳۵۰
مصادره کارخانه‌های آزمایش آنها به نفع دولت	۱۳۵۸
مهاجرت به سوییس	۱۳۵۹
درگذشت در شهر رباط مراکش	۱۳۷۱
پذیرفته شدن شرکت آزمایش در بورس	۱۳۷۵
تعطیلی کارخانه آزمایش	۱۳۸۰

تحصیل نیافته بود، در کارخانه خود کارگاه‌های فنی را به منظور تحصیل کارکنان ساخت که ۳۳۰ هنرجو را پذیرفته بود. از نظر وی مشکل اساسی در تولید لوازم خانگی، کمبود مهندسان، متخصصان و کارکنان فنی مجرب بود که قادر به تولید و کنترل ماشین آلات خودکار باشند و از توقف احتمالی آنها جلوگیری نمایند؛ از این رو اقدام به اعزام نیروی کار برای گذراندن دوره‌های آموزشی کوتاه مدت به موسسات آموزشی داخل و خارج از کشور کرد.



سید محسن آزمایش (اشتهاردیان) در سال ۱۳۰۴ در خانواده‌ای روحانی در تهران به دنیا آمد و به خاطر وضعیت مالی ضعیف خانواده و فوت پدرش در نوجوانی، تا کلاس چهارم دبستان تحصیل کرد و از ۱۱ سالگی برای تأمین معاش خانواده در کارگاه آهنگری به شاگردی مشغول شد. پس از ۷ سال در ۱۳۱۸ کارگاه کوچک درب و پنجره‌سازی خود را در خیابان عین الدوله (ایران فعلی) تأسیس و در عرض ۴۳ سال به مالک یکی از بزرگترین کارخانجات لوازم خانگی ایران تبدیل شد.

از سال ۱۳۳۰ در مناقصه‌های احداث شبکه لوله‌کشی آب شهرداری تهران شرکت کرد و اجرای برخی از آنها را بر عهده گرفت. از اواسط دهه ۳۰ در شرق تهران در کارگاهی به ساخت صندلی، مبل و آبکاری فلزات پرداخت. این کارگاه در سال ۱۳۳۶ در یک آتش‌سوزی، که آزمایش آن را عمدی توصیف می‌کرد، نابود شد. پس از این ماجرا در اسفند ۱۳۳۷ در خیابان تهران نو (دماوند فعلی) در محل کارگاه قدیمی، کارخانه صنعتی آزمایش را بنیان نهاد که تا سال ۱۳۵۸ مدیریت آن را در اختیار داشت.

وی بعد از چند سال، زمینی به مساحت ۱۸۵ هزار مترمربع در شمال شرقی تهران که بعدها به سه راه آزمایش مشهور شد خریداری کرد و کارخانه آزمایش را در آنجا بنا نهاد. در این کارخانه چندین نوع یخچال، کولر، آب‌گرم‌کن، تختخواب فلزی، بخاری و اجاق گاز تولید می‌شد. کم‌کم زیربنای کارخانه از ۲ هزار مترمربع در سال‌های آغازین، به ۷۳ هزار متر در اواسط سال‌های دهه پنجاه رسید.

تولیدات کارخانه آزمایش به کشورهایی همچون افغانستان، کویت و شیخ نشین‌های حاشیه خلیج فارس صادر می‌شد. او که به سبب گرفتاری‌های خانوادگی فرصتی برای

و فعالیت‌های آن در سال‌های دهه ۵۰ به حدی گسترش یافت که مجبور شد بخش‌هایی از کارخانه را به خارج از تهران منتقل نماید؛ به همین منظور در سال ۱۳۵۴ احداث مجتمع صنعتی آزمایش در مرودشت آغاز شد. لیکن به دلایل مختلف از جمله کمبود سیمان، آهن، برق، نیروی کار ماهر، محدودیت واردات و حوادث سیاسی سال ۱۳۵۶، باعث شد بهره‌برداری از آن به تاخیر بیافتد.

شرکت در سال ۱۳۴۸ در نظر داشت به کمک یک شرکت ژاپنی، تلویزیون را به محصولاتش اضافه نماید ولی در این زمینه موفقیتی نداشت.

این کارآفرین برجسته علاوه بر کارخانه آزمایش شرکت فایبست را در اوایل دهه ۵۰ در شهر صنعتی ساوه تأسیس و به تولید پنل‌های پیش ساخته اقدام کرد.

او برای کارکنان خود احترامی بسیار قائل بود و هزینه عروسی کارگران خود را می‌پرداخت. محسن اعتقاد داشت که اینگونه می‌توان کارخانه را به بهترین شکل اداره کرد. شرکت ملی نفت تحقیقی مفصل در مورد میزان حقوق و مزایای پرداختی در صنایع ایران صورت داده بود که براساس این تحقیقات، کارخانه آزمایش حقوقی بیشتر از مجموعه‌های دولتی به کارکنان خود پرداخت می‌کرد. محسن دو استراتژی برای اداره مجموعه خود انتخاب کرده بود. او از سویی اعتقاد به استفاده از مشاوران خارجی نداشت و سعی می‌کرد تا کارمندان غیرایرانی را به مجموعه خود راه ندهد. تنها در یک دوره یک کارشناس خارجی در مجموعه آزمایش وارد شد. خارجی‌ها تنها می‌توانستند در مرحله راه‌اندازی کارخانه حضور داشته باشند. استراتژی دوم ولی از شیوه اول کمی سخت‌تر بود. محسن برای رسیدگی به امور اجرایی کارخانه از یک سرهنگ بازنشسته



او به کارگران چند درصد بیشتر از حد رایج حقوق پرداخت می‌کرد و مدیران کارخانه از مزایای ویژه‌ای چون وام مسکن، کمک هزینه ازدواج، یارانه خودرو، و غیره برخوردار بودند. آزمایش در ساوه و مرودشت نیز شعبه‌های تولید به راه انداخته بود. شرکت برای توزیع محصولات در سال ۱۳۴۷، چهارصد نمایندگی در سطح کشور دایر



کالاهای متعددی را تولید می‌کرد ولی پس از آن به دلیل مدیریت دولتی با معضلاتی از جمله مازاد نیروی انسانی، بدهی و زیان انباشته مواجه گردید و علیرغم واگذاری به بخش خصوصی، کارخانه مذکور پس از نیم قرن فعالیت در آستانه اضمحلال قرار گرفت و تعطیل شد.

یاری خواسته بود. سرهنگ باید تلاش می‌کرد تا امنیت کارخانه حفظ شود. چنین استخدامی سبب شده بود تا گروهی جو کارخانه آزمایش را امنیتی بدانند.

محسن آزمایش از زمان تشکیل سندیکای کارخانجات سازنده وسایل خانگی صنعتی ایران در سال ۱۳۴۲ در آن فعالیت داشت و در دوره اول و دوم از اعضای هیئت مدیره آن بود. وی در طول ۴۰ سال فعالیت اقتصادی، روزانه بیش از ۱۰ ساعت کار می‌کرد. آرزوی او این بود که کارخانه‌اش یکی از بزرگترین کارخانه‌های تولیدکننده لوازم خانگی باشد تا بتواند ۲۰۰ تا ۳۰۰ نوع محصول با کیفیت و ارزان را تولید نماید. و صاحبان سرمایه، به جای اینکه پولشان را صرف بورس بازی و خرید و فروش زمین کنند به فعالیت صنعتی اختصاص دهند.

شرکت پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مشمول بند «ج» قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران شد و تحت پوشش سازمان صنایع ملی ایران قرار گرفت و سپس براساس رای صادره از سوی هیات پنج نفره موضوع ماده ۲ متمم قانون مزبور، مشمول بند ب قانون یادشده شناخته شد و به تملک دولت درآمد.

محسن آزمایش یک سال پس از ملی شدن کارخانه هایش، در سال ۱۳۵۹ به سوئیس رفت. وی سال‌های آخر عمرش را در کشور مراکش، نزد یکی از فرزندان‌ش زندگی می‌کرد و در سال ۱۳۷۱ در شهر رباط مراکش درگذشت و همانجا به خاک سپرده شد.

کارخانه آزمایش در سال ۱۳۷۵ در ردیف شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران قرار گرفت و از سال ۱۳۸۱ به سازمان صندوق بازنشستگی کشوری واگذار شد. هر چند فعالیت کارخانه آزمایش تا اوایل سال ۱۳۸۰ تا حدودی رونق داشت و



جعفر اخوان

(۱۲۸۹-تهران-۱۳۶۲)

موسس اولین شرکت خودروسازی در ایران

روزشمار زندگی

تولد در تهران	۱۲۸۹
تأسیس شرکت بازرگانی جیپ	۱۳۳۵
تأسیس شرکت سهامی بازرگانی جیپ	۱۳۳۶
موسس و نایب رییس اتاق صنایع و معادن ایران	۱۳۴۱
احداث تعمیرگاه رامبلر	۱۳۴۲
عرضه دو خودروی شاهین و آریا به بازار	۱۳۴۶
اخذ مجوز امتیاز مونتاژ خودروهای جنرال موتورز	۱۳۵۱
موسس بانک داریوش	۱۳۵۲
استعفا از مدیریت شرکت	۱۳۵۷
خروج از ایران	۱۳۵۷
درگذشت	۱۳۶۲



خودرو در ایران به سال‌های ۱۳۳۴ تا ۱۳۴۱ در برنامه عمرانی هفت ساله دوم برمی‌گردد که هدف آن صنعتی شدن ایران بود. در پی این سیاست‌ها و در سال ۱۳۳۵ و زمانی که

جعفر اخوان در سال ۱۲۸۹ در تهران دنیا آمد و تحصیلات خود را در همین شهر ادامه داد. وی در سال‌ها بعد موسس اولین شرکت خودروسازی در ایران شد. تولد صنعت





بیشتر سرمایه داران به دنبال واردات خودرو بودند، با تغییر استراتژی ایران برای صنعتی شدن، جعفر اخوان ۴۶ ساله، شرکت بازرگانی جیب را تأسیس و ابتدا اقدام به وارد کردن «جیب ویلیز» نمود و در ۱۳۳۶ با کمک آمریکایی‌ها اولین خط تولید کارخانه «شرکت سهامی بازرگانی جیب» را در کیلومتر ۹ جاده مخصوص کرج راه‌اندازی و با این اتفاق، صنعت خودروسازی در ایران، آغاز به کار کرد. این شرکت، تولید جیب ویلیز را با تغییر نام به «شهباز» شروع و به دنبال آن «وانت سیمرغ» در همان سال تولید شد. با توجه به وضع راه‌های کشور، خودروی دو دیفرانسیل شاسی بلند، بهترین خودروی ممکن برای رفت و آمد در ایران بود و این نشان هوشمندی جعفر اخوان در انتخاب یک محصول مناسب برای خودروسازی در ایران بود.

بازار خودروهای کشور در دهه ۴۰ شمسی تشنه خودروهای سواری بود، با این پیش زمینه، اخوان موفق شد امتیاز مونتاژ خودروی «رامبلر» را از شرکت جنرال موتورز اخذ نماید. در اواخر سال ۱۳۴۲ تعمیرگاه رامبلر احداث گردید. با راه‌اندازی خط مونتاژ، واردات خودرو رامبلر متوقف و در سال ۱۳۴۶ این خودرو را با نام «شاهین» به عنوان مدل پایه و «آریا» به عنوان مدل با امکانات بیشتر به بازار عرضه شد. این دو خودرو به دلیل کیفیت و دوام بالا مورد استقبال مردم قرار گرفتند. در همین سال خودروی دیگری به نام «جیب آهو» به خط تولید شرکت اضافه شد.

شرکت جیب در سال ۱۳۴۶ تعدادی خودروی رامبلر به امرای ارتش داد و در دیدار تیمسار جم از کارخانه جیب، جعفر اخوان یک دستگاه اتومبیل آریا و یک دستگاه جیب استیشن به وی هدیه داد. بعد از چند روز تیمسار جم دستور داد چند دستگاه جیب

برای ارتش خریداری کنند و در نتیجه ارتش به یکی از خریداران بزرگ محصولات شرکت جیب تبدیل شد.

در سال ۱۳۴۷ تولید شرکت جیب رونق خوبی داشت و تعداد ۲۸۰۲ دستگاه آریا، ۱۷۴۲ دستگاه شاهین و در حدود ۲۰۰۰ دستگاه انواع مختلف جیب تولید و به بازار عرضه کرد. در تمام این سال‌ها، مدیریت فنی و ستادی شرکت جیب با آمریکایی‌ها بود. اخوان در این زمان به دنبال خودرویی بود که بتواند با خودروهای لوکس وارداتی رقابت کند، بنابراین در اوایل دهه ۵۰ مذاکرات با جنرال موتورز را آغاز کرد. اخوان به دلیل روابط مناسبی که با این شرکت داشت، سرانجام توانست امتیاز مونتاژ

آن دوران روانه بازار شدند. پس از این دو خودرو نوبت به «کادیلک سویل» (کادیلک ایران) رسید. این خودرو لوکس‌ترین خودروی تولیدی در کشور بود و با محصولات لوکس شرکت بنز رقابت می‌کرد.

جعفر اخوان در این سال‌ها، در پی سرمایه‌گذاری در کسب و کارهای دیگری هم بود و از زمانی که جنرال موتورز ایران را تأسیس کرد، از سهامداران عمده یکی از بانک‌ها نیز بود. در سال ۱۳۵۲ تأسیس بانک داریوش به تصویب شورای پول و اعتبار رسید که اخوان یکی از موسسان این بانک بود. وی در سال ۱۳۳۸ یکی از سهامداران بانک ایرانیان بود. اخوان در پایان سال ۱۳۵۵ صاحب ۱۰۰ میلیون ریال سرمایه در بانک ایرانیان و ۴۰۰ میلیون ریال سهام در بانک داریوش بود. علاوه بر این وی در تعدادی از بانک‌ها و شرکت‌های خارجی از جمله اونیون بانک سوئیس و شرکت جنرال موتورز آمریکا و بسیاری از بانک‌ها و شرکت‌های دیگر، دارایی و سهام داشت. دارایی اخوان شامل زمین و ساختمان‌های متعدد در کرج و تهران، سهام چندین بانک و شرکت صنعتی و کارخانه جیپ بود.

قدرت مالی اخوان، ناشی از ثروت خانوادگی، تلاش منظم، هدفمند و طولانی مدت و بهره‌مندی از موقعیت‌ها و روابط وی ناشی می‌شد که زمینه انباشت ثروت را برای او فراهم کرد. سرمایه‌گذاری در موقعیت‌های مناسب، پیش بینی تحولات اقتصادی و تخصیص منابع در آن زمینه، نقش موثری در گسترش ثروت وی ایفا کرد. اوج‌گیری انقلاب با اعتصاب ۴۵ روزه کارگران جنرال موتورز ایران همراه بود. کمیته اجرایی کارگران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، مدیریت شرکت را وادار به استعفا کرد و خود هدایت و

خودروه‌های این شرکت را به دست آورد و در آخرین روزهای سال ۱۳۵۲، شرکت بازرگانی جیپ به «جنرال موتورز ایران» تغییر نام داد. ۴۵٪ سهام این شرکت در اختیار آقای اخوان، ۴۵٪ در اختیار جنرال موتورز و ۱۰٪ باقیمانده نیز در اختیار بنیاد پهلوی بود. با تأسیس شرکت جدید، عرضه خودروهای آریا و شاهین پس از فروش بیش از ۲۲ هزار و ۷۰۰ دستگاه در سال ۱۳۵۳ متوقف شد. مساحت این کارخانه ۴۸۳،۳۰۸ و زیربنای آن ۶۸،۴۱۵ متر مربع بود.

ابتدا خودرو «شورولت رویال» ۲۵۰۰ و ۲۸۰۰ که نمونه ایرانی «اپل کومودور» آلمانی بود، در این شرکت تولید و روانه بازار ایران شد. تولید شورولت رویال در سال ۱۳۵۵ متوقف و شورولت «نوا» و «بیوک اسکای لارک» (با نام بیوک ایران) به عنوان خودروهای لوکس





رئیس اتاق صنایع و معادن ایران بود. علاوه بر این فعالیت سیاسی او در انتخابات دوره بیستم در سال ۱۳۳۹ به سود حزب مردم اسدالله علم در روزنامه‌ها منعکس شده است. اسناد اخوان نشان می‌دهد که او فردی منظم بود و بیشتر فعالیت‌های اقتصادی خود را با قرارداد مکتوب انجام می‌داد و بیشتر اسناد خود، حتی کارت‌های تریک اعیاد را به صورت منظم نگهداری می‌کرد. جعفر اخوان در سال ۱۳۶۲ در خارج از کشور درگذشت و همانجا به خاک سپرده شد.

سرپرستی شرکت را برعهده گرفتند. اخوان قبل از پیروزی انقلاب، کشور را ترک کرد. پس از انقلاب شرکت جنرال موتورز ایران، مشمول بند الف قانون توسعه و حفاظت از صنایع شد و به تملک دولت درآمد و به سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران واگذار شد. نام این شرکت در ۳۰ آبان ماه ۱۳۵۹ به «خودروسازی ایران» و در ۱۳ دی ماه همان سال به «پارس خودرو» تغییر یافت.

جعفر اخوان در کنار فعالیت‌های صنعتی خود، در تشکل‌های اقتصادی و صنعتی نیز بسیار فعال بود. او از موسسان اتاق صنایع و معادن ایران در سال ۱۳۴۱ بود و مدتی نایب



برادران امیدوار

عیسی امیدوار (۱۳۰۸ تهران)؛ عبدالله امیدوار (۱۳۱۰ تهران)

جهانگرد، پژوهشگر و مستندساز

روزشمار زندگی

آغاز مرحله اول سفر	۱۳۳۰
اقامت سه ماهه در ایران و آمادگی برای مرحله دوم سفر	۱۳۴۰
شروع مرحله دوم سفر	۱۳۴۰
نمایش فیلم مستند عجایب مسافرت برادران امیدوار	۱۳۴۱
چاپ اولین نسخه از کتاب سفرنامه	۱۳۴۳
ایجاد موزه برادران امیدوار در کاخ سعدآباد	۱۳۸۲
تجلیل از برادران امیدوار به عنوان پیشگامان جهانگردی ایران	۱۳۹۷



امیدوار به بیشتر قله‌های ایران صعود کردند و درون غارهایی رفتند که تا پیش از آن صرفاً مردم محلی از وجودشان اطلاع داشتند. آنها همراه برخی از عشایر ایران کوچ می‌کردند و چند هفته را با آنها زندگی می‌کردند.

برادران امیدوار از اوایل پاییز ۱۳۳۳ (۱۹۵۴ میلادی) سفر پژوهشگرانه خود به دور

عیسی و عبدالله امیدوار جهانگردانی هستند که قبل از این که جهانگرد باشند، ایرانگرد بودند و از مناطق مختلف کشور به خصوص غارهای کوچک و بزرگ زیادی بازدید کردند. اکتشاف «غار شاپور» و مجسمه درون آن در کازرون و غارهایی که محل زندگی انسان‌های اولیه بوده، بخش کوچکی از کشفیات این دو برادر در زمان ایرانگردی آنان است. برادران

خود تأمین کردند. بخشی از اقدامات آنان فروش مقالات پژوهشی به شرکت خودروسازی سیتروئن فرانسه بود که در ازای آن موفق به خرید یک دستگاه خودروی ون دوسیلندر و دریافت مبلغ قابل توجهی وجه نقد شدند.

برادران امیدوار در سال ۱۳۴۰ برای اقامتی کوتاه (سه ماه) از اروپا به ایران آمدند. آنان مرحله دوم جهانگردی خود را با خودروی ون دوسیلندر، از مرز جنوبی ایران با کویت آغاز کردند و پس از آن با گذر از عربستان سعودی و زیارت کعبه به سوی قاره آفریقا ادامه مسیر دادند.

این برادران جهانگرد برای تأمین و صرفه جویی در هزینه‌ها روش خاصی ابداع کرده بودند. آنها در تمام طول مسیر، با پولی که از راه اجرای برنامه‌های رادیویی یا نوشتن

دنیا را با دو دستگاه موتورسیکلت مجلس (Matchless) ۵۰۰ سی سی از تهران به سوی مرز شرقی ایران با افغانستان آغاز کردند. استفاده از موتورسیکلت در مسافرت به منظور دستیابی به کوره راه‌ها و نقاط دورافتاده و جزایر صعب العبور بود. مرحله نخست سفر برادران امیدوار هفت سال به درازا انجامید. در این مرحله، آنان با گذر از کشورهای افغانستان، پاکستان و هند به سوی تبت و سپس آسیای جنوب شرقی و استرالیا سفر کردند و در ادامه با عبور از اقیانوس آرام، از آلاسکا، آمریکای شمالی و آمریکای جنوبی بازدید نمودند و سرانجام با گذر از اقیانوس اطلس، وارد اروپا شدند. این دو برادر در مدت اقامت کوتاه خود در اروپا، از محل انتشار مقالات پژوهشی مربوط به سفرهایشان و مصاحبه با رسانه‌های گوناگون اروپایی، منابع مالی مورد نیاز را برای مرحله دوم سفر



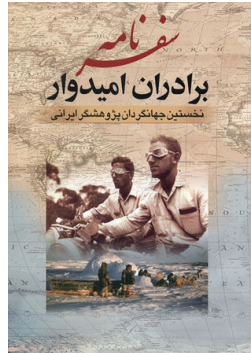
ایران منحصر به فرد است. آنها صحراهای سوزان آفریقا تا جنگل‌های انبوه آمازون، قطب شمال و زندگی با اسکیموها، قطب جنوب و قاره آسیا و در نهایت تمام خشکی‌های سیاره زمین را گشتند.

عبدالله در پایان ماجراجویی کاوشگریانه در قاره سیاه، جنوبگان (قطب جنوب)، آسیا، قطب شمال، آمریکا و استرالیا، در کشور شیلی ماند و به کار سینما مشغول شد و عیسی به ایران برگشت.

برادران امیدوار در کنار جهانگردی، به نوعی در نقش سفیر ایران هم ظاهر می‌شدند. آنها در صورت امکان با رؤسای جمهور، نخست وزیران، پادشاهان و شخصیت‌های فرهنگی کشورهای جهان دیدار و علاوه بر معرفی خود و کشور ایران، از تجربیات خود برای این مقامات صحبت می‌کردند. ظاهر شاه (پادشاه وقت افغانستان)، دکتر سوکارنو

مقالات برای مجلات به دست می‌آوردند، مسافرت می‌کردند. یکی دیگر از روش‌های کم کردن هزینه‌های جهانگردی، مکاتبه با دانشگاه‌هایی بود که به کار آن‌ها علاقه مند بودند.

برادران امیدوار به مناطقی سفر کردند که تا آن زمان کسی به آن مناطق نرفته بود یا زنده از آن جا برنگشته بود؛ از جمله حضور در میان قبایل ساکن در آمازون و استرالیا که همانند انسان‌های نخستین زندگی می‌کردند. به همین دلیل بود که به دیگران اعتماد نمی‌کردند و هر شخصی را که به قبیله شان وارد می‌شد، می‌کشتند و جمجمه‌هایشان را به عنوان یادگاری نگه می‌داشتند. با وجود همه این محدودیت‌ها و چالش‌ها، عیسی و عبدالله توانستند آرام آرام به این قبیله‌های بدوی نزدیک شوند، مدتی با آن‌ها زندگی کنند و حتی از زندگی شان فیلم و عکس بگیرند. ماجراجویی برادران امیدوار در تاریخ





افتتاح شد. این موزه شامل عکس، فیلم، صنایع دستی، ابزارهای باستانی و عتیقه جات، ابزارآلات موسیقی ملل، دست نوشته‌ها و امضاء شخصیت‌های مهم سیاسی و سوغات کشورهای مختلف است که برادران امیدوار در سفر به ۹۹ کشور از ۵ قاره جهان گردآوری کرده‌اند. بنای موزه برادران امیدوار در بخش شمال غربی مجموعه کاخ‌های سعدآباد واقع شده است و قدمت بنای آن به دوره قاجار برمی‌گردد.

برادران امیدوار در سفرهای خود همواره از مشاهدات خود تصویربرداری می‌کردند. فیلم‌های مستند آنان در زمان خود از شبکه‌های تلویزیونی کشورهای گوناگون جهان پخش می‌شد. در ایران نیز فیلم مستند «عجایب مسافرت برادران امیدوار» در دهه ۱۳۴۰ در سینماها اکران شد. در سال ۱۳۹۷ طی مراسمی از برادران امیدوار به عنوان پیشگامان جهانگردی ایران تجلیل شد.



رئیس جمهور اندونزی)، خانم ایندریا گاندی (نخست وزیر هند)، ملک سعود (پادشاه عربستان) از جمله افرادی هستند که تصویر آنها در کتاب سفرنامه برادران امیدوار به چاپ رسیده است.

سفرنامه برادران امیدوار از سال ۱۳۴۳ تاکنون چندین بار در ایران چاپ شده و همچنین به زبان‌های مختلفی از جمله اسپانیایی، انگلیسی و فرانسه ترجمه و منتشر شده است.

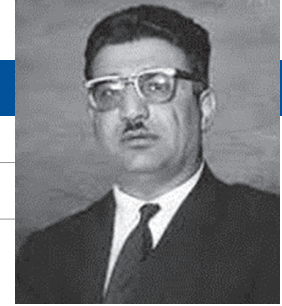
برادران امیدوار رهاورد سفرهای خود را در چند مورد به طور موقت به نمایش گذاشتند که توجه مردم را به خود جلب کرد، بنابراین به فکر ایجاد موزه‌ای برای نمایش وسایل و ادوات و سوغات سفرهایشان از ایران و سایر نقاط جهان بودند. با پیگیری‌های متعدد، در مهرماه سال ۱۳۸۲ موزه برادران امیدوار در مجموعه فرهنگی تاریخی سعدآباد



محمدرحیم متقی ایروانی

(۱۳۹۹ شیراز- ۱۳۸۴ آمریکا)

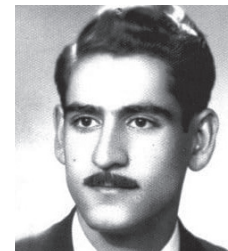
کارآفرین و سرمایه‌دار ایرانی، و بنیان‌گذار کفش ملی



روزشمار زندگی

تولد در شیراز	۱۲۹۹
مهاجرت به آبادان و اشتغال در شرکت نفت	۱۳۲۰
تحصیل در رشته حقوق قضایی دانشگاه تهران	۱۳۲۴-۱۳۲۱
تالیف کتاب گفتگوی انگلیسی به فارسی	۱۳۲۴
مهاجرت به آمریکا برای ادامه تحصیل (ناموفق ماندن آن)	۱۳۲۵
خرید یک دستگاه ژنراتور برای افتتاح کارخانه برق فسا	۱۳۲۸
انتقال مرکز فعالیت‌های اقتصادی از شیراز به تهران	۱۳۳۰
سفر به چکسلواکی با هدف جذب کارشناس	۱۳۳۰
تأسیس کارخانه کفش ملی	۱۳۳۶
تأسیس گروه صنعتی ملی (سهامی عام)	۱۳۴۷
توسعه مرحله سوم توسعه صنعت کفش در جاده قدیم کرج	۱۳۴۷
تأسیس بیش از ۵۰ شرکت صنعتی و تجاری	۱۳۳۵-۱۳۵۷
پذیرفته شدن شرکت ملی کفش ایران در بورس	۱۳۵۵
درگذشت در آمریکا	۱۳۸۴





محمد رحیم متقی ایروانی فرزند میرزا کاظم از تجار شیراز در محله مشیر شیراز متولد شد. دوره دبستان را در مدرسه باقریه گذراند و برای یادگیری زبان انگلیسی به کالج ستیوارت اصفهان رفت. آموخته‌های او در کالج مذکور بر خصوصیات اخلاقی و مدیریتی‌اش تاثیر داشت.

ایروانی در سال ۱۳۲۰ به آبادان رفت و مدتی در شرکت نفت مشغول به کار شد. از ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۴ در رشته حقوق قضایی در دانشکده حقوق دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت. وی در دوره دانشجویی ضمن انجام فعالیت مطبوعاتی، کتاب گفتگوی انگلیسی به فارسی را تالیف و پس از آن راهنمای ازدواج را از عربی به فارسی ترجمه کرد. در شهریور ۱۳۲۵ برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت اما بدون ادامه تحصیل به ایران بازگشت. در سال ۱۳۲۸ با کمک تعدادی از تجار و با خرید یک دستگاه ژنراتور تولید برق، کارخانه برق فسا را افتتاح کرد. ایروانی در سال ۱۳۳۰ مرکز فعالیت‌های اقتصادی‌اش را به تهران منتقل و تجارتخانه خود را در سبزه میدان به نام شرکت سهامی باتا افتتاح کرد و به صادرات کتیرا، مغز گردو، آنگوزه، پنبه، مواد روغنی پرداخت. در دهه ۳۰ با هدف جذب دو کارشناس و یک دستگاه اتوکلاو برای تولید گالش در ایران به چکسلواکی سفر کرد وی پس از این سفر، کارگاه تولید گالش را در سرای محمدی واقع در خیابان خیام راه‌اندازی نمود.

ایروانی بعدها زمینی در مهرآباد تهران خرید و کارخانه کفش را به آنجا منتقل و کارش را با ۳۵ نفر کارگر آغاز کرد. ایروانی بعد از آغاز به کار کارخانه، با خرید ماشین دوخت، از

پارچه‌های ایرانی استفاده کرد. در این زمان کارخانه‌ای امریکایی به نام ولکو نیز حاضر به سرمایه‌گذاری و انتقال فناوری به ایران شد. این کارخانه در ابتدا روزانه ۱۵۰ جفت کفش تولید می‌کرد. ایروانی در سال ۱۳۳۶ شرکت کفش ملی را تأسیس کرد. رحیم ایروانی با خرید تعداد زیادی از خانه‌های منطقه مهرآباد تهران، کارخانه خود را گسترش داد. تا سال ۱۳۳۷ در ایران کفش‌های چرمی به صورت صنعتی تولید نمی‌شد؛ اما پس از آن و به دنبال تأسیس کارخانه‌های چرم، تولید کفش چرمی نیز در کفش ملی آغاز شد. از سال ۱۳۴۷ به بعد در کنار کفش، به تولید محصولات مثل جوراب، توپد، آستر و بند کفش و موارد دیگر اقدام کرد. به تدریج ظرفیت تولید کارخانه مهرآباد افزایش یافت؛ به طوری که روزانه ۱۲۵۰۰ جفت کفش توسط ۲۵۰۰ کارگر، تولید می‌شد.

در کارخانه کفش ملی تا سال ۱۳۵۰ انواع مختلفی از کفش مثل کفش ورزشی، چکمه، پوتین نظامی، دمپایی، کفش کتانی، کفش‌های بچه‌گانه و کفش ایمنی شرکت



ایروانی از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۷ بیش از پنجاه شرکت صنعتی، تجاری و خدماتی تأسیس کرد و در زمینه تولید انواع کفش در بیش از ۲۵ شرکت صنعتی با شرکای داخلی و خارجی مشارکت داشت. او در سال ۱۳۳۰ شرکت پویا را برای تولید کفش ورزشی، کفش فارس را در سال ۱۳۴۲ برای تولید کفش چرمی، شرکت کفش صنعتی را در سال ۱۳۴۷ برای تولید کفش ایمنی و پوشش، و در ۱۳۴۹ شرکت سرپائی را برای تولید دمپایی و ... تأسیس نمود.

در سال ۱۳۵۴ کفش ملی، حدود ۵۰ شرکت تحت پوشش خود را به سه زیرمجموعه سرمایه‌گذاری تقسیم کرد و هریک از آنها را زیر یک شرکت هدینگ قرار داد. گروه صنعتی ملی (سهامی عام) در آذر ۱۳۴۷ تأسیس و در سال ۱۳۵۵ در بورس پذیرفته شد. همچنین در سال ۱۳۵۴ شرکت آذرین برای سرمایه‌گذاری در صنایع چرم و شرکت الوند برای



با مشارکت اوتافوکوی ژاپنی، شرکت‌های گوستاو هوفمن، فالکه، دسما و گابور آلمانی، گودبالت آمریکایی و یونیون کیمیکال سویسی تولید می‌شد.

در سال ۱۳۴۷ بعد از موفقیت تولید کفش در مهرآباد جنوبی، مرحله سوم توسعه صنعت کفش ایران در یک متری ۱۸ جاده قدیم کرج شروع شد. وی زمینی به مساحت ۴۰۰ هزار متر خرید و پارک صنعتی کفش ملی فعالیت خود را رسماً در اوایل سال ۱۳۵۰ آغاز کرد. در این زمین، احداث ۴۰۰ خانه سازمانی برای کارگران در نظر گرفته شده بود. اولین کارخانه این مجموعه، کفش استاندارد و دومی کفش صنعتی تاف بود.

علاوه بر تولید کفش، ایروانی کارخانجات تولید کارتن، قالب، ماشین سازی، انواع تسمه برای بخش‌های صنعت و کشاورزی را تأسیس کرد. وی در دهه ۵۰ اقدام به خرید چندین کارخانه چرم نمود تا از آنها برای تولید کفش و صادرات آن استفاده نماید.



حتی ۲۵ سال پس از مصادره شرکت، با انتصاب هر مدیر جدید در شرکت کفش ملی، به او تلفن می‌زد، تبریک می‌گفت و او را تشویق به حفظ موسسه می‌کرد.

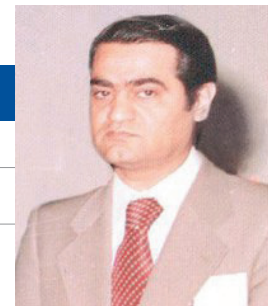
رحیم ایروانی در سال ۱۳۴۳ شرکت کانون مشاوره اقتصادی را به منظور تربیت و پرورش ۲۲ کودک تأسیس کرد تا در آینده، این کودکان از مدیران بنگاه‌های صنعتی او شوند. هیچ‌کدام از این اطفال پس از رسیدن به ۱۸ سالگی هیچ تعهدی نسبت به کانون نداشتند و در زندگی خود مختار بودند. فقط انتظار مؤسسه این بود که نسبت به تحصیل جدی باشند و تمسک به دین اسلام و حسن اخلاق را پیشه خود سازند. با وقوع انقلاب اسلامی، ایروانی این کودکان را که آن زمان ۱۴ تا ۱۶ ساله بودند، به همراه دبیران آنها، با خود به خارج از کشور برد.

ایروانی تا سال ۱۳۵۷ در ایران زندگی می‌کرد که پس از مصادره کارخانجات گروه صنعتی ملی، به ناچار به خارج از کشور مهاجرت کرد. وی کارخانه چرم و کفش‌سازی در بوستون آمریکا و کارخانه کفش استاندارد را در قاهره ایجاد نمود.

در سال ۱۳۸۴ ایروانی با ارسال نامه به معاون وقت رئیس جمهور تقاضای بازگرداندن کارخانجات خود را کرد که پاسخی دریافت نکرد و هفت ماه پس از آن، در دوازدهم اسفند ۱۳۸۴ در حسرت راه‌اندازی دوباره کارخانه کفش ملی، در آمریکا در گذشت.



سرمایه‌گذاری در حوزه تجارت و خدمات تأسیس شد. هوش، سرسختی، ابتکار، نوآوری و رهبری ایروانی در نزد همکاران مشهور بود و شخصیت کاریزمایی به وی بخشیده بود. نفوذ شخصیتی بالایی داشت، به نحوی که همکارانش کمتر با تصمیماتش مخالفت می‌کردند. حضورش در نهادهای کارفرمایی مثل اتاق‌های بازرگانی و نهادهای صنفی کفش و چرم پررنگ بود. ایروانی و مدیران عالی و میانی او تعصب فوق‌العاده‌ای نسبت به گروه کفش ملی داشتند. این تعصب گروهی پس از انقلاب نیز حفظ شد، به نحوی که



حاج محمدتقی برخوردار

(۱۳۵۳یزد-۱۳۹۰تهران)

پدر صنایع لوازم خانگی ایران

روزشمار زندگی

تولد در یزد	۱۳۰۳
مهاجرت به تهران برای ادامه تحصیل	۱۳۲۱
تأسیس قوه پارس با مشارکت یک شرکت آمریکایی	۱۳۴۱
تأسیس شرکت پارس الکتریک	۱۳۴۲
تأسیس شرکت صنعتی پارس توشیبا در رشت	۱۳۴۷
تأسیس شرکت لامپ پارس	۱۳۴۸
تأسیس شرکت فرش پارس	۱۳۵۰
خریداری چند شرکت از جمله کالا الکتریک و کشت و صنعت جیرفت	۱۳۵۱
تأسیس شرکت کارتن‌سازی و سرامیک البرز	۱۳۵۶-۱۳۵۲
تأسیس شرکت لوازم خانگی پارس	۱۳۵۴
خروج از ایران	۱۳۵۸
بازگشت به ایران	۱۳۷۰
درگذشت در ایران	۱۳۹۰



وی ابتدا در تجارتخانه پدرش در زمینه واردات کالاهای کشاورزی تجربه کسب کرد و در تجارتخانه حکیم زاده، نحوه واردات کالاهای صنعتی و لوازم خانگی بادوام را آموخت. او در این عرصه چشم‌انداز وسیعی را مشاهده کرد. تجارت کالاهای صنعتی برای وی جذابیت‌های ویژه‌ای داشت و باعث شد وی کالاهایی را وارد کشور کند که برای بالا بردن سطح رفاه، سرعت، دقت و کسب اطلاعات مردم تاثیر زیادی داشت.

رضا نیازمند در مقطعی که معاون وقت وزارت اقتصاد بود به محمد تقی برخوردار که در آن زمان واردکننده رادیو و تلویزیون بود، پیشنهاد کرد به جای واردات به تولید رادیو و تلویزیون بپردازد و همین موضوع باعث شد تا برخوردار در سال‌های دهه ۴۰ به فکر تولید

لوازم خانگی بیافتد. او در اولین قدم شرکت ری. او. واک یا قوه پارس را با مشارکت یک شرکت آمریکایی در سال ۱۳۴۱ تاسیس کرد و پس از آن شرکت پارس الکتریک را در سال ۱۳۴۲ برای تولید رادیو و تلویزیون با مارک توشیبا تاسیس کرد.

برخوردار در گسترش صنایع، سیاست خاصی را دنبال می‌کرد. هنگامی که کارخانه توشیبا را در ایران راه اندازی کرد بعد از مدتی برای تکمیل زنجیره تولید کارخانه چوب بری هم خریداری نمود و زمانی که شرکت



محمد تقی برخوردار در سال ۱۳۰۳ در یزد در خانواده‌ای تجارت پیشه در یزد به دنیا آمد. خانواده او بسیار مذهبی بودند و پدرش از تاجران معروف و متدین شهر یزد بود. از دوران جوانی تا ۱۸ سالگی که برای ادامه تحصیل به تهران آمد، در تجارت خانه پدر در یزد کار می‌کرد. او تمایل چندانی به تحصیل در دانشگاه نداشت و به کارهای دولتی نیز وارد نشد. در تهران حجره‌ای در سرای امید خرید و به تجارت پرداخت.

در دوره دانش‌آموزی، روزنامه بسیاری مطالعه می‌کرد؛ این سنت را بعدها - در اوج فعالیت تجاری و صنعتی‌اش - نیز برای آگاهی از حوادث و تأثیر آن بر تجارت حفظ نمود. از نوجوانی، پشتکار، صبر و شکیبایی بسیار داشت. در همین دوران، پدرش از یکی از تجار اصفهان، طلبکار بود. حاج محمد تقی را برای وصول طلب به اصفهان فرستاد. او مدت چند روز، بدون این که عصبانی شود، با صبر و خنده‌رویی در حجره بدهکار حاضر می‌شد؛ تا این که توانست طلب پدرش را بگیرد و به یزد باز گردد. وی اولین آموزش‌های عملی را از همین طریق آموخت.

به روایتی در سال ۱۳۲۱، دیپلم گرفت. در همین زمان به همراه برادر بزرگش، حاج محمد مهدی، از طریق کویت به سفر حج رفت. پس از بازگشت به بهانه ادامه تحصیل به تهران آمد و در همان جا مشغول کسب و کار شد. از خدمت نظام وظیفه نیز معاف شد. حاج محمد حسین با اقامت پسرش در تهران مخالف بود؛ زیرا می‌ترسید فضای سیاسی و اجتماعی پایتخت، در اعتقادات دینی پسرش اثر منفی بگذارد. ورود به تهران؛ ارتباطات منظم با طرف‌های اروپایی، آمریکایی و ژاپنی در طی ۲۰ سال فعالیت تجاری - تغییری در اعتقاد دینی وی پدید نیاورد.

می‌گرفت. پس از جنگ جهانی دوم به تجارت با کشورهای مثل آلمان و ژاپن تمایل بیشتری نشان می‌داد. در همان سال‌ها یک کارپرداز انگلیسی استخدام کرد و تجارت خانوادگی خود را از هند به سمت اروپا سوق داد.

از سال ۱۳۴۱ نظام ارتباطی وی گسترده تر شد و فعالیت اقتصادی او از نظر کمی و جهت کیفی تغییر وسیعی کرد. در فاصله سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷، فعالیت صنعتی او در زمینه کالاهای مصرفی بادوام، خصوصاً لوازم خانگی مثل تلویزیون، لامپ، پلویز، پنکه، آمیوه گیری، باتری، کاشی، فرش و یخچال بود. او تا سال ۱۳۵۲ - که قیمت هر بشکه نفت کمتر از دو دلار بود - شش شرکت بزرگ صنعتی با حدود چهار هزار پرسنل تأسیس کرد. مشارکت با شرکتهای معتبر بین‌المللی و بانک‌های تخصصی داخلی، برای استفاده از دانش فنی و اعتبار آنها، ویژگی سرمایه‌گذاری او در صنعت بود.

ورود به دنیای صنعت و ایجاد پیوندهای خارجی و داخلی برای او موقعیت‌هایی فراهم کرد. اوج فعالیت اقتصادی او از سن ۳۸ تا ۵۴ سالگی بود. در این دوره سرمایه‌گذاری مشترک او با چند شرکت آمریکایی شروع شد. برخوردار خود را به طور مستقیم، با فعالیت‌های جزئی صنعتی درگیر نمی‌کرد و پس از پیدا کردن فرد مناسب، مسئولیت اداره امور را به وی واگذار می‌کرد. از طریق شرکت‌های مهندسی و بازرگانی پارس، پارس الکترونیک و رویال الکتریک، مسئولیت نمایندگی کمپانی‌های خارجی و توزیع محصولات شرکت‌های صنعتی خود را در ایران انجام می‌داد.

شرکت بازرگانی تهران الکتریک، در سال ۱۳۴۷ تأسیس شد؛ سرمایه اولیه آن، صد و پنجاه میلیون ریال بود؛ در اواسط دهه پنجاه، به نهمصد میلیون ریال رسید. از

قابلیت‌های تأسیس کرد در کنار آن کارخانه نخ ریسی هم راه انداخت و یک بانک هم تأسیس کرد.

حاج محمد تقی برخوردار در طول چندین دهه فعالیت اقتصادی و صنعتی، بیش از ۱۵ شرکت و گروه صنعتی را راه اندازی کرد که مهمترین آنها عبارتند از: قوه پارس، پارس الکتریک، پارس خز، کشت و صنعت جیرفت، فرش پارس، صنایع پوشش، شرکت کاشی پارس، سرامیک البرز، لوازم خانگی پارس. کارخانه‌های صنعتی که در طول چندین سال محصولات بسیار متنوعی را تولید کردند و نقش بسزایی در زندگی مدرن خانواده‌های ایرانی داشتند؛ در این شرکت‌ها در مجموع بیش از ۲۰ هزار نفر مشغول به کار بودند.

محمد تقی برخوردار به سرعت پیشرفت تکنولوژی واقف بود و از همین رو در

گروه‌های صنعتی و کارخانه‌های خود به این موضوع اهمیت ویژه‌ای می‌داد و از مهندسان خارجی برای بخش پژوهش استفاده می‌کرد. محور مدیریت وی تکیه به نیروی انسانی توانا و جستجوی افراد امین - به خصوص یزدی - برای تجارتخانه اش بود. نیروهای سهل انگار و ناتوان را سریعاً برکنار می‌کرد. به مشتریان معتبر و خوشنام توجه می‌کرد. بر رعایت اصول اخلاقی در کار اصرار داشت و متناسب با شرایط و بدون محدود شدن در شکل و فرم، تصمیم

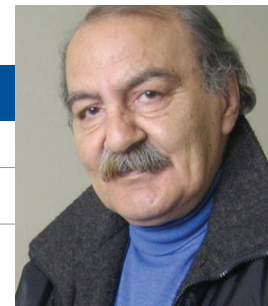




طریق همین شرکت (تا سال ۱۳۵۸) بخش عمده‌ای از فعالیت‌های وارداتی خود را در زمینه کالاهای برقی و اداری انجام می‌داد. این شرکت در سال ۱۳۵۷، حدود ۴۰۰ کارمند و نمایندگی ۱۶ شرکت بزرگ و معتبر بین‌المللی که شامل توشیبای ژاپن (نماینده‌ی لوازم صوتی و تصویری، لوازم خانگی و اداری، لامپ، پزشکی، باتری و ... آکائی و سان سوئی ژاپن (صوتی) سیکوی ژاپن (ساعت)، جنرال الکتریک آمریکا (لوازم خانگی بزرگ) کندی ایتالیا (لباس شویی) ایونی ایتالیا (لوازم اداری) دووال آلمان (گرامافون) را به عهده داشت.

کارخانه قوه پارس در حدود سال ۱۳۵۵ تعداد ۹۰۰ نفر و کارخانه پارس الکتریک ۲۰۰۰ نیروی انسانی داشت. برخوردار شرکت صنعتی پارس توشیبا را در سال ۱۳۴۷ در شهر رشت با مشارکت توشیبای ژاپن و بانک توسعه صنعتی و معدنی به منظور تولید انواع لوازم خانگی همچون پنکه، آبمیوه گیری، چرخ گوشت و انواع پلوپز احداث کرد. وی شرکت لامپ پارس توشیبا را در آذر ۱۳۴۸ در همسایگی شرکت پارس توشیبای رشت احداث کرد و در بهمن ۱۳۵۰ شرکت فرش پارس را در شهر صنعتی البرز افتتاح نمود. او در سال ۱۳۵۱ شرکت کالا الکتریک و شرکت کشت و صنعت جیرفت و دو کارخانه دیگر را خریداری کرد. در سال ۱۳۵۲ شرکت‌های کارتن‌سازی البرز، سرامیک البرز و کاشی پارس احداث گردید و بهره برداری از آنها در سال‌های ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۶ آغاز شد. در سال ۱۳۵۴ شرکت لوازم خانگی پارس با ۱۵٪ سرمایه‌گذاری مشترک جنرال الکتریک آمریکا تاسیس

شد. که این شرکت یخچال، فریزر و ماشین لباسشویی تولید می‌کرد. زندگی خصوصی و رفتار حاج محمد تقی برخوردار در عرصه خانوادگی، بیانگر تیپ شخصیتی متمایز او از بسیاری فعالان اقتصادی است. در فاصله ۱۸ تا ۳۳ سالگی (سال ۱۳۲۱ تا ۱۳۳۶) به مدت پانزده سال در تهران تجارت کرد و در همان جا ازدواج نمود. در تمام سالهایی که جوانی مجرد و صاحب سرمایه فراوان بود، هیچ گزارش غیر اخلاقی درباره رفتار او ندادند. ازدواجش نیز او - بر خلاف سنت‌های اجتماعی - بود. همسرش قبلاً ازدواج کرده و دارای یک فرزند بود. روابط احترام آمیز ویژه وی با دختر خوانده اش، در حالی که خود، دو دختر و یک پسر داشت، بیانگر ظرفیت‌های انسانی وی می‌باشد. پس از ملی شدن شرکت‌ها و کارخانجات صنعتی ایران پس از انقلاب، وی از جمله افرادی بود که در حضور نخست وزیر موقت (مهندس بازرگان) به این موضوع اعتراض کرد. برخوردار در اواخر سال ۱۳۵۸، از ایران خارج شد و تا سال ۱۳۷۰ در خارج از کشور زندگی می‌کرد. در این سال به سودای بازپس‌گیری اموالش به ایران بازگشت که حاصل این بازگشت فقط بازپس‌گیری قطعاتی زمین در رفسنجان و استرداد منزل شخصی اش بود. حاج محمد تقی، مردی هوشمند، واقع‌گرا و حرفه‌ای بود و پشت درهای بسته نمی‌نماند. با رویکرد درست نهادهای سیاست‌گذاری و تغییر سیاست به سمت بازار منطقه ای، گذار به سمت بازارهای خارجی امکان پذیر بود. حاج محمد تقی میراث سه نسل را به همراه داشت ۳۶ سال تجربه، همراه با تربیت نیرو و مدیران توانا، بهترین سرمایه او برای طی کردن این مسیر بود. حاج محمدتقی برخوردار از کارآفرینان موفق پیش از انقلاب و پدر صنایع لوازم خانگی ایران به شمار می‌آید.



علی پازوکی شاهبداغی

(۱۳۲۰-۱۳۷۹ گرمسار)

محقق، حشره شناس و سرویراستار فرهنگنامه کودکان و نوجوانان

روزشمار زندگی

تولد در روستای شاهبداغ گرمسار	۱۳۲۰
اخذ دیپلم از دبیرستان آفتاب	۱۳۳۹
اخذ مدرک کارشناسی ارشد گیاه پزشکی	۱۳۴۳
عضو هیات علمی موسسه تحقیقات آفات و بیماری‌های گیاهی	۱۳۴۳-۱۳۸۰
عضویت در هیات سه نفره اداره‌ی سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهرداری تهران	۱۳۵۸
عضو شورای اجرائی، مشاور، ویراستار و نویسنده مقالات فرهنگنامه کودکان و نوجوانان	۱۳۷۰
رئیس بخش تحقیقات رده‌بندی حشرات موسسه تحقیقات آفات و بیماری‌های گیاهی	۱۳۷۴
سرداور کتاب سال جمهوری اسلامی ایران	۱۳۷۰
بازنشستگی از موسسه تحقیقات گیاه پزشکی کشور	۱۳۷۹
رئیس انجمن حشره شناسی ایران	۱۳۹۰
درگذشت در تهران و دفن در امامزاده طاهر و مطهر روستای کوشک گرمسار	۱۳۹۵

علی پازوکی فرزند کدخدا علی اکبر، آموزش قرائت قرآن کریم و خواندن و نوشتن را پیش از دوره دبستان، نزد شادروان میرزا عباس اسلامی فراگرفت و دوره‌ی ابتدایی

موسسه مذکور نقش به‌سزایی داشت و برای انجام تحقیقاتش در زمینه حشره‌شناسی هم به گندم بریان در استان کرمان رفته و هم به جنگل‌های آمازون سرزده است. به پاس تقدیر از فعالیت‌های ارزشمند علمی این دانشمند گرانمایه، تاکنون تاسون‌های (رده) متعددی به نام ایشان به دنیای علم معرفی شده است. وی مدتی عضو هیئت مدیره و نایب‌رئیس انجمن حشره‌شناسی ایران بود و در دانشگاه‌های شهید بهشتی، تهران و واحدهای مختلف دانشگاه آزاد اسلامی دروس حشره‌شناسی را تدریس کرد. وی علاوه بر رشته تخصصی خود در زمینه‌های مختلفی به خصوص ویراستاری تبحر و تجربه داشت. موسیقی را می‌شناخت و با آن مانوس بود. در زمینه تاریخ و جغرافیای ایران مطالعات و تحقیقات فراوانی داشت و کتاب‌ها و مقالات متعددی در زمینه حشره‌شناسی و آفات بیماری‌های گیاهی تالیف کرد.

را در دبستان آفتاب و دوره متوسطه را در دبیرستان آفتاب گرمسار به پایان رساند و در سال ۱۳۳۹ موفق به اخذ دیپلم گردید. در سال ۱۳۴۳ دانشنامه کارشناسی‌ارشد گیاه‌پزشکی را از دانشکده‌ی کشاورزی دانشگاه تهران (کرج) دریافت کرد. پس از آن، به مدت یک سال و نیم دوره‌های تکمیلی را در کشورهای آلمان (مونخ و موزه تاریخ طبیعی کارلسروهه (Karlsruhe)) و دوره‌های کوتاه‌مدت‌تری را در موزه سلطنتی استکهلم (سوئد)، پراگ (چک) و سن‌پترزبورگ (روسیه) در زمینه‌های حشره‌شناسی تاکسونومیک و گیاه‌پزشکی گذراند.

مهندس پازوکی از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۸۰ عضو هیئت علمی مؤسسه تحقیقات آفات و بیماری‌های گیاهی و رئیس آزمایشگاه، معاون و رئیس بخش تحقیقات رده‌بندی حشرات مؤسسه تحقیقات گیاه‌پزشکی کشور بود. استاد پازوکی در تکمیل موزه حشره‌شناسی



موسسه تحقیقات گیاه‌پزشکی کشور



گیاهی، حفظ محیط زیست و طرح‌های توسعه فضای سبز در سطح کشور اجرا کرده است. اجرای موفقیت‌آمیز کنترل موریانه در ساختمان‌های تاریخی از جمله ساختمان مجلس شورای ملی سابق، مسجد و مدرسه عالی شهید مطهری (سپهسالار) و ساختمان‌های مجاور آن، ساختمان بزرگ و تاریخی شهربانی کل کشور (ساختمان شماره ۹ وزارت امور خارجه فعلی) از دیگر فعالیت‌های علمی و پژوهشی ایشان است. اجرای ده‌ها برنامه رادیویی و تلویزیونی در رشته‌های مختلف از جمله گیاه‌پزشکی،

تدریس در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشی و همکاری با فرهنگستان علوم ایران (بخش کشاورزی)، فرهنگنامه کودکان و نوجوانان و مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی و به خصوص ویراستاری مداخل و مقالات از فعالیت‌های علمی ایشان است. وی سرداور کتاب سال جمهوری اسلامی ایران و رئیس هیئت داوران جایزه بزرگ مهرگان علم نیز بوده است. استاد پازوکی طرح‌های تحقیقاتی متعددی در زمینه مبارزه بیولوژیک بر علیه آفات

می‌بخشید. او نویسنده‌ای توانا و سختکوش و ویراستاری دقیق و جستجوگر، تیزبین و جامع‌الاطراف بود. نویسندگان و کارکنان فرهنگنامه کودکان و نوجوانان همواره از آموزش‌های مستقیم و غیرمستقیم او برخوردار بوده‌اند.

مهندس پازوکی در ۱۶ جلد فرهنگنامه کودکان و نوجوانان، ۵۱ مقاله درباره گیاهان و جانوران نوشت و مقالات بسیاری در همین زمینه ویراستاری کرد. یکی از جالبترین نوشته‌های وی در فرهنگنامه «باغ ایرانی» نام دارد. او در این نوشته ویژگی‌های باغ ایرانی را شرح داده و می‌نویسد یونانیان و رومی‌ها از ایرانی‌ها در این زمینه تقلید می‌کردند.

مهندس پازوکی استاد مشاور و داور ده‌ها پایان‌نامه‌های لیسانس، فوق لیسانس و دکتری دانشگاهی و مشاور علمی مسئولین رده‌های بالای وزارت کشاورزی در دوره‌های مختلف بوده است و همگان را بدون منت از علم و تجربه خود بهره‌مند می‌کرد و در این زمینه هیچگاه خساست به خرج نمی‌داد.

مهندس پازوکی در هفتم تیر ماه ۱۳۹۵ برابر با ۲۱ رمضان دیده از جهان فرو بست. آرامگاه وی در امامزاده مطهر کوشک (گرمسار) قرار دارد.

حشره‌شناسی، فضای سبز و بهداشت محیط از فعالیت‌های فرهنگی استاد می‌باشد. مطالعات و تحقیقات فراوان، مسافرت‌های کوتاه و بلندمدت علمی و پژوهشی در سراسر ایران و بسیاری از کشورهای جهان، با اتومبیل، شتر، قاطر، اسب و پیاده، و بیتوته‌های طولانی در زیر چادرهای صحرایی در کوهستان‌ها، دشت‌ها، کویرها، کرانه دریاچه‌ها، دریاها، جنگل‌ها و مراتع از وی فردی علامه و دانشمند ساخته بود.

اجرای طرح‌های متعدد فضای سبز شهری از جمله اجرای حدود ۲۵۰۰ هکتار فضای سبز در منطقه ۲۰ شهر تهران، طراحی و اجرای پروژه‌های متعدد فضای سبز شهری و همکاری با سازمان پارک‌ها و فضای سبز تهران در ادوار مختلف و اجرای نخستین برنامه مبارزه بیولوژیک در ایران علیه پروانه آفت برگ‌خوار بلوط در استان فارس از جمله فعالیت‌های محیط زیستی ایشان است.

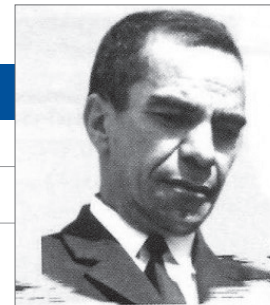
به تصدیق همکاران و دوستان، مهندس پازوکی انسانی صادق، سلیم النفس، باهوش و مثبت اندیش بود. ایشان عاشق ایران و وطن دوست واقعی بودند. از ثروت اندوزی بی‌رویه و بی‌ثمر متنفر بود و همواره بخشی از حقوق خود را به نیازمندان



سید علی خسروشاهی

(۱۳۹۰ تبریز - ۱۳۷۷ سوییس)

بنیانگذار گروه صنعتی مینو



روزشمار زندگی

تولد در تبریز	۱۲۹۰
مدیر کارخانه نساجی قزوین	۱۳۱۴
فارغ التحصیل در رشته حقوق قضایی از دانشگاه تهران	۱۳۱۹
ورود به عذرصه تجارت خارجی	۱۳۳۰
اخذ نمایندگی محصولات دارویی بوتس انگلستان	۱۳۲۷
اخذ نمایندگی انحصاری محصول نستله	۱۳۳۳
تأسیس شرکت سهامی خوراک	۱۳۳۸
تأسیس شرکت سهامی علا الدین با مشارکت شرکت انگلیسی	۱۳۳۸
تأسیس شرکت صنعتی مینو	۱۳۳۸
تأسیس کارخانه دارویی - بهداشتی مینو	۱۳۴۱
بهره برداری از شرکت صنعتی مینو در خرمدره	۱۳۵۳
متوقف شدن شرکت مینو	۱۳۵۷
مصادره شرکت مینو به حکمیت دادستان انقلاب و سپردن به وزارت صنایع	۱۳۵۸
درگذشت در سوییس	۱۳۷۷

اخذ کرد، اما اخذ نمایندگی انحصاری محصولات نستله در ۱۳۳۳ جزو موفقیت‌آمیزترین آنها بود.

خسروشاهی در ۱۳۳۸ شرکت سهامی خاص خوراک را تأسیس کرد، هدف این شرکت فعالیت در امور بازرگانی، واردات و توزیع شیر و غذای کودک، دارو و انواع شکلات بود. شرکت خوراک در پاییز ۱۳۳۸ با شرکت پروکتوراند گمبل برای توزیع پودر تایید و پس از آن در تولید پودر شوینده، قرارداد مهمی امضا کرد که در توسعه نظام فروش این شرکت نقش ویژه‌ای ایفاء کرد.



علی خسروشاهی در خانواده‌ای تجارت پیشه در تبریز زاده شد. وی دوره دبستان را در مدرسه رشدیّه تبریز گذراند. به دلیل مهاجرت پدرش به همدان، علی خسروشاهی تحصیلات خود را در مدرسه شرف همدان ادامه داد. در دانشگاه در رشته حقوق ادامه تحصیل داد و در ۱۳۱۹ از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد. بعد از آن، کار تجاری را به همراه پدر در بازار تهران دنبال کرد. در ۱۳۱۴ پس از تأسیس کارخانه نساجی در قزوین توسط پدر و عموهایش، درگیر مدیریت کارخانه نساجی شد. فرزند ارشد بودن، هوش و ذکاوت و در نهایت تسلط به زبان انگلیسی و فرانسه از او شخصیت منحصر به فردی برای کمک به مدیریت کارخانه نساجی آذربایجان ساخت.

تحصیلات در رشته حقوق و دانستن زبان خارجی، فعالیت وی را تسهیل می‌کرد. او که تجربه فعالیت اقتصادی را در دو بازار تبریز و تهران داشت با اخذ نمایندگی فروش محصولات خارجی در دهه ۱۳۲۰ و اوایل دهه ۱۳۳۰ وارد دنیای تجارت خارجی شد و با برخی از شرکت‌ها روابط تجاری برقرار کرد و پس از مدتی به واردکننده و توزیع‌کننده درجه اول مواد غذایی و بهداشتی تبدیل شد. گرفتن نمایندگی محصولات دارویی بوتس انگلستان در ۱۳۲۷ اولین پایه‌های سازمان توزیع و فروش شرکت خوراک و گروه صنعتی مینو بود. برخی از دیگر نمایندگی‌های وی عبارت بود از محصولات بهداشتی کاملیا، ساعت دیل، چسب اوهو و پودرهای رختشویی محصول هنکل آلمان، ماشین تحریر ترايومف، هاینز (سازنده انواع کنسرو)، کلاگز (سازنده کورن فلیکس)، شارپ (سازنده تافی)، نمایندگی آدامس چیکلتس و خمیر دندان پیسودنت شرکت بین‌المللی یونیلیور و بیک فرین (سازنده بیسکویت). خسروشاهی نمایندگی شرکت دارویی سیرل آمریکا را نیز

تولید را از کشورهای آلمان شرقی، آلمان غربی و انگلستان، ماشین‌های بسته‌بندی را از ایتالیا و سوییس، ماشین پفک نمکی را از آمریکا و ماشین بسته‌بندی بیسکویت را از فرانسه خریداری و وارد کشور کرد.

در سال ۱۳۳۸ شرکت صنعتی پارس مینو در کیلومتر ۱۰ جاده مخصوص کرج تأسیس و شروع به فعالیت کرد که بیشتر سهام آن متعلق به خانواده خسروشاهی بود. در سال ۱۳۴۱ کارخانه دارویی - بهداشتی مینو به بهره برداری رسید که لوازم آرایشی بخش

در پایان دهه ۱۳۳۰ و براساس سیاست‌های اقتصادی دولت وقت مبنی بر حمایت از تولید داخلی به جای واردات، علی خسروشاهی وارد مرحله تولید کارخانه مواد غذایی، دارویی و سپس آرایشی شد. اولین پروژه احداث کارخانه میوه خشک کنی پارس در قزوین بود. در این میان شرکت سهامی صنعتی علاءالدین را با مشارکت شرکت انگلیسی در بهمن ۱۳۳۸ تأسیس و به تولید بخاری و اجاق خوراک پزی نیز پرداخت. علی خسروشاهی کار تولید مواد غذایی را با تولید آب نبات و تافی شروع کرد. او ماشین‌های

اطلاعات

مینو

استخدام کارگرساده

مرد و زن

گروه متشکل مینو جهت تکمیل کار تولید خود تعدادی کارگر ساده را با حقوق و مزایای استثنائی و امکان ترفیع سریع و شرایط رفاهی زیر بهمکاری دعوت مینماید.

- ۱- سه ماهه ضمن در سود کارخانه به مبلغ قابل توجه
- ۲- استفاده از مزایای بهره‌وری کارگاه و پاداش سالانه
- ۳- وام برای رفع احتیاجات فوری و ضروری
- ۴- وام رهن و خرید مسکن طبق آیین‌نامه
- ۵- غذای کامل شامل: سوبه، غذای اصلی- میوه
- ۶- پهرمندی ضمن از مزایای ویژه خدمات فرمائی- پانسیون- حواصت
- ۷- استفاده از صندوق تعاون رفاه کارگران شرکت
- ۸- استفاده از مزایای شرکت تعاونی جهت خرید محتاج و کلیه وسائل زندگی به قیمت مناسب بطور نقد و قسط
- ۹- کمک هزینه عائله‌مندی طبق مقررات
- ۱۰- وسیله ایاب وذهاب به تمام نقاط تهران، کرج، شهر ری
- ۱۱- ساعت کار بین ۷/۳۰ صبح الی ۴/۴۰ بعدازظهر (۴ دقیقه آن صرف تیار)
- ۱۲- امکان انجام کار پری شیفت شب و استفاده از مزایای آن و همچنین سه ساعت اضافه‌کاری در شیفت روز یا شب برای داوطلبان

محل مراجعه جهت استخدام- خیابان ۲۰متری فلاح- نبش ۱۶متری حسینی - دفتر استخدام مینو یا کارگزینی شرکت واقع در کیلومتر ۸ جاده مخصوص کرج - کارخانجات مینو.

@ancient

آب نبات عسلی مینو

نیز بخش - مقوی - لذیذ



آب نبات عسلی مینو از عسل خالص تهیه شده است و سلامت شما و فایده‌های فراوانی را تأمین میکند. با آب نبات عسلی مینو میوه‌ها را در میوه‌ها با خود بهترین مزه را به پذیرایی کنید.

در موقع خرید توجه فرمائید بجای آب نبات عسلی مینو جنس دیگر شما نخریدند.

هرگز به شرکت سهامی خوراک‌های ایران فردیس نماند شماره: ۹۵ تلفنهای: ۳۱۶۰۰ ۳۱۵۹۱-۳۱۵۹۲

محصولات مینو توسط شرکت صنعتی پارس بزرگترین کارخانه ایرانیک شیرینی سازی ایران با همکاری فنی در گیلان بزرگ انگلیسی و دانمارکی تهیه میشود. هرگز بخش شرکت سهامی خوراک - تلفنهای: ۳۱۹۲۲-۳۱۶۴۶-۳۱۶۰۰

قاسم وابسته به مینو در چند استان دفتر و انبار داشت. این دفاتر مسئول توزیع کالای شرکت و کالاهای وارداتی بودند. علی خسروشاهی از اعتماد به نفس بالایی برخوردار و در امور شرکت به خصوص در مواقع بحرانی، کمتر ملاحظه کار بود. از سوار شدن بر ماشین‌های گران قیمت خودداری می‌کرد و از نظر سبک زندگی سعی می‌کرد نمایش ثروت را ترویج ندهد. در تجزیه و تحلیل مسائل شرکت، درک دقیق تری از مدیرانش داشت و برای تربیت نیروی ماهر، کارگزارانش را به موسسه‌های مختلف آموزشی داخل و خارج اعزام می‌کرد.

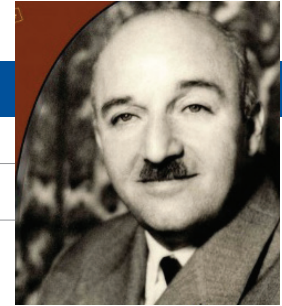
در بحبوحه انقلاب در بهمن ۱۳۵۷ مدت کوتاهی فعالیت‌های تولیدی شرکت متوقف شد ولی پس از مدتی فعالیت‌های آن ادامه یافت، خسروشاهی در زمان انقلاب اسلامی کشور را ترک نکرد و به رغم آنکه گروه صنعتی مینو از موج اول مصادره اموال و دارایی‌های صنعتگران جان سالم به در برده بود، در ۱۳۵۸ گرفتار موج دوم مصادره‌ها شد و بعد از چندین روز گروگان‌گیری، علی خسروشاهی سرنوشت شرکت را به حکمیت دادستان انقلاب سپرد که منجر به واگذاری آن به وزارت صنایع شد. او چند ماه بعد از واگذاری کارخانه‌ها و وزارت صنایع به وزارت صنایع در ۱۳۵۹ کشور را ترک کرد و در ۱۳۷۷ در سوئیس درگذشت.

شرکت مینو در سال ۱۳۸۲ به ۱۲ شرکت تجاری و تولیدی گسترش یافت. تأسیس شرکت صنایع غذایی قدس رضوی در زاهدان از فعالیت‌های جدید گروه صنعتی مینو است. شرکت مینو همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دهد.



کوچکی از فعالیت این شرکت را تشکیل می‌داد. در مهر ۱۳۴۹ سومین شرکت گروه صنعتی مینو به نام شرکت صادراتی پرسوئیس با هدف صادرات تولیدات شرکت تأسیس شد و شرکت‌های جانبی با هدف چاپ و بسته‌بندی محصولات شکل گرفت.

در سال ۱۳۵۱ شرکت صنعتی مینو با هدف تولید محصولات غذایی، شیرینی و شکلات در خرمدره زنجان در زمینی به وسعت ۵۴ هکتار احداث و در سال ۱۳۵۳ شروع به کار کرد. شرکت در تولید اقلام دارویی، تحت لیسانس شرکت‌های معتبری مثل ساندوز سوئیس، بوتس و سرل انگلستان و اورال فرانسه بود و لوازم آرایشی-بهداشتی خود را با برندهایی مثل لانکوم، ویشی و گی-لاروش به بازار عرضه می‌کرد. شرکت پخش



محمود خلیلی عراقی

(۱۲۸۴ - ۱۳۵۳ تهران)

بنیان‌گذار صنعت گاز مایع و شرکت بوتان

روزشمار زندگی

تولد در تهران	۱۲۸۴
فراغت از تحصیل از مدرسه دارالمعلمین تهران	۱۳۰۵
تدریس در مدرسه دارالمعلمین	۱۳۰۷-۱۳۰۵
ایجاد کارگاه تعمیر ماشین آلات	۱۳۰۷
ساخت آسیای برقی به سفارش ارتش	۱۳۰۹
سرپرست امور روشنایی شمیران	۱۳۱۵
رئیس اداره برق شهرداری تهران	۱۳۱۷
رئیس اداره برق تهران	۱۳۲۳
سفر به آمریکا و اروپا	۱۳۳۰
ثبت شرکت بوتان	۱۳۳۲
تأسیس شرکت صنعتی بوتان	۱۳۴۳
درگذشت تهران	۱۳۵۳
تبرئه شرکت بوتان از مصادره اموال آن	۱۳۵۸





شرکت بوتان در سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۵ چون جاده ارتباطی آبادان به تهران بسیار بد بود، ناچار از طریق سرهم کردن وسایل باقی مانده از جنگ جهانی و تانک وارداتی از کشور آلمان موفق به ساخت نخستین تریلر به ظرفیت ۱۲ تن شد. در سال ۱۳۴۳، شرکت صنعتی

بوتان به صورت شرکت مستقل از شرکت بوتان تاسیس شد و در سال ۱۳۴۵ اولین سیلندر گازمایع را

تولید کرد و در سال ۱۳۴۶ برای اولین بار به گازسوز کردن خودروها پرداخت. این شرکت در سال ۱۳۴۷ ظرفیت تولید سیلندر ۱۱ کیلویی را به ۱۰۰ عدد در روز رساند. در سال ۱۳۵۳ اولین اجاق گاز پیک نیک را به محصولات خود افزود به طوری که میزان تولید کپسول ۲ کیلویی در سال ۱۳۵۴ به ۲۰۰ عدد در سال رسید.

خلیلی محلی را در خیابان سعدی جنوبی برای نمایش تولیدات شرکت بوتان تخصیص داد. در سال‌های اولیه به دلیل عدم آشنایی مردم با این صنعت و محدودیت تقاضا، شرکت بوتان با زیان مواجه بود؛ اما در سال ۱۳۴۳ پس از مستقل شدن شرکت صنعتی بوتان، فعالیت شرکت به سرعت گسترش و تولیدات آن مرتباً افزایش یافت.

مهندس مهدی بازرگان در کتاب «شصت سال خدمت و مقاومت» در این باره می‌نویسد: «یادم می‌آید خلیلی چقدر با مسوولان شرکت ملی نفت در زمان کنسرسیوم کلنجر رفت تا گردنشان بگذارد گازهایی را که هدر داده و می‌سوزانند، تصفیه کرده و بوتان و پروپان آن را در تانکرهای تحت فشار به ایشان بفروشند و گاز نفت در ایران توزیع شود. سپس برای اینکه مصرف گاز آشپزخانه‌ها به صورت صنعت ملی درآید، به موازات ساختن انبار و تهیه وسایل و کامیون‌های توزیع گاز، اقدام به ایجاد کارخانه کپسول‌سازی و تولید اجاق فر و غیره کرد ... اجاق و فرهایی که آشپزخانه‌های تهران و شهرستان‌ها را تسخیر کرد و عامل ایجاد ۶-۵ شرکت تولید و توزیع گاز شد...»

چند سال بعد بود که محسن خلیلی پیشنهاد وسایل ساخت و وسایل گازسوز را به پدرش داد. محسن خلیلی باور داشت که ساخت وسایل گازسوز باید هرچه زودتر در کشور آغاز شود. نخستین محصول این شرکت آبگرمکن ایستاده ۴۰ گالنی با کنترل ترموستاتیک بود. در یک کارگاه کوچک که برای این کار در نظر گرفته شده بود و به مرور ساخت اجاق‌های رومیزی و پلوپزهای یک تا ۴ شعله شروع شد و چندی بعد با همکاری مهندس محسن غفاری و استفاده از تکنیک‌های تازه لعاب کاری، تولیدات افزایش یافت.

در سال‌های ابتدایی دهه ۱۳۳۰ محمود خلیلی تلاش زیادی کرد تا دولت وقت را برای میدان دادن به سرمایه‌گذاران داخلی مجاب کند. وی به قوام‌السلطنه نامه‌ای نوشت و به بی‌عدالتی نسبت به سرمایه‌گذاران داخلی در مقابل سرمایه‌گذاران خارجی انتقاد کرد.

از سال ۱۳۶۷ با توسعه تولید محصولات گازسوز توسط بوتان، توسعه کمی و کیفی شبکه خدمات‌رسانی نیز در برنامه کار شرکت قرار گرفت و این حرکت در دهه ۷۰ با تاسیس مراکز مشتریان در سراسر کشور و مجهز شدن آن مراکز با سرویس‌کاران مجاز، برای خدمت به مشتریان توسعه بیشتری یافت. در سال‌های بعد از آن تا کنون نیز توسعه این شبکه در دست انجام بوده است.

خلیلی، بیکاری را عامل بدبختی و تیره‌روزی و مهمترین ویژگی صنایع نوین را اشتغال زایی آنها می‌دانست. بر همین اساس در حوزه‌های متعدد، سرمایه‌گذاری کرد و به گسترش تولید صنعتی ایران در زمینه تعمیر ماشین، برق، دامداری، آبیاری و کشاورزی، صنعت تولید آرد، انتقال گاز و وسایل گازسوز پرداخت. خلیلی همواره به فرزندان و همکاران خود، بر اهمیت حسابداری و نهایت دقت در ساخت محصولاتی بادوام، بی‌نقص و با کیفیت تاکید می‌کرد. به امور رفاهی کارگران اهمیت می‌داد و در کارهای اجتماعی و نیکوکارانه مشارکت داشت. در بحبوحه جنگ دوم جهانی، برای تعدادی از جنگ‌زدگان لهستانی که به ایران آمده بودند، تعدادی دوش حمام ساخت و کمک‌هایی به آنها نمود.

مهندس محمود خلیلی در دوازدهم تیرماه ۱۳۵۳ در ۶۸ سالگی در تهران به سرای جاودانگی شتافت. پس از انقلاب اسلامی این تصور در بین برخی مسئولین وجود داشت که سرمایه‌داران، مرتبط به خاندان پهلوی هستند، لذا چنانچه کوچکترین ارتباط و پیوندی میان سرمایه‌دار و رژیم سابق می‌یافتند، منجر به مصادره اموال و شرکت‌ها می‌شد. بر همین اساس پرونده‌های زیادی برای شرکت بوتان از جمله مصادره ۲۰٪ سهام

شرکت‌های وابسته به بوتان در فاصله ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۵ متناسب با گسترش سرمایه، ظرفیت و افزایش تقاضا در زمینه تولید و توزیع گاز مایع از یک شرکت به ۱۰ شرکت افزایش یافت.

بوتان از سال ۱۳۳۸ با راه‌اندازی اولین مرکز مشتریان، اقدام به ارائه خدمات به مصرف‌کنندگان نمود. در آن زمان، مرکز مشتریان بوتان، تنها مرکز مجهز به سیستم بی‌سیم در کشور بود و این امکان را فراهم می‌کرد تا در حداقل زمان ممکن به درخواست‌های مشتریان رسیدگی شود.



سبز» را به نشانه ارج نهادن و تقدیر از تلاش‌های زیست محیطی به شرکت اعطا نمود. همراه با تغییر شرایط زندگی و ارتقای سطح انتظارات مشتریان، در سال ۱۳۶۷ شرکت صنعتی بوتان به تولید و عرضه نسل سوم محصولات گازسوز اقدام نمود و توانست طی مدت هفت سال، میزان تولید آبگرمکن‌های دیواری گازی را همپای با استقبال مشتریان به ده برابر افزایش دهد. این افتخار زمانی تقویت می‌یابد که ظرف همین مدت، نه تنها اکثر قطعات وارداتی آبگرمکن با قطعات ساخت، داخلی جایگزین شدند، بلکه شرکت به صادر کردن این قطعات ایرانی به کشورهای اروپایی (آلمان و انگلستان) نیز نایل آمد. همگام با مشتریان و نیازهای جدید زندگی امروزی، شرکت به تولید و عرضه محصولات جدیدی چون شوفاژ دیواری گازی و مایکروفر مبادرت نمود. شرکت صنعتی بوتان افتخار می‌کند که امروز نسل سوم محصولاتش در خدمت بیش از ۱۰,۰۰۰,۰۰۰ خانواده ایرانی است.

شرکت مذکور در دادگاه انقلاب تشکیل شد که سرانجام پس از برگزاری ۲۵۴ جلسه دادگاه، به تبرئه صاحبان شرکت بوتان انجامید.

امروزه بوتان همچنان در زمره برترین برندهای ایرانی در زمینه آبگرمکن دیواری گازی، شوفاژ دیواری گازی، کولر گازی و ... است. شرکت صنعتی بوتان از ابتدای تاسیس با بهره‌گیری از دانش روز، همواره از پیشگامان صنعت بشمار آمده است و با مشارکت در تدوین و اجرای استانداردهای ملی لوازم گازسوز در جهت تقویت فرهنگ صنعتی کشور حرکت کرده است. سال‌های متوالی شرکت توسط موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران به عنوان واحد نمونه معرفی شده است. آزمایشگاه شرکت در سال ۱۳۷۴ به عنوان آزمایشگاه آکر دیته شناخته شد. شرکت در طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۸ موفق به دریافت گواهینامه‌های بین‌المللی ایزو ۹۰۰۲، ایزو ۱۴۰۰۱، ایزو ۹۰۰۱ و CE از معتبرترین شرکت‌های اروپایی گردید. در سال ۱۳۸۰، سازمان محیط زیست «لوح صنعت



علی اکبر رفوگران

(۱۳۰۹ تهران)

بنیانگذار کارخانجات بیک و پدر نوشت افزار ایران



روزشمار زندگی

تولد در تهران	۱۳۰۹
ورود به عرصه کسب و کار	۱۳۲۰
آشنا کردن مردم ایران با خودکار	۱۳۴۰
خریداری کارخانه عطر بیک از فرانسه	۱۳۷۵
راه‌اندازی کارخانه عطر بیک	۱۳۷۷
تأسیس کارخانه نوک خودکار بیک در فیروزکوه	۱۳۷۷
توقف خط تولید کارخانه بیک	۱۳۸۸
دریافت نشان امین‌الضرب از اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران	۱۳۹۵

عنوان تحریریان معروف شده بودند و نام خانوادگی آنها در زمان صدور شناسنامه اولیه، آسیم بوده است. یکی از فرزندان او به نام میرزاعلی راه پدر را ادامه می‌دهد. او از نوجوانی در دهه ۱۳۲۰ وارد بازار کسب و کار شد و در بازار و صنف نوشت‌افزار به کسب و کار خود ادامه داد.

علی اکبر رفوگران فرزند میرزاعلی در سال ۱۳۰۹ در تهران به دنیا آمد. خانواده رفوگران تباری اصفهانی داشتند. پدر بزرگ او از اصفهان به تهران مهاجرت کرد تا فعالیت‌های خود را در بازار تهران پیش بگیرد. نام اصلی آنها «تحریریان» بود که در تهران به رفوگران تغییر یافت. روایت است این خاندان به دلیل اینکه در بازار در زمینه نوشت‌افزار کار می‌کردند به

شدن صنعت نفت و ماجرای ۲۸ مرداد خانواده رفوگران از هواداران جنبش ملی شدن نفت بودند. از آن زمان علی اکبر رفوگران وارد فعالیت‌های سیاسی شد و مدتی در کنار ملیون حضور داشت. وی بعدها هم در سلک یاران بازرگان و آیت‌الله طالقانی درآمد. او دوره‌ای بسیار طولانی همکاری با مبارزان مؤتلفه اسلامی در بازار را در جریان‌های انقلابی تجربه کرد.

پدرش کار بنکداری می‌کرد و به تجارت خارجی رضایت نمی‌داد به همین دلیل در سال ۱۳۳۲ از پدرش جدا شد و کارش را به صورت مستقل شروع کرد. رویاهای بزرگ رفوگران او را به سمت تلاش بیشتر و تکاپو برای رشد صنعت سوق داد. بعد از مدتی که از کسب و کار علی اکبر گذشت، پدر موافقت کرد تا دوباره با هم کار کنند. آنها واردات

را هم به کارشان اضافه کردند. علی اکبر رفوگران که نمایندگی فروش کارخانه خودنویس‌سازی «لوکسور» آلمان را در اختیار گرفته بود، با مدیرعامل لوکسور ملاقات کرد و درخواست تولید این خودنویس را در ایران ارائه داد. اما مدیر شرکت مذکور با پیشنهاد او مخالفت کرد و پس از آن نمایندگی لوکسور نیز از رفوگران گرفته شد. مدتی بعد و زمانی که هنوز قلم، مداد و خودنویس ابزار عمومی نوشتن بود و به پیشرفت‌های بزرگی در بازار و تولید نوشت افزار



میرزاعلی برای عبرت آموزی فرزندان و توجه دادن آنها به درستکاری و اخلاق، قصه‌های مختلفی از تاریخ و محیط پیرامونش بیان می‌کرد تا به صورت غیرمستقیم بر آنها تاثیر بگذارد. علی اکبر رفوگران بسیاری از داستان‌های عبرت آموز پدرش را به صورت مثنوی سروده است.

پس از میرزاعلی فرزندش علی اکبر، میراث‌دار پدر در صنف نوشت افزار و لوازم تحریر می‌شود. علی اکبر رفوگران به دلیل شرایط اقتصادی خانواده، کسب علم را پس از ششم ابتدایی رها کرد و از سال ۱۳۲۱ به کار در حجره پدر مشغول شد و تا سال ۱۳۲۸ نزد پدر کار می‌کرد. علی اکبر بعدها تحصیل را به صورت شبانه دنبال کرد و چند دوره کلاس آموزش زبان انگلیسی را نیز پشت سر گذاشت تا قادر به مکالمه به این زبان شود. در جریان ملی



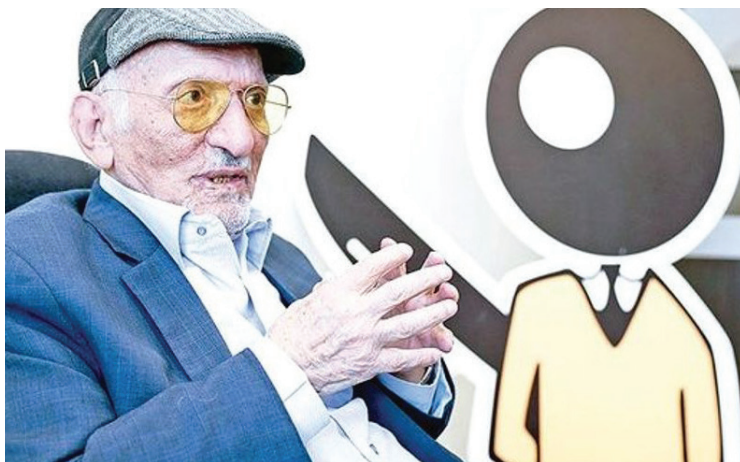
فروش شرکت بیک با شروع تولید در کارخانه از ۵۰۰ هزار به بیش از ۱۰۰ میلیون عدد در سال افزایش یافت.

مداد سوسمار را اولین بار فرمانفرمایان به ایران وارد کرده بود ولی کارخانه مذکور به دلایل مالی تا آستانه ورشکستگی رفته بود. رفوگران تصمیم داشت تا کارخانه ورشکسته را به روزهای رونق بازگرداند. پس از خرید کارخانه، به سرعت یک مدیرعامل برای کارخانه منصوب کرد. رفوگران به این نتیجه رسید بدون کمک یک مدادساز باسابقه خارجی کاری از پیش نمی‌برد. چون آن زمان مداد سوسمار نشان در کارخانه «فابریکاستل» آلمان تولید و وارد کشور می‌شد و مارک آن بسیار مشهور بود، به فکر تولید آن در ایران افتاد. برای همین منظور امتیاز ساخت آن را از شرکت مزبور گرفت و

رسید. او برای اولین بار در دهه ۴۰ مردم ایران را با پدیده‌ای به نام «خودکار» آشنا کرد تا جایگزین بی‌دردسری برای خودنویس باشد. وی خودکار بیک را به ایران آورد و تولید مداد سوسماری را متحول ساخت.

رفوگران برای اولین بار پخش خودکار بیک فرانسوی را در ایران آغاز کرد و نمایندگی رسمی و انحصاری خودکار بیک را در ایران به نام رفوگران ثبت کرد. مصرف خودکار بیک در بازار داخلی به حدی گسترش یافت که تولید آن در کشور اقتصادی بود. لذا خانواده رفوگران شرکت صنعتی «قلم خودکار» را تأسیس کردند که در آن پدر (میرزا علی) ۴۴٪، برادر بزرگ (حاج عباس) ۳۳٪ و علی اکبر ۳۳٪ سهام داشتند. آنها کارخانه تولید خودکار بیک را در سال ۱۳۴۲ با خرید ۱۱ هزار متر زمین در منطقه تهران نو با سرعت آغاز کردند.

فیروزکوه احداث شد. رفوگران کارخانه خود را گسترش داده بود اما با اتفاقاتی که به وقوع پیوست، این کارخانه را از دست داد. شرکت به شخص دیگری واگذار شد و ۴۰ سال سابقه تولید خودکار بیک به فراموشی سپرده شد و نهایتاً در سال ۱۳۸۸ خط تولید آن متوقف شد. رفوگران به پاس یک عمر خدمت و تلاش، در سال ۱۳۹۵ موفق به دریافت نشان امین الضرب از اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران شد. مجموعه اشعار علی اکبر رفوگران در کتابی به نام «گپی به بحر» چاپ شده است و کتاب قصه «خداداد» که موضوع آن زندگی خانواده‌ای است که هر یک از اعضای آن در طول زندگی با مشکلات فراوانی از سوی نهادهای رسمی مواجه می‌شوند را در سال ۱۳۸۲ منتشر کرد تا روزهای سخت زندگی را روایت کرده باشد.



مداد سوسمار نشان را در کارخانه یاد شده تولید کرد و کارخانه پس از مدتی کوتاه به سودآوری رسید.

رفوگران کارخانه عطر بیک را در سال ۱۳۷۵ از فرانسه خریداری کرد. علت رویکردش به تولید عطر، این بود که مخارج گمرکی واردات عطر به ایران زیاد و تولید آن در ایران با قیمت پایین امکان‌پذیر بود. رفوگران با کمک خواهرزاده‌اش «مهندس کاتوزیان» موافقت شرکت بیک را جلب کرد تا عطر بیک را در ایران تولید کند. کارخانه رفوگران در سال ۱۳۷۷ برای تولید عطر بیک راه‌اندازی شد. سال ۱۳۷۷ با هدف تامین مواد اولیه مورد نیاز و ایجاد زمینه‌های صادرات به بازار کشورهای همجوار، کارخانه دیگری توسط رفوگران جهت تولید نوک خودکار بیک با مشارکت شرکت بیک فرانسه در شهرستان





سرتیپ جلیل زندی

(۱۳۳۰ گرمسار- ۱۳۸۰ تهران)

خلبان تکخال نیروی هوایی ارتش



روزشمار زندگی

تولد در گرمسار	۱۳۳۰
مهاجرت به تهران به همراه خانواده	۱۳۴۴
استخدام در نیروی هوایی ارتش	۱۳۴۸
اعزام به امریکا برای آموزش خلبانی	۱۳۴۹
شرکت فعال در عملیات معروف به ۱۴۰ فروندی در خاک عراق	۱۳۵۹
مدیر طرح و برنامه و بودجه نهاجا	۱۳۷۴
جانشین معاونت طرح و برنامه ستاد نهاجا	۱۳۷۵
معاون طرح و برنامه و بودجه نهاجا	۱۳۷۶
ارتقا به درجه سرتیپ دومی	۱۳۶۹
بازنشستگی	۱۳۷۰
درگذشت در تهران	۱۳۸۰

جلیل زندی در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۰ در روستای لجران شهرستان گرمسار متولد شد. پدرش عزت الله زندی تکنسین راه آهن و مادرش گوهرتاج فولادی، خانه دار بود. وی

هشتم شکاری اصفهان بازگشت و در عملیات معروف به ۱۴۰ فروندی در روز اول مهر ۱۳۵۹ (روز دوم جنگ تحمیلی عراق بر علیه ایران) در پرواز پوشش هوایی شرکت فعال داشت. زندی که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی از خلبانان باتجربه تام کت بود، در طول ۸ سال

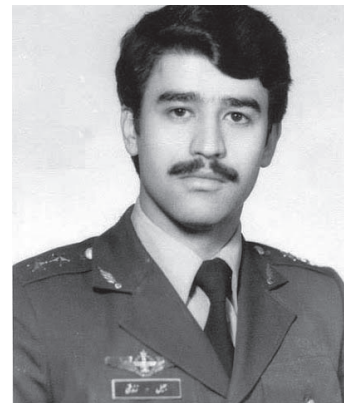


جنگ تحمیلی نیز سابقه درخشانی از خود برجای گذاشت.

زندی چندین سال در پایگاه هشتم شکاری اصفهان خدمت کرد که یکی از پایگاه‌های اصلی تام‌کت‌های ایرانی به شمار می‌رفت و نقش بسزایی در تأمین امنیت آسمان کشور و مقابله با تجاوزات هواپیماهای عراقی ایفا کرد.

شهرت امیر سرتیپ جلیل زندی به‌عنوان تک‌خال^۱ و خلبان جنگنده اف-۱۴ است. وی دارای ۱۱ پیروزی در نبردهای هوایی مستقیم (۸ فروند

تا پایان کلاس نهم دبیرستان (سال ۱۳۴۴) در گرمسار تحصیل و زندگی کرد و در آن سال به علت انتقال پدرش به تهران به همراه خانواده به محله خزانه بخارایی این شهر مهاجرت کرد. جلیل زندی دوره دبیرستان را در تهران ادامه داد و در سال ۱۳۴۷ از دبیرستان وحید دیپلم گرفت. در آزمون ورودی دانشگاه پهلوی شیراز در رشته مهندسی کشاورزی پذیرفته شد، ولی به



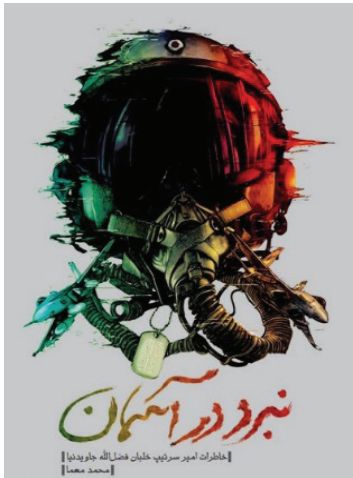
علت مخارج زیاد تحصیل، از ورود به دانشگاه بازماند. در اواخر سال ۱۳۴۸ به عنوان همافر، به نیروی هوایی ارتش پیوست، اما پس از چند ماه در اوایل سال ۱۳۴۹ به علت علاقه‌ای که به خلبانی داشت، به عنوان هنججوی خلبانی، به ایالات متحده آمریکا اعزام شد و پس از گذراندن یک دوره ۱۴ ماهه در این کشور، به‌عنوان خلبان به ایران بازگشت. زندی پس از بازگشت به ایران زیر نظر خلبان شهرام رستمی، به یادگیری پرواز با هواپیمای اف-۴^۲ پرداخت و به‌عنوان خلبان جنگنده اف-۴ به همدان منتقل گردید. وی تا آبان ۱۳۵۷ دوره خلبانی اف-۱۴ را نیز آموزش دید و از آن پس فعالیت خود را در پایگاه هشتم شکاری اصفهان ادامه داد.

در نخستین روز جنگ ایران و عراق هنگامی که هواپیماهای عراقی فرودگاه مهرآباد را بمباران کردند، او در تهران به سر می‌برد. با شنیدن خبر بمباران فرودگاه مذکور، به پایگاه

۱. خلبان تک‌خال به خلبان نظامی گفته می‌شود که توانسته باشد در نبردهای هوایی دست کم پنج فروند هواپیمای دشمن را سرتنگون کرده باشد.

بسیاری از نفتکش‌های ایرانی در جنگ نفتکش‌ها (۱۳۶۶-۱۳۶۴) بود. سرتیپ جلیل زندی در خرداد ۱۳۷۱ گواهی‌نامه خلبانی حمل و نقل هوایی (ATPL) را دریافت نمود. ATPL مدرک خلبانی است که دارندگان آن می‌توانند به‌عنوان خلبان هواپیمای مسافربری در ایرلاین‌ها فعالیت کنند. خط، سخنرانی، آواز و در مرحله آخر در پرواز با هواپیمای اف ۱۴ جزو بهترین خلبانان بود. خلبان زندی ذوق هنری و شعر هم داشت و گاهگاهی سروده‌های خود را با خط خوش خودش می‌نوشت.

مرحوم زندی تا پایان جنگ پروازهای زیادی انجام داد و بعد از جنگ به‌عنوان مدیر طرح و برنامه ستاد نیروی هوایی و سپس معاون طرح و برنامه نیروی هوایی



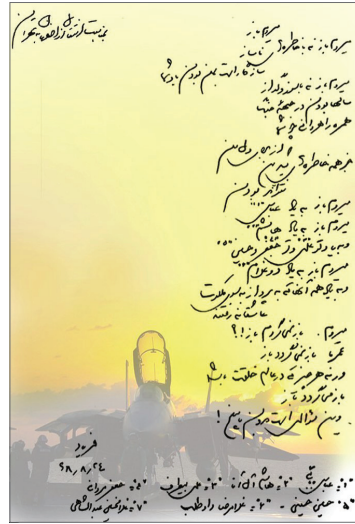
دریافت مدال فتح درجه ۲

از این پیروزی‌ها قابل استناد و تأیید شده توسط منابع غربی و ۳ فروند دیگر، پیروزی احتمالی می‌باشد) در طول جنگ ایران و عراق است. این پیروزی‌ها شامل: ۴ فروند میگ-۲۳، ۲ فروند سوخو-۲۲، ۲ فروند میگ-۲۱ و ۳ فروند داسو میراژ اف ۱ می‌باشند. از این رو او به‌عنوان موفق‌ترین خلبان شکاری جنگ ایران و عراق و موفق‌ترین خلبان اف-۱۴ تام کت جهان شناخته می‌شود.

بنا به نوشته برخی منابع (ظاهراً به گفته تام کوپر، پژوهشگر و نویسنده هوانوردی نظامی) هواپیمای زندی در آخرین نبرد هوایی در بهمن ۱۳۶۶ پس از سرنگون کردن دو فروند میراژ عراقی، بر فراز خلیج فارس مورد هدف جنگنده‌های عراقی قرار گرفت و مجبور به ایجکت شد. سرهنگ فریدون علی مازندرانی، همدوره و هم‌رزم زندی، ایجکت او را کاملارد کرده و می‌گوید: «با قاطعیت تمام می‌توانم بگویم که مرحوم جلیل زندی هیچگاه و در هیچ یک از پروازهای خود با اف ۱۴ مجبور به ترک اضطراری هواپیمایش نشده و این تنها منبعث از اطلاعات غلطی است که کوپر مانند دیگر اطلاعات خود در کتاب غیر مستندش درج کرده و از آنجا سرچشمه گرفته است و بس.»

امیر سرتیپ خلبان فضل الله جاوید نیا در کتاب «نبرد در آسمان» از زندی به نیکی یاد کرده و در مورد هم‌رزمش چنین گفته است: «از مرحوم زندی می‌توان به‌عنوان یکی از برترین خلبانان اف ۱۴ نام برد. ایشان در همه موارد نمونه بود.»

ایشان از سال ۱۳۶۴ الی ۱۳۶۵ فرمانده گردان ۸۱ شکاری پایگاه هشتم اصفهان بودند. سرتیپ زندی مدال فتح درجه ۲ را در تاریخ سوم خرداد ۱۳۶۹ به پاس رشادت و فداکاری در عملیات رزمی و شرکت در عملیات بیت المقدس دریافت کرد. وی منجی



سروده و دستنویس امیر سرتیپ خلبان جلیل زندی به مناسبت انتقالی از اصفهان به تهران
۱۳۶۸/۸/۲۴

ارتش منصوب شد و تا زمان بازنشستگی هم در همین پست باقی ماند. مرحوم زندی از دوستان شجاع و باسواد من بود. خاطراتی را که با ایشان داشتم، هرگز فراموش نمی‌کنم.»

خلبان جلیل زندی در اواخر دوره خدمت به درجه سرتیپ دومی ارتقاء یافت و در سال ۱۳۷۰ بازنشسته شد. بی‌گمان زندی یکی از خلبانان شاخص ایران و آسیاست که با توجه به بازنشستگی تام کت در آمریکا، نزدیک شدن به رکورد او به عنوان برترین تکخال تام کت دست نیافتنی به نظر می‌رسد.

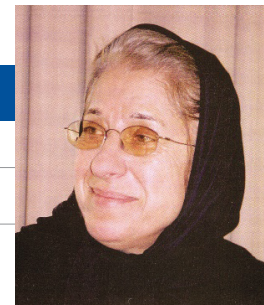
سرانجام عقاب تیزپرواز آسمان ایران، موفقترین خلبان شکاری ایرانی در ۱۲ فروردین ماه سال ۱۳۸۰ در جریان یک سانحه رانندگی به همراه همسرش زهرا محب شاهدین جان به جان آفرین تسلیم کرد و در بهشت زهرا به خاک سپرده شد. از وی ۳ فرزند پسر به یادگار مانده است.



شهیندخت سرلتی

(۱۳۱۲ اصفهان-۱۳۸۳ کرمان)

کارآفرین و بنیان‌گذار شرکت گلاب زهرا



روزشمار زندگی

تولد در اصفهان	۱۳۱۲
بنیان‌گذار شرکت گلاب زهرا با همکاری همسرش همایون صنعتی	۱۳۵۶
احداث کارگاه کوچک گلاب‌گیری	۱۳۵۸
ثبت رسمی شرکت گلاب زهرا	۱۳۶۱
انتخاب گلاب زهرا به عنوان کارآفرین نمونه کشوری	۱۳۸۲
تهیه مستند بانوی گل سرخ	۱۳۸۷
درگذشت در کرمان	۱۳۸۳

تأسیس و راه‌اندازی شد و بعدها به کارخانه بزرگی تبدیل شد که از هیچ ماده شیمیایی و افزودنی در تهیه گلاب، استفاده نمی‌کرد. نام «گلاب زهرا» در سال ۱۳۶۱ رسماً ثبت شد. شکل‌گیری و توسعه کارخانه گلاب زهرا طی حدود سه دهه تحت مدیریت مستقیم خانم سرلتی صورت پذیرفت.

شهیندخت علاوه بر مدیریت کارخانه گلاب زهرا، به زندگی بچه‌های پرورشگاه

شهیندخت سرلتی (صنعتی) در ۳۰ فروردین ۱۳۱۲ در اصفهان چشم به جهان گشود. تحصیلات دانشگاهی را در رشته فلسفه و علوم تربیتی دانشگاه تهران به اتمام رساند. شهیندخت سرلتی در زمینه‌های امور خیریه، صنعت و کارآفرینی بی‌شک از تاثیرگذارترین زنان ایرانی است که به همراه همسرش همایون صنعتی‌زاده شرکت گلاب زهرا را در سال ۱۳۵۶ در منطقه لاله زار کرمان بنیان نهادند. کارگاه کوچک گلاب زهرا در سال ۱۳۵۸



سالن تقطیر شرکت گلاب زهرا



اراضی باغ گل محمدی

و زمین هم داشت، از این رو آنان به این فکر افتادند که به نحوی برای بچه‌های پرورشگاه - که پدربزرگش بنیاد نهاده بود - اشتغال‌زایی شود. دو سال مطالعه کرد و به این جمع‌بندی رسید که چون در کرمان کشت زیره به خوبی به عمل می‌آید و عطر خوبی هم دارد، احتمالاً باید کشت گل محمدی موفقیت‌آمیز باشد. همایون صنعتی درباره کاشت گل محمدی در لاله زار می‌گوید: «در آن زمان اغلب مالکین و زارعین تریاک می‌کاشتند اما من به علت اعتقاداتم از این کار ابا داشتم». کشاورزان منطقه ابتدا با کاشت گل محمدی مخالفت می‌کردند ولی با پیگیری شهیندخت

خانواده صنعتی در کرمان هم نظارت و به ادامه تحصیل و ازدواج آن‌ها نیز کمک می‌کرد. ایشان از بانیان توسعه کشت ارگانیک گل محمدی در ایران است. خانم سرلئی دو سال قبل از انقلاب به همراه شوهرش همایون صنعتی به منطقه لاله‌زار کرمان رفت و در اراضی پدری همایون شروع به فعالیت کردند و گل محمدی را جایگزین خشخاش و گلاب را جایگزین تریاک کردند و در نتیجه کارخانه «گلاب زهرا» سرنوشت کشاورزی این منطقه را دگرگون کرد. از سوی دیگر چون بخشی از اراضی لاله‌زار متعلق به پدر آقای صنعتی بود، آب

درجه به جوش می‌آید و همین امر موجب شده است تا کیفیت گلاب لاله زار افزایش یابد. گلاب زهرا در ابتدا با چند دیگ به شکل سنتی فعالیت می‌کرد و به مرور به شش، دوازده و بیست و چهار دستگاه صنعتی رسید و در حال حاضر ظرفیت سالانه این شرکت حدود ۱۰۰۰ تن گل محمدی است.

تأمین منافع عمومی و حفاظت از محیط زیست، از آغاز در شرکت گلاب زهرا جاری بوده و تبدیل به یک فرهنگ شده است. به دنبال تعهد بنیان‌گذاران شرکت به کشاورزان،

سرلئی و همایون صنعتی، بیش از ۸۰۰ هکتار از زمین‌های منطقه زیرکشت گل محمدی رفت و ۱۵۰۰ نفر کشاورز در این باغ‌ها اشتغال یافتند. تلاش‌های مجدانه خانم سرلئی و ارتباط صمیمی با اهالی روستاهای منطقه باعث شد تا سطح زیرکشت گل محمدی به سرعت توسعه یابد و مردم منطقه اراضی خود را به باغ گل تبدیل کنند. شرکت گلاب زهرا به عنوان بزرگترین تولیدکننده و صادرکننده گلاب کشور، ۱۰ درصد روغن گل جهان را نیز تولید می‌کند. به دلیل ارتفاع زیاد منطقه لاله زار از سطح دریا، آب در ۸۵



خانه پدری همایون صنعتی و دفتر شرکت گلاب زهرا



شهین‌دخت سرلئی (صنعتی) در کنار همسرش همایون صنعتی‌زاده

از انجمن خاک انگلستان است. شرکت گلاب زهرا علاوه بر گلاب، انواع عرقیجات گیاهی را تولید می‌نماید. در سال ۱۳۸۲ خانم سرلتی مدیر شرکت «گلاب زهرا» به عنوان کارآفرین نمونه کشوری معرفی و مورد تقدیر قرار گرفت. این شرکت همچنین گواهی‌نامه‌های متعددی از جمله «گواهی حلال»، «گواهی ارگانیک»، «صداقت در تجارت» و «سیب سلامت» را از مراجع ذیصلاح دریافت کرده است.

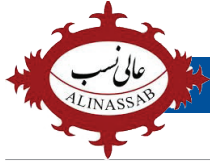
خانم شهبندخت سرلتی در منطقه لاله زار کرمان به خاطر اهتمام در پرورش گل محمدی به «بانوی گل سرخ» معروف و مشهور گردید و مستند «بانوی گل سرخ» توسط «مجتبی میر طهماسب» درباره زندگی و فعالیت‌های خانم سرلتی به خصوص کشت و توسعه گل محمدی و تأسیس کارخانه گلاب زهرا به روایت همایون صنعتی در سال ۱۳۸۷ تهیه شده است.

شهبندخت صنعتی در ۲۲ بهمن ۱۳۸۳ در اثر سانحه تصادف رانندگی دارفانی را وداع گفت. آرامگاه او در لاله‌زار کرمان قرار دارد.

مبنی بر خرید گل‌ها با قیمت مناسب، گل تولیدی همه کشاورزان خریداری می‌شود و «گلاب زهرا» از طریق پرداخت وام‌های قرض الحسنه، همواره حامی کشاورزان می‌باشد. در نتیجه این حمایت و تلاش بی‌وقفه در توسعه کشت گل محمدی، منطقه لاله زار مهاجرت معکوس از شهر به روستا را تجربه کرده است.

مطابق اساسنامه شرکت، نیمی از درآمد این شرکت به «بنیاد خیریه فرهنگی - تربیتی صنعتی» به عنوان سهام دار اصلی گلاب زهرا جهت تعالی و حمایت از کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست کرمان اختصاص داده می‌شود. ضمن اینکه اولویت استخدام در شرکت گلاب زهرا با کودکان پرورش یافته در پرورشگاه صنعتی کرمان می‌باشد.

«گلاب زهرا» طلایه دار کشاورزی ارگانیک در ایران است و بیش از صدها هکتار گل محمدی در منطقه لاله زار، صاحب آباد و نگار شهرستان بردسیر را به روش ارگانیک مدیریت می‌کند. «گلاب زهرا» نخستین مجموعه ایرانی دریافت کننده گواهی نامه ارگانیک



میرمصطفی سید عالی نسب

(۱۳۹۸ کاظمین - ۱۳۸۴ تهران)

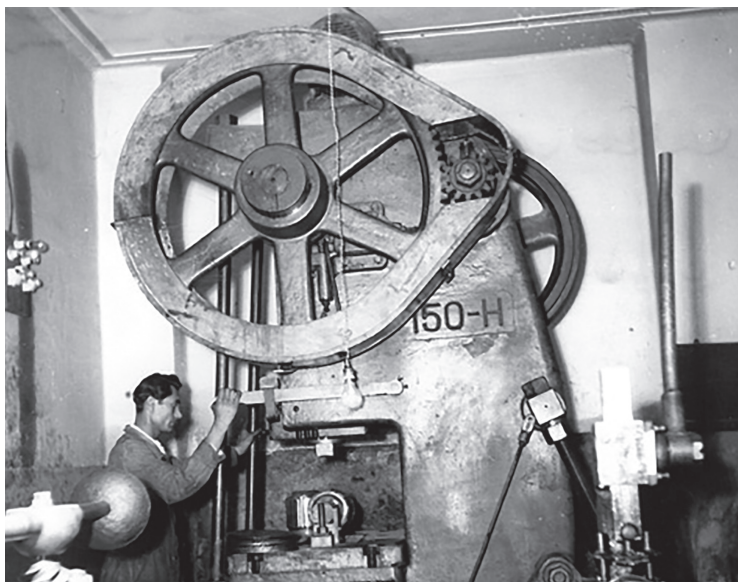
اقتصاددان- صنعتگر و بنیانگذار صنایع نفت سوز و سکان‌دار سیاست‌های اقتصادی در دهه اول انقلاب



روزشمار زندگی

تولد در کاظمین	۱۲۹۸
مهاجرت به تهران	۱۳۱۶
تجارت بلور و چینی	۱۳۲۴
عدم تمدید کارت بازرگانی	۱۳۲۸
تأسیس کارخانه صنایع نفت سوز و گازسوز عالی نسب	۱۳۲۹
تعطیلی کارخانه در اعتراض به کودتای ۲۸ مرداد	۱۳۳۲
احداث کارخانه کارتن‌سازی میهن	۱۳۴۱
آتش سوزی و تعطیلی کارخانه کارتن‌سازی	۱۳۵۱
آغاز فعالیت در اتاق بازرگانی به عنوان نماینده امام	۱۳۵۸
شروع دوره مشاوره به نخست وزیر وقت در دوره جنگ	۱۳۵۸
راه‌اندازی نهضت مدرسه‌سازی روستایی	۱۳۶۸
درگذشت در تهران	۱۳۸۴

از تجارت دست کشید و تمام اندوخته مادی و معنوی اش را به تولید انتقال داد و با تولید سماور، چراغ خوراکی پزی و بخاری دستی در ایران، سنگ بنای شرکت تولیدی صنایع نفت و گاز عالی نسب را در سال ۱۳۲۹ پایه‌گذاری کرد. سماور عالی نسب، دکتر مصدق را حسابی سر ذوق آورد تا اندازه‌ای که مهمانی‌ای برگزار کرد که در آن مجلس چای را با سماور عالی نسب تهیه کرده بود. تولیدات این کارخانه به صورت غیر مستقیم در مرزهای عراق و افغانستان و پاکستان مبادله و از این طریق به مناطق همجوار مرزی



مصطفی عالی نسب یا میرمصطفی سید عالی نسب که پیشوند میر را به واسطه سیادت خانواده در نام خود داشت در سال ۱۲۹۸ در خانواده‌ای اصالتاً تبریزی در شهر کاظمین عراق به دنیا آمد. پدرش کربلایی سید حسین و مادرش عالییه خانم بود. مصطفی دومین پسر خانواده، حدوداً ۱۳ ساله بود که پدرش را از دست داد و ۴۴ ساله بود که مادرش از دنیا رفت. در سال ۱۳۱۶ میرمصطفی راهی تهران شد و در دوره‌های آموزشی حسابداری شرکت کرد. او ضمن آموختن زبان‌های انگلیسی و فرانسه، در زمینه اقتصاد، حسابداری و بازرگانی نیز دوره‌هایی را گذراند که دیدگاه‌های اقتصادی او را تقویت کرد. وی مطالعات خود را در زمینه‌های اقتصادی و اسلامی ادامه داد و مطالعه مکتب‌های اقتصادی را از نظریه افلاطون آغاز کرد و هنگامی که به مکتب تاریخی آلمان رسید، مجذوب استحکام نظری و راه‌گشایی‌های عملی آن شد. در کنار این مطالعات او در مناطق مختلف ایران نیز به تحقیق پرداخت و چنان پیش رفت که موفق شد برای ۱۹ هزار روستای ایران فایل ویژه ایجاد کند. بعدها از این اطلاعات در تصمیم‌گیری‌های خرد و کلان بهره برد به طوری که برخی ریشه موفقیت‌هایش را در این مطالعات می‌دانند.

ریشه پرقدردت مذهب در خانواده عالی نسب، او را به سمت مطالعات اسلامی کشاند. عالی نسب توانست ارتباط خوبی با بزرگان حوزه برقرار نماید. او جلسات منظمی با مراجع تقلیدی همچون آیت ... بروجردی و آیت ... میلانی داشت و حتی جایگاه مشاور را برای برخی علما پیدا کرده بود.

عالی نسب که یکی از بزرگترین و معتبرترین تجار بنام ایران در زمینه واردات چینی و بلور و لوازم خانگی بود، با احساس رسالت برای قطع وابستگی کشور به کالاهای خارجی،

ارسال می‌شد. عالی نسب ۱۶ سال پس از آن تاریخ، بخشی از سهام کارخانه کارتن‌سازی میهن را در سال ۱۳۴۵ خریداری نمود. این کارخانه امکان بسته‌بندی محصولات عالی نسب و سایر کارخانجات را فراهم می‌کرد.

عالی‌نسب عضو هیئت ۱۵ نفری مشاوران اقتصادی دولت محمد مصدق، مشاور اقتصادی رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر در دولت‌های شهید رجایی، مهدوی‌کنی، شهید باهنر و موسوی، عضو شورای اقتصاد، شورای پول و اعتبار، اولین رئیس شورای عالی صادرات غیرنفتی، مسئول راه‌اندازی مجتمع مس سرچشمه و مجتمع فولاد اهواز و اولین مدیر عامل شرکت ایران ناسیونال (ایران خودرو) پس از انقلاب بود. عالی نسب

مانع تعطیلی کارخانه ایران خودرو شد و آن را به گونه‌ای پیش برد که وضعیت مناسبی در تولید خودرو رقم خورد.

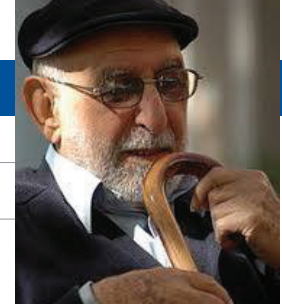
عالی نسب اقتصاددان و صنعتگر ایرانی، سکان‌دار سیاست‌های اقتصادی جمهوری اسلامی در دولت‌های رجایی و موسوی و تأثیرگذارترین عضو شورای اقتصاد در دهه اول پس از انقلاب بود. برخی از اقتصاددانان با توجه به طرز تفکر و کارنامه آقای عالی نسب و پایبندی بیش از حد وی نسبت به علم، قانون و برنامه، وی را در زمره پیشگامان‌گذار ایران از نظم قائم به شخص به نظم غیرقائم به شخص می‌دانند. تشکیل ستاد بسیج اقتصادی در اولین روزهای آغاز جنگ تحمیلی، به منظور کاهش





اثرات منفی اقتصادی جنگ بر زندگی مردم پیشنهاد وی به شهید دکتر بهشتی بود. وجوه نقش آفرینی و جهت‌گیری‌های توسعه‌ای آقای عالی نسب در دهه اول پس از انقلاب بسیار زیاد و متنوع بوده است که از نمونه‌های بارز آن می‌توان به مقید شدن دولت به ارائه بودجه ارزی همانند بودجه ریالی در هر سال، اهتمام تمام عیار نسبت به پیش گرفتن رویه‌های موسوم به انضباط مالی از سوی دولت و مدیریت صحیح اقتصادی به نحوی که کشور از مرحله سخت جنگ به خصوص سال‌های ۱۳۶۴ و بعد از آن بدون بحران عبور کرد. ایشان راز توسعه و ارتقاء و اعتلاء ایران را در این نکته می‌دانستند که باید تولید شیرین‌تر از فعالیت‌های غیر مولد باشد و معتقد بودند کشور ایران قهرمان لازم ندارد، سنگ‌های زیرین آسیاب کم دارد.

عالی نسب پس از پایان جنگ نقش کمتری در مشاوره به دولت‌ها ایفا کرد. و بیشتر به فعالیت‌های خیرخواهانه پرداخت. وی که از موسسان صندوق قرض الحسنه لرزاده بود و در بسیاری از امور خیریه مشارکت و فعالیت داشت از سال ۱۳۶۸ به بعد تا پایان عمر به همراه چند نفر از همفکران خود نهضت مدرسه‌سازی در روستاهای ایران را به راه انداخت و حاصل آن بالغ بر ساخت ۱۰۰ مدرسه بود که آن را بی‌نام و نشان به آموزش و پرورش تقدیم کرد. میرمصطفی در زمینه فرهنگی و کمک به موسسات فرهنگی نیز کمابیش فعال بود و از اوایل انتشار مکتب اسلام به آن کمک مالی می‌کرد همچنین کمک مالی به مجله طنز گل آقا و تخصیص جایزه برای دانش‌آموختگان رشته مهندسی مکانیک بخشی از فعالیت‌های اجتماعی وی بود.



همایون صنعتی زاده

(۱۳۵۴ - ۱۳۸۸ کرمان)

ناشر، نوآور، نویسنده، مترجم، شاعر و کارآفرین.

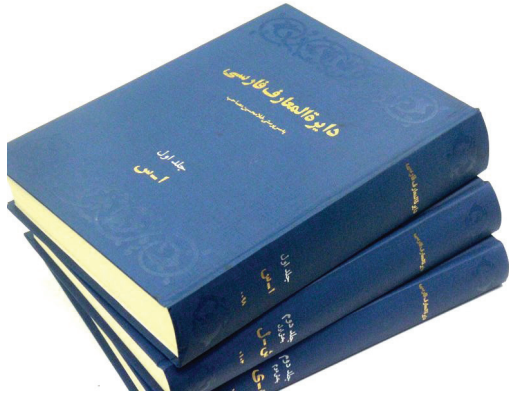
روزشمار زندگی

تولد در کرمان	۱۳۰۴
رها کردن تحصیل در دبیرستان کالج تهران و بازگشت به کرمان و تأسیس اولین تجارتخانه	۱۳۲۰
تأسیس شعبه موسسه انتشارات فرانکلین در ایران	۱۳۳۴
بازگشت دائمی به کرمان	۱۳۵۶
حضور در جبهه‌های جنگ به همراه بچه‌های پرورشگاه صنعتی	۱۳۵۹
برنده جایزه ترجمه در سیزدهمین دوره کتاب سال کرمان	۱۳۸۶
درگذشت در کرمان	۱۳۸۸

پرورشگاه کودکان یتیم به پدرش کمک کرد. این پرورشگاه را پدر بزرگ همایون در سال ۱۳۱۸ در شهر کرمان برای کودکان یتیم و بیکار ایجاد و آنها را به کار قالبیافی مشغول کرده بود. تمام کودکان این پرورشگاه فرزندان معنوی صنعتی بودند و نام فامیل صنعتی را به خود می‌گرفتند. همایون بعدها دیپلم خود را در اصفهان اخذ کرد ولی هرگز به دانشگاه نرفت و علیرغم میل پدر و خانواده به جای دانشگاه، راه بازار و تجارتخانه را برگزید و سه

همایون صنعتی زاده در تهران به دنیا آمد. پدرش عبدالحسین صنعتی، از نخستین داستان‌نویسان ایرانی و از تجار فرش و سنگ فیروزه بود. کودکی را در کرمان به سرپرستی پدر بزرگ (علی اکبر صنعتی زاده) و مادر بزرگش گذراند. در دبیرستان کالج (البرز) تهران تحصیل کرد و در آن مدرسه با ایرج افشار آشنا شد. وی در شهریور ۱۳۲۰ و همزمان با جنگ جهانی دوم، دبیرستان را رها کرد و به کرمان بازگشت و در تجارت و اداره امور





از اقدامات سترگ همایون صنعتی زاده، پایه‌گذاری نخستین دایره‌المعارف فارسی به سرپرستی غلامحسین مصاحب در ۱۳۳۵-۱۳۳۶ در همان سال‌های آغازین تأسیس مؤسسه انتشارات فرانکلین بود. دغدغه همیشگی همایون صنعتی زاده، افزایش شمارگان کتاب، کاهش بهای کتاب و توزیع کتاب در میان قشرهای مختلف کتابخوان، و به ویژه کم‌درآمد بود. همین دغدغه، او را به انتشار کتاب‌های جیبی سوق داد. انتشار صدها عنوان کتاب جیبی ارزان قیمت، با شمارگان بالا و به لحاظ محتوا جاذب و خواندنی را می‌توان انقلابی بی‌سابقه در تاریخ نشر ایران به شمار آورد.

چاپ کتاب‌های درسی ایران منشأ دو اتفاق مهم دیگر در صنعت نشر ایران شد: یکی تأسیس چاپخانه افست و دیگری احداث کارخانه کاغذسازی پارس در هفت تپه خوزستان که بزرگترین کارخانه کاغذسازی ایران بود.

سال بعد، اولین تجارتخانه خود را افتتاح کرد که پایه فعالیت‌های فرهنگی، بازرگانی و خیریه وی در سال‌های بعد شد. زبان‌های انگلیسی و روسی را از طریق شنیدن آموخت. او علاوه بر فعالیت در حوزه فرهنگ و ادبیات، در تجارت نیز سرآمد بود و پایه‌گذار تعدادی از بنگاه‌های تجاری و مراکز صنعتی و کشاورزی و برندهای معتبر همچون شهرک خزرشهر در مازندران، کاغذسازی پارس، کشت مروارید در کیش، رطب زهره و گلاب زهرا بود که همه به نوعی با فکر و سرمایه همایون صنعتی زاده پایه‌گذاری شده‌اند.

صنعتی زاده در دهه ۳۰ و ۴۰ در عرصه چاپ و نشر تحولی جدی را پدید آورد و به همت او، نشر حرفه‌ای در کشور گام‌های اساسی برداشت. در ۱۳۳۴ شعبه مؤسسه انتشارات فرانکلین را در ایران دایر کرد و نخست به ترجمه و انتشار آثار خارجی به خصوص آمریکایی روی آورد. فرانکلین در دوره مدیریت او در مدت کوتاهی به مهمترین سازمان انتشاراتی ایران تبدیل شد، سازمانی که ترجمه و نشر را در ایران به جنب و جوش درآورد. در دوره مدیریت او بر انتشارات فرانکلین بیش از ۱۵۰۰ عنوان از بهترین کتاب‌های ترجمه به حوزه و فرهنگ فارسی تقدیم گردید. همایون صنعتی برای اولین بار در صنعت نشر ایران حق کپی‌رایت بین‌المللی را در این مؤسسه رعایت می‌کرد.

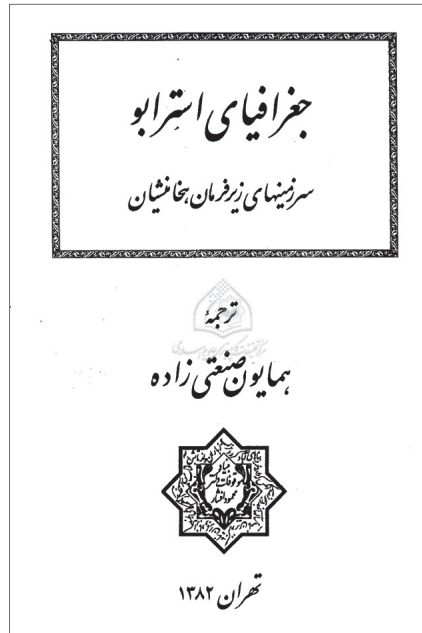
او نخست امتیاز چاپ کتاب‌های درسی افغانستان را کسب کرد و زمانی که کار چاپ کتاب‌های درسی در ایران به مؤسسه فرانکلین واگذار شد، همایون عده‌ای از مترجمان و مؤلفان و کسانی را که مایل بودند در تألیف درسی شرکت داشته باشند به هزینه مؤسسه فرانکلین به آمریکا، فرانسه، انگلیس و آلمان فرستاد تا درباره تألیف و چاپ کتاب‌های درسی آن کشورها مطالعه کنند.

انتشارات فرانکلین بعد از مصادره با عنوان انتشارات علمی و فرهنگی هم اکنون در اختیار شرکت شستا از شرکت‌های تابعه سازمان تامین اجتماعی است.

در سال‌های میانی دهه پنجاه وی از تمامی فعالیت‌ها کنار می‌کشد و به سمت علاقه اصلی‌اش، پرداختن به ایران باستان و نیز کشاورزی در کرمان روی می‌آورد. صنعتی زاده فردی کنجکاو بود و در خاطره‌ای که از وی نقل شده است یکی از دلایل رفتن به سراغ تاریخ ایران باستان را این گونه نقل می‌کند.

یک بار که کنار دریای خزر نشسته بود از خود پرسید که خزر یعنی چه؟ بعد از چهار پنج سال جای مرتبی کنار دریا درست کرده بود و نشسته بود که با فراغت تمام یک جای بخورد. اما همین که نشست و چشمش به آب خزر افتاد، سوال خزر یعنی چه پیش آمد. از خودش پرسید اینجا کجاست اصلاً؟ به نظر سوال مهمی نمی‌آید. خب معلوم است لب دریای خزر. اما خزر چیست؟ این نام از کجا آمده است؟ سرکارگری داشت که در باغ مشغول کار بود. چایی به دست نزد او رفت پرسید خزر یعنی چه؟ نمی‌دانست. چائی را زمین گذاشت و به ده نزدیک رفت، از کدخدا پرسید خزر چیست؟ نمی‌دانست. رفت به نوشهر، از فرماندار پرسید نمی‌دانست، شهردار و بقیه و دیگران هم نمی‌دانستند. «درد سرتان ندهم. چهار پنج سال طول کشید تا بدانم خزر نام قومی بوده است که غیر از نام این دریا، هیچ چیز از آنها باقی نمانده است».

همایون از دو سه سال قبل از انقلاب، معتقد بود که کار حکومت تمام است. خود را از مشاغل دولتی کنار کشید و در سال ۱۳۵۶ برای همیشه به کرمان کوچ کرد و در ملک پدری‌اش در روستای لاله‌زار بردسیر به کشت و پرورش گُل و گلاب‌گیری در



مقیاس گسترده پرداخت. کوشش وی در گلاب‌گیری و تهیه اسانس عطر و ایجاد اشتغال و فعالیت در ناحیه‌ای کوهستانی و دورافتاده، یکی از نشانه‌های دورنگری و خلاقیت فکر اوست. او با این کار می‌خواست ثابت کند که چگونه می‌توان ناحیه‌ای کوهستانی و دورافتاده را به مرکز فعالیت اقتصادی پررونقی تبدیل کرد. در لاله‌زار شعر می‌گفت، گُل می‌کاشت و گلاب می‌گرفت. او هم مرد تجارت و کار و تلاش، و هم مرد فرهنگ و هنر بود. جدا از نقش تأثیرگذار او در

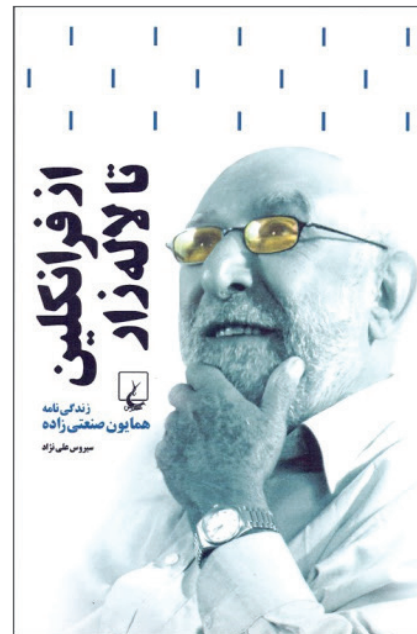
ایران طی چند دهه، کوشش‌های فردی او در زمینه تحقیق، تألیف و ترجمه، به ویژه درباره ایران باستان و گاهشماری در شرق باستان، در خور توجه است. نگاهی به فهرست آثاری که تحقیق، تألیف و ترجمه کرده است، نشان می‌دهد که دامنه همت بلند او تا کجاها کشیده شده است.

صنعتی زاده در اوایل جنگ تحمیلی در سال ۱۳۵۹ برای سرکشی از کودکان پرورشگاه

در هشتاد و چهار سالگی در روز چهارشنبه ۴ شهریورماه ۱۳۸۸ در کرمان درگذشت. علی دهباشی از چهره‌های سرشناس فرهنگی کشور و سردبیر مجله بخارا در پیامی به برنامه‌ی شب همایون صنعتی‌زاده در پنجم شهریورماه سال ۱۳۹۷ در خصوص این شخصیت ارزشمند اینگونه بیان می‌کند:

«همایون صنعتی‌زاده اگر در هر کشوری جز ایران متولد شده بود در هر شهری، میدانی را به نام همایون صنعتی می‌کردند تا جوانان و آیندگان بدانند که یک انسان می‌تواند در خلاقیت، کارآفرینی و عشق به وطن تا چه درجه‌ای ایثار کند. همایون صنعتی‌زاده از نوادر شخصیت‌های تاریخ معاصر ایران است. اگر قرار باشد ۱۰۰ شخصیت بزرگ قرن اخیر ایران را بشماریم قطعاً همایون صنعتی یکی از آن‌هاست. هر روز که می‌گذرد ما با جایگاه و مقام و ایده‌ها و فکرهای صنعتی بیش‌تر آشنا می‌شویم. گذر زمان به ما می‌آموزد که او چه قدر دورتر از ما می‌اندیشید و چه قدر آینده را می‌دید و نیازهای فرهنگی، اقتصادی، روحی و روانی و هنری را تشخیص می‌داد. ما اعتراف می‌کنیم که صنعتی را نشناختیم. اکنون متأسفانه او نیست و برگ برگ صفحات وزین زندگی او را که ورق می‌زنیم افسوس می‌خوریم که‌ای کاش همایون صنعتی در میان ما بود تا او را بوسه باران می‌کردیم.»

از انگلیس به کرمان باز می‌گردد. هنگامی که به کرمان می‌رسد تعدادی از بچه‌های پرورشگاه عازم جبهه بودند، بنابراین وی نیز با آنان به جبهه اعزام می‌شود و در آنجا با سردار قاسم سلیمانی آشنا می‌شود. سردار قاسم سلیمانی از اوایل جنگ تا آخر حیات، با همایون صنعتی زاده رفاقت و دوستی داشت و هنگامی که همایون در بستر مرگ بود نیز قاسم سلیمانی به رغم اشتغالات، چند بار بر بالینش آمد. صنعتی‌زاده در آذر ۱۳۸۶ به عنوان برنده جایزه ترجمه در سیزدهمین دوره مراسم کتاب سال کرمان برگزیده شد. سرانجام، همایون صنعتی‌زاده

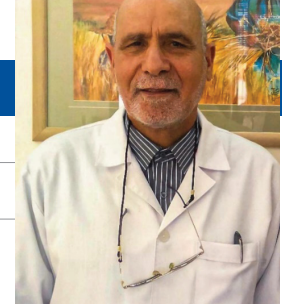


سیزدهمین دوره مراسم کتاب سال کرمان برگزیده شد. سرانجام، همایون صنعتی‌زاده

سید محمود طباطبایی

(۱۳۲۱ گرمسار)

چهره ماندگار جراحی مغز و اعصاب



روزشمار زندگی

تولد در گرمسار	۱۳۲۱
اخذ مدرک دکتری پزشکی	۱۳۵۱
قبولی در امتحانات برد تخصصی	۱۳۵۷
عضویت هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی	۱۳۵۸
معاون آموزشی مرکز پزشکی شهدا تجریش	۱۳۶۸
رئیس دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی	۱۳۷۰
انتخاب به عنوان چهره ماندگار در رشته پزشکی	۱۳۸۴

تبریز قبول شد و در سال ۱۳۵۱ مدرک دکترای پزشکی عمومی خود را کسب کرد. وی پس از گذراندن دو سال دوره خارج از مرکز در شهرستان مرزی آستارا، در سال ۱۳۵۳ دوره تخصصی جراحی مغز و اعصاب را در مرکز پزشکی شهدای تجریش آغاز کرد و پس از آن یک دوره کوتاه مدت تخصصی را در جراحی میکروسکوپی در دانشکده جان هاپکینز آمریکا که

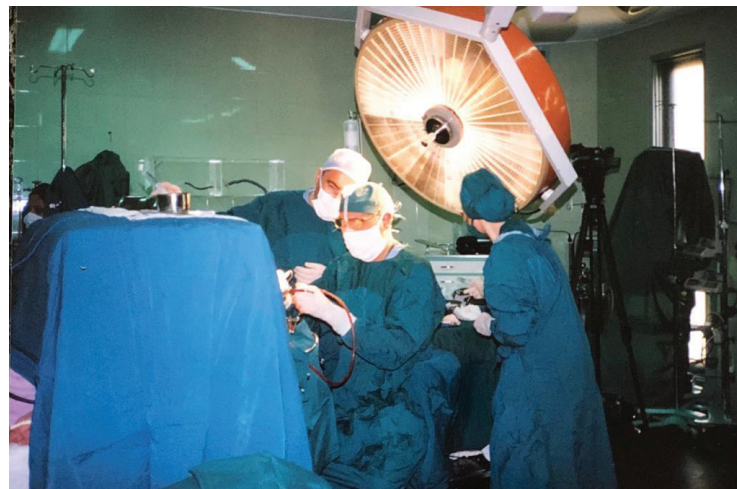
سید محمود طباطبایی متولد ۱۳۲۱ در روستای قاطول گرمسار و از دودمان سادات طباطبایی است. اجدادش از سادات زواره اردستان بودند. وی پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و دبیرستان در گرمسار، در سال ۱۳۴۱ موفق به اخذ دیپلم متوسطه از دبیرستان فردوسی گرمسار گردید. پس از آن در سال ۱۳۴۴ در کنکور دانشکده پزشکی دانشگاه

طباطبایی اولین استاد جراحی مغز و اعصاب دانشگاه های تهران در سال های پس از انقلاب بود و در سال های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۰ معاونت آموزش مرکز پزشکی شهدا و از سال ۱۳۷۰ تا اواخر ۱۳۷۶ ریاست دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی را به عهده داشت. از دیگر فعالیت های دکتر طباطبایی می توان به دبیری بُرد تخصصی جراحی مغز و اعصاب کشور و دبیر علمی انجمن جراحان مغز و اعصاب اشاره کرد. وی همچنین در بسیاری از کمیسیون های علمی و اجتماعی در وزارت بهداشت، سازمان نظام پزشکی و پزشکی قانونی هم فعالیت داشته است. دکتر طباطبایی پس از بازنشستگی، رئیس دانشگاه علوم پزشکی آزاد اسلامی واحد تهران و مشاور وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در امور

در آن زمان با بیمارستان شهدای تجریش قرارداد تبادل دانشجو و استاد داشت، گذراند و سال ۱۳۵۷ در امتحانات برد تخصصی جراحی مغز و اعصاب شرکت و رتبه اول را کسب کرد.

دکتر طباطبایی از سال ۱۳۵۸ به عضویت هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی (ملی سابق) درآمد. او همچنین یازده دوره ی کوتاه مدت آموزشی را در رشته تخصصی خود در ایران و کشورهای ژاپن، آمریکا، هلند، استرالیا، مکزیک، ایتالیا و اتریش گذرانده است.

وی پس از سال ها تحقیق و پژوهش و تدریس به درجه استادی رسید. دکتر





بدون اغراق باید اذعان نمود که گسترش و توسعه رشته جراحی مغز و اعصاب در کشور، تا حدود زیادی مرهون تلاش‌های مستمر ایشان و دیگر اساتید این رشته بوده است و بدین لحاظ می‌توان گفت که اکثریت جراحان مغز و اعصاب این کشور به نوعی وامدار این استاد بزرگوار هستند.

دکتر طباطبایی نمونه ارزشمند کسانی است که فعل خواستن را در راه توانستن صرف کرده و پس از کسب موفقیت به بالاترین سطوح علمی و تخصصی و اجرایی،

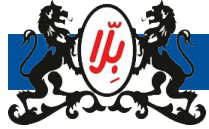
بیمارستان‌های خصوصی بوده است. دکتر طباطبایی در سال ۱۳۸۴ به عنوان چهره ماندگار علمی کشور در رشته پزشکی انتخاب و معرفی شده است.

ایشان علاوه بر تالیف و ترجمه چندین کتاب و مقاله در رشته تخصصی جراحی مغز و اعصاب، در انجمن‌های علمی متعددی از جمله انجمن بین‌المللی جراحان اعصاب، انجمن خاورمیانه‌ای جراحان اعصاب، انجمن جراحان اعصاب ایران، انجمن بین‌المللی جراحان قاعده جمجمه و انجمن جراحان اعصاب مکتب دندی (آمریکا) عضویت دارد.

ایشان همواره مردی سخاوتمند و خیر به معنای واقعی کلمه می‌باشد. درمان رایگان افراد کم بضاعت، کمک به احداث مراکز بهداشتی و درمانی و فعالیت‌های خیرخواهانه وی در بسیاری از شهرها و روستاهای کشور قابل مشاهده است که از مهمترین آن می‌توان به احداث ساختمان دانشگاه پیام نور گرمسار اشاره کرد. دکتر طباطبایی از جمله پزشکان حاذقی است که به دلیل تبحر و تخصص و تجربه طولانی در رشته جراحی مغز و اعصاب، در بین مردم و همکاران به جراح پنجه طلا معروف و مشهور است.

صمیمانه در خدمت هموطنان و به خصوص همشهریان خود در گرمسار بوده است. از مهمترین صفات ایشان، مکارم اخلاقی وی از جمله صداقت، پرهیز از دروغ و ریا، خلق کریم، مهربانی و صمیمیت در رفتار و گفتار و کردار است. دکتر طباطبایی استادی بی‌بدیل نیز هست که سال‌ها در کسوت استادی دانشگاه‌های مختلف پزشکی و ریاست آنها، شاگردان و دانشجویان بسیاری را تربیت کرده و دانش آموخته و علاوه بر آن صفات برجسته‌ای که یک پزشک انسان دوست باید داشته باشد را به آنها منتقل کرده است. ایشان در طول دوران خدمت پزشکی، استادی و مدیریتی تعداد کثیری از دانشجویان و همکاران خود را تحت تاثیر اخلاق حسنه شخصی و حرفه‌ای خویش قرار داده است.

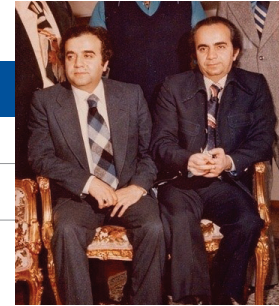




برادران عمید حضور

امیر عمید حضور (۱۳۷۹-۱۳۵۷) / منصور عمید حضور (۱۳۶۱-۱۳۱۵)

سرداران بازار کفش



روزشمار زندگی

آموزش مهارت کار در بازار	۱۳۲۷-۱۳۱۸
خرید شرکت کفش بلا	۱۳۴۱
ثبت شرکت جم	۱۳۴۲
تأسیس فروشگاه و مرکز پخش	۱۳۴۷
استفاده از کامپیوتر برای فروش محصولات	۱۳۵۲
مشارکت در تأسیس شرکت کارتن کار	۱۳۵۲
ناتوانی در پرداخت وام و بدهی مالیاتی	۱۳۵۷
مصادره‌ی شرکت توسط دولت	۱۳۵۹
فوت منصور عمیدحضور در تهران	۱۳۶۱
فوت امیر عمیدحضور در امریکا	۱۳۷۹

ش) در کاشان به دنیا آمده بود و در ۱۲ سالگی همراه مادر راهی تهران شد و در بازار تهران مشغول به تجارت شد. حاج حسن پس از چندین سال کار، اعتبار و جایگاه

برادران عمید حضور (امیر و منصور)، بنیان‌گذار بنگاه کفش ماشینی بلا و شبکه فروشگاه‌های توزیع کفش در ایران هستند. پدر خانواده (حسن عمید حضور ۱۳۲۷-۱۲۸۱

کفش بلا در سال ۱۳۴۱ توسط نهایت مرادیانس و همسرش، نوارت طومانیانس روبن پور و سه فرزندش، استپان، ایزابل و ریدا، با سرمایه سه میلیون ریال به ثبت رسید. چند ماه بعد، امیر و منصور عمید حضور شرکت بلا را که هنوز وارد مرحله تولید نشده بود، خریداری کردند.

در همان دوران منصور عمید حضور که معتقد بود رونق یا سودآوری در تولید است نه توزیع، شرکت جم را در اوایل سال ۱۳۴۲ ثبت کرد. «شرکت و کارخانجات لاستیک و کفش سازی جم» اولین شرکت صنعتی خانواده عمید حضور است. بلا در آن زمان هنوز تنها یک نام بود و ماشین آلات و تولید نداشت.

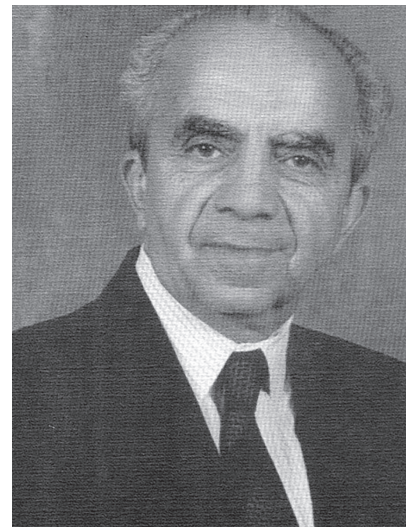
هاشم و اسماعیل (برادران کوچکتر) با وجود کار در بخش دولتی، به برادران خود در گروه صنعتی بلا، کمک فکری می‌کردند. در دهه ۴۰ که حکومت از توسعه صنعتی حمایت می‌کرد، هاشم عمید حضور در نامه‌ای طولانی به برادرانش، به آنان توصیه کرد جهت ورود به حوزه صنعت، از حمایت‌های سخاوتمندانه دولت وقت استفاده کنند. هاشم در سال ۱۳۴۳ به ایران بازگشت و



کوچکی در بازار تهران به دست آورد و توانست با پس‌اندازش در سال ۱۳۰۴، مغازه‌ای در تیمچه حاجب‌الدوله خریداری کند. این حجره، سال‌ها به عنوان نماد خانواده عمید حضور در بازار حفظ شد.

امیر - پسر بزرگ خانواده - پس از گذراندن سال سوم ابتدایی در ۱۱ سالگی، پدر را قانع کرد که با اشتغال وی در بازار موافقت نماید. امیر در سال‌های ۱۳۱۸ تا ۱۳۲۷ مهارت‌های کار را در بازار فراگرفت. منصور نیز به همراه برادر به توسعه فعالیت‌های اقتصادی خانواده کمک کرد. آنها حدود ۱۰ سال بعد یکی از بُنکداران بزرگ تولید کفش در ایران بودند. آنها تولیدات کفش کارخانه‌های مهشید، مهندس عنایت، کفش ملی و سایر واحدهای تولیدی را در سطح کشور توزیع می‌کردند.

پس از مرگ حاج حسن عمید حضور، امیر و منصور که شامه‌ای تیز برای درک نیاز بازار کفش داشتند به چکسلواکی - که در آن زمان به پایتخت کفش جهان معروف بود - سفر کردند و با واردات و توزیع کفش از نزدیک آشنا شدند. این اولین گام واقعی آنها در بازار سرمایه بود.



در وزارت دارایی مشغول به کار شد ولی در سال ۱۳۵۶، از کار دولتی کناره گرفت و به گروه بلا پیوست و تمام حواس خود را بر رونق تجارت خانوادگی متمرکز کرد. او نقش موثری در توسعه فعالیت گروه بلا و خصوصاً کارخانه جم داشت.

شرکت بلا در میانه دهه ۵۰، علاوه بر کفش، چرم، کارت و جوراب نیز تولید می‌کرد و از سال ۱۳۵۲ برای فروش کالاهای خود در شبکه‌های ارتباطی از کامپیوتر استفاده می‌کرد. محصولات گروه بلا، انواع کفش‌های پلاستیکی، لاستیکی، گالشی، پوتین، دمپایی، کفش ورزشی، تنیس مردانه و... بود. شرکت بلا در شش سال اول، فروشگاه و مرکز پخش نداشت، تا این که در خرداد ۱۳۴۷ در سرچشمه و بعدها در چهارراه گلوبندک، فروشگاه کفش بلا به بهره‌برداری رسید. کم‌کم از سال ۱۳۴۹ فروشگاه‌هایی در شرکت سطح تهران و شهرستان‌ها گسترش یافت. پس از آن قسمت بنکداری و عمده‌فروشی شرکت بلا به توزیع کفش می‌پرداخت. گروه صنعتی بلا در سال ۱۳۵۷، دومین شرکت بزرگ تولید انواع کفش ماشینی، دارای ۱۸۹ نمایندگی فروش در سطح کشور بود.

در اوایل دهه ۱۳۵۰ با گسترش تولید و بهبود کیفیت، بخشی از محصولات کارخانه‌های کفش ماشینی از جمله شرکت بلا به اروپای شرقی، شوروی، افغانستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس صادر شد. موسسات گروه بلا، شامل شرکت



تولیدی و صنعتی بلا، تولیدکننده انواع کفش پلاستیکی و چرمی (تأسیس ۱۳۴۱)، شرکت جم، تولیدکننده انواع کفش لاستیکی (تأسیس ۱۳۴۸)، پخش جمشید، اداره فروشگاه‌ها (تأسیس ۱۳۴۹)، شرکت مهپوش، تولیدکننده انواع کفش چرمی (تأسیس ۱۳۵۱)، شرکت بلا انواع کفش (تأسیس ۱۳۵۴)، ایران و فرانسه، جوراب گیلان (تأسیس ۱۳۵۰)، مرکز دیتا سنتر (تأسیس ۱۳۵۳) و شرکت مدار بود. از دیگر فعالیت‌های این خانواده، شرکت کارت و چرم زوک (در سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۶) و بانک داریوش (در سال ۱۳۵۳) بود. آنان در زمینه سرمایه‌گذاری، کامپیوتر، توزیع و تولید کفش چرمی، کتان، چکمه، پوتین، چرم و جوراب (خصوصاً در فاصله سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۵) مشارکت داشتند. گروه بلا طی ۱۵ سال، فعالیتش را گسترش داد، به طوری که این موسسات، بیش از ۲۵۰ پرسنل داشتند. در سال ۱۳۵۲، برخی تجار نظیر کاظمی، توسلی، رفیق دوست، علیزاده، اسماعیل کارور و خانواده عمیدحضور، کارخانه کارت را تأسیس کردند. در اواسط دهه ۵۰، گروه صنعتی بلا، صاحب ۸۵ درصد سهام شرکت کارت کار بود.

گروه صنعتی بلا به دلیل استفاده از اعتبارات کوتاه‌مدت برای فعالیت صنعتی، آتش‌سوزی انبار کارخانه در سال ۱۳۵۶ و ناتوانی کوتاه‌مدت در عرضه کفش بلا و جم، دچار مشکل در بازپرداخت بدهی شد. این گروه صنعتی، در سوم اردیبهشت ۱۳۵۷ در پرداخت وام ۷۰۰ میلیون تومانی برای کلیه شرکت‌ها همچنین بدهی بیمه‌ای کارکنان و پرداخت مالیات ناتوان شد. هشت بانک شامل بانک ملی و بانک توسعه صنعتی، و شش بانک کوچک‌تر طلبکار بودند. از این رو شرکت بلا تحت نظارت و مدیریت بانک ملی قرار گرفت.

به آمریکا مهاجرت کند. امیر در زمینه تجارت فرش، صنایع آب و ملک‌داری از فعالان موفق ایرانی در آمریکا به شمار می‌رفت. سرانجام امیر عمید حضور پس از ۳۵ سال فعالیت تجاری صنعتی در مهرماه ۱۳۷۹، در ۷۲ سالگی در آمریکا درگذشت. منصور به دلیل رابطه با پدر همسرش حاجی ترخانی، تصور نمی‌کرد با همه روابطی که با انقلابیون مذهبی داشت، در سال ۱۳۵۹ از ورود وی به کارخانه‌اش جلوگیری کنند. ممنوع‌المعامله بودن، کنترل کارخانه توسط سازمان صنایع و اندوه از دست دادن ۳۰ سال تلاش باعث شد که در سال ۱۳۶۱، زمانی که تنها ۴۶ سال داشت، بر اثر سکت قلبی در تهران فوت کند.

شرکت‌های تولیدی کفش بلا، پس از کنترل توسط دولت، همانند اکثر شرکت‌های دولتی، با زیان‌های گسترده مواجه شدند. آنهایی که به موسسات عمومی غیردولتی واگذار شدند، تا حدی توانستند به فعالیت خود ادامه دهند، اما شرکت‌هایی که در دست سازمان‌های دولتی بودند، به علت زیان گسترده، تعطیل شدند. شرکت بازرگانی مربوط به فروشگاه‌ها هم‌اکنون هم فعال است.

بانک‌های مذکور، همزمان با استمهال دوساله وام، مقداری نقدینگی برای گردش امور به شرکت هیات امنای صنعتی عمید دادند. دکتر اسماعیل عمید حضور نقش قابل توجهی در همکاری با مدیریت بانک برای حل وقوع انقلاب اسلامی تلاش آنان را ناکام گذاشت. در فضای احساسی پس از انقلاب که مفهومی به نام «برند» در تولید و توزیع اهمیتی نداشت، نام گروه بلا به شرکت فخرالاسلام تغییر یافت. تقارن این حادثه با انقلاب، موجب شد امیر به همراه خانواده‌اش در دی‌ماه ۱۳۵۷

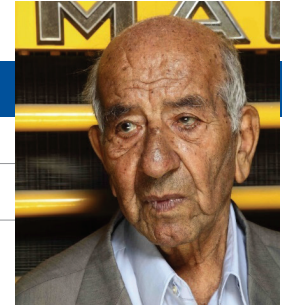




اصغر قندچی

(۱۳۰۷-۱۳۹۸ تهران)

کارآفرین و پدر صنعت کامیون‌سازی ایران



روزشمار زندگی

تولد در تهران	۱۳۰۷
کار فنی در گاراژهای تهران	۱۳۱۹
تأسیس کارگاه شخصی	۱۳۲۳
تأسیس شرکت ایران کاوه با مشارکت ماک تراکس امریکا	۱۳۴۲
دریافت جایزه بزرگ خودروسازی در نمایشگاه خودروسازی برلین	۱۳۵۶
مصادره شرکت ایران کاوه به نفع بنیاد مستضعفان	۱۳۵۸
درگذشت در تهران	۱۳۹۸

کارگاه شخصی خود را با کمترین سرمایه کلید زد. در کارگاه او دو نفر خارجی هم کار می‌کردند که در واقع استادکاران وی بودند.

«اوستا اصغر آهنگر» پیچ و خم کار بر روی خودرو و کامیون را چنان آموخته بود که می‌توانست بدنه و شاسی کامیون ماک آمریکایی را بسازد و با سوارکردن موتور و گیربکس بر روی آن، کامیون بسازد.

اصغر قندچی در سال ۱۳۰۷ در تهران زاده شد. پیشه پدرش وکالت بود و دوست داشت فرزندانش هم به دنبال تحصیل علم بروند. اما اصغر قندچی از همان نوجوانی درس را کنار گذاشت و از ۱۲ سالگی به کار فنی در گاراژهای تهران روی آورد. وی در گاراژی کار مشغول بود که استادکاران آلمانی، روسی و چکسلواکی در آن کار می‌کردند. قندچی پس از مدت نسبتاً کوتاهی در تعمیر و نگهداری کامیون ماک به تخصص رسید و در ۱۶ سالگی

و توسعه کشور به فکر راه‌اندازی خط تولید کامیون در کشور می‌افتد. اما کلید شروع کار دست استاد اصغر بود تا با مهارتی که در طراحی و ترکیب قطعات کامیون داشت، فوت کوزه‌گری را برای راه‌اندازی کارخانه بدمد. «رضا نیازمند» معاون وقت وزیر صنایع و مسئول اجرای پروژه، با هیئتی راهی خیابان قزوین و راسته تعمیرکاران کامیون می‌شود. انگشت اشاره همه به سوی استاد اصغر قندچی جوان می‌رود و آنها پارسا پارسا به سرخ اصلی ماجرا می‌رسند. حالا نوبت استاد اصغراست تا با شرح هنرش باعث تحسین و حیرت معاون وزیر صنایع و هیئت همراهش شود.

همین موضوع بهانه‌ای می‌شود تا قندچی جوان یک کارخانه تولید کامیون را در کشور مدیریت و راه‌اندازی کند. شرکت ایران‌کاوه در واقع کارخانه تولید کامیون‌های ماک مناسب‌سازی شده با شرایط ایران بود.

پس از بازدید رضا نیازمند، بنیانگذار سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران (ایدرو) و عالیخانی؛ معاون وقت وزیر اقتصاد از گاراژ قندچی در اوایل دهه ۱۳۴۰ خورشیدی و دعوت از او برای ساخت کامیون در ایران، استارت ساخت شرکت ایران‌کاوه زده می‌شود. تا آن زمان، نمایندگی کامیون‌های «ماک» در ایران در اختیار «میردامادی» بود. شرکت او، قطعات کامیون «ماک» را به ایران وارد و مونتاژ می‌کرد. با هماهنگی نیازمند و عالیخانی، اصغر قندچی تریلر غول‌پیکر و کامیون‌های ساخت خود و همکارانش را برای معرفی صنایع ملی ایران در نمایشگاهی که ترتیب داده شده بود به نمایش گذاشت به طوری که مورد تحسین محمد رضا شاه قرار گرفت و در نهایت اجازه تأسیس کارخانه کامیون‌سازی را به قندچی دادند. پس از آن وی در



با پایان جنگ جهانی، خودروهای اسقاطی آمریکایی که در هند، پاکستان، مالزی، چین و ژاپن رها شده و اوراق بودند توسط واسطه‌ها و دلال‌ها به ایران فرستاده و در کارگاه قندچی تعمیر و راه‌اندازی یا از لوازم آنها برای تعمیر سایر کامیون‌ها استفاده می‌شد. وی دست به ابتکاراتی در طراحی و بدنه کامیون‌های ماک نیز می‌زد و آنها را تغییر می‌داد. به عنوان نمونه قطعات زیربندی ماک را تغییر و کامیون‌ها را برای جاده‌های خاکی ایران مناسب‌سازی کرد یا رادیاتورهای کامیون‌ها را بزرگ می‌کرد تا در جاده‌های آن زمان ایران جوش نیاورند.

در اوایل دهه ۴۰ شمسی دولت وقت برای اجرای برخی سیاست‌های اقتصادی

می‌شد. قندچی نسل بزرگی از صنعتگران ایرانی را تربیت و خود نیز کامیون‌های ماک را تا حد زیادی به ساخت داخل تبدیل کرد.

فعالیت مستمر در این رشته، اصغر قندچی را به مؤسس اولین و بزرگترین کارخانه تریلر و کامیون ساخت ایران به نام ایران کاوه تبدیل کرد. البته خواست و کمک سیاست‌گذاران اقتصادی و صنعتی دولت وقت در این زمینه بسیار تاثیرگذار بود. قندچی در نمایشگاه خودروسازی برلین در سال ۱۳۵۶ جایزه بزرگ خودروسازی را از آن خود کرد. تعداد کامیون‌های تولیدی ایران‌کاوه طی مدت همکاری با شرکت ماک تراکس تا سال ۱۳۵۷ بالغ بر ۷۵۰۰ دستگاه بود. چند هزار دستگاه کامیون ماک ساخته شده

سال ۱۳۴۲ با انعقاد قرارداد انحصاری با شرکت ماک تراکس آمریکا شرکت ایران‌کاوه را تأسیس و فعالیت خود را با مونتاژ کامیون‌های ماک و ساخت انواع تریلر آغاز نمود. نام شرکت نیز برگرفته از کاوه آهنگر بود. اصغر قندچی اولین مدیرعامل و میردامادی رییس هیات‌مدیره شرکت مذکور انتخاب شدند.

به منظور توسعه فعالیت‌های شرکت ایران‌کاوه، در اواسط دهه ۵۰ زمینی در جاده کرج خریداری و مقدمات انتقال کامل شرکت ایران‌کاوه به آنجا فراهم شد که با وقوع انقلاب اسلامی متوقف شد.

کامیون‌های «ایران‌کاوه» به صورت ترکیبی از واردات قطعات و ساخت داخل تولید





در کشور ادامه دهد. پدر صنعت کامیون‌سازی ایران، اصغر قندچی، در ۲۳ بهمن ۱۳۹۵ به پاس خدمات ارزنده حرفه‌ای در روزهای سخت کشور و خدمت به صنعت، تندیس و نشان کارآفرین برتر موسوم به «امین‌الضرب» را از دست معاون اول رئیس‌جمهور حسن روحانی دریافت می‌کند. مرحوم قندچی بنیانگذار شرکت ایران‌کاوه در هفتم مرداد ۱۳۹۸ در سن ۹۱ سالگی از تهران به آسمان ابدیت پرواز می‌کند، اما نام و خدمات او در صنعت کامیون‌سازی ایران همیشه ماندگار است.

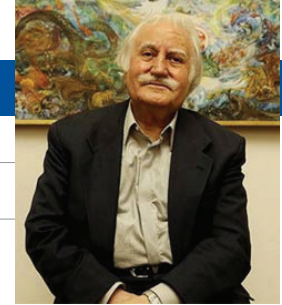
شرکت ایران‌کاوه نیز پس از فراز و فرودهای فراوان، اکنون با نام سایپا دیزل در زیرمجموعه کارخانه سایپا فعالیت می‌نماید.

در کارخانه ایران‌کاوه بعد از چندین دهه همچنان در جاده‌های ایران فعال هستند. در سال ۱۳۵۷ به فکر تولید آخرین قطعات ماک در ایران از جمله موتور افتاده بود که انقلاب اسلامی پیروز شد؛ او در بحبوحه انقلاب به آمریکا رفته بود تا سفارش حدود چهار هزار کامیون را لغو کند. دوستانش در آمریکا به او توصیه کرده بودند به ایران برنگردد اما او به تهران بازگشت تا کار خود را ادامه دهد.

در جریان ملی شدن صنایع در سال ۱۳۵۸، شرکت ایران‌کاوه به نفع بنیاد مستضعفان مصادره و ملی شد؛ او البته کارش را در ایران ادامه داد و در کارگاهی در جنوب تهران به کامیون‌های ماک خدمات ارائه می‌داد.

نام قندچی در بخشی از تاریخ جنگ تحمیلی نیز وجود دارد. با آغاز جنگ ایران و عراق، ارتش ایران برای بهینه‌سازی کامیون‌های خود نیاز به کمک او پیدا کرد؛ در اوایل جنگ به درخواست سرلشکر فلاّحی، فرمانده وقت نیروی زمینی ارتش، قندچی به دفتر او می‌رود تا یکی از چالش‌های بزرگ ترابری جنگ را حل کند. قندچی به دستور سرلشکر فلاّحی به سرعت اقدام به تعمیر و راه‌اندازی تعداد قابل توجهی از خودروهای تانک بر ارتش می‌کند و بدین ترتیب مشکل انتقال تانک‌های داخل کشور به مناطق مرزی در اولین روزهای جنگ مرتفع می‌شود.

بعد از مصادره شرکت ایران‌کاوه، فعالیت قندچی به تعمیرگاه و گاراژ ماک محدود شد. در دوران پس از جنگ تحمیلی، در شرایطی که قندچی تمام اختیاراتش را در شرکت ایران‌کاوه از دست داده بود، سعی کرد با تأسیس شرکت دیگری به نام کاوه کار، به خدمات خود برای پشتیبانی فنی و تعمیر و نگهداری از ناوگان کامیون‌های ماک موجود



محمود فرشچیان

(۱۳۰۸ اصفهان)

چهره ماندگار در عرصه هنر نگارگری

روزشمار زندگی

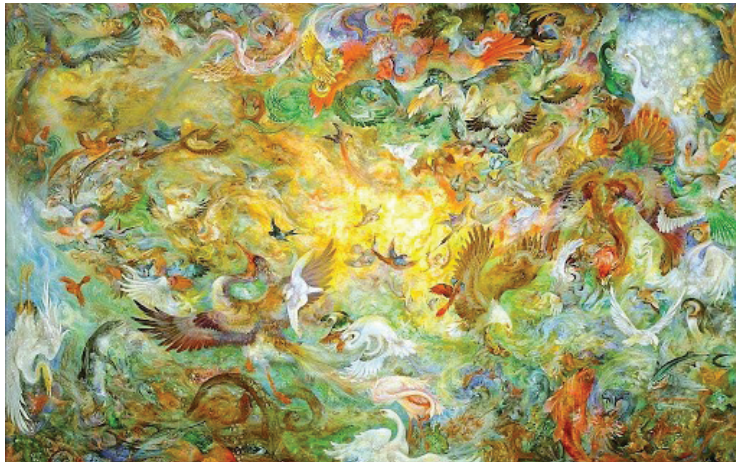
تولد در اصفهان	۱۳۰۸
نخستین نمایش رسمی در انجمن فرهنگی ایران و انگلیس	۱۳۲۷
اخذ دیپلم عالی از هنرستان هنرهای زیبای اصفهان	۱۳۲۹
خلق معروفترین تابلوی استاد با عنوان عصر عاشورا	۱۳۵۵
دریافت نشان درجه یک هنر	۱۳۷۲
انتخاب به عنوان چهره ماندگار در عرصه هنر نگارگری	۱۳۸۰
دریافت نشان افتخار جهادگر عرصه فرهنگ و هنر	۱۳۹۳

استاد عیسی بهادری از شاگردان برجسته کمال الملک، مدیر آن بود. او در این هنرستان به مطالعه نقاشی و مینیاتور و طرح‌های برگرفته از کاشی‌کاری‌های ابنیه تاریخی اصفهان پرداخت و با رنگ‌ها و ابزار نقاشی آشنا شد. در سال ۱۳۲۹ از هنرستان هنرهای زیبای اصفهان دیپلم عالی گرفت. سپس برای گذراندن دوره هنرستان هنرهای زیبا به اروپا سفر کرد و چندین سال به مطالعه آثار هنرمندان غربی در موزه‌ها پرداخت. پس از بازگشت به

محمود فرشچیان، ۴ بهمن ۱۳۰۸ در اصفهان متولد شد. پدر او غلامرضا فرشچیان، تاجر و تولیدکننده فرش بود و هنگامی که شیفتگی فرزندش را به طراحی و نقاشی دریافت، او را به کارگاه حاج میرزا آقا امامی اصفهانی (۱۲۶۰-۱۳۳۴ش) فرستاد. فرشچیان در کارگاه میرزا آقا امامی با طرح‌ها و نقش‌های دوره تیموری و صفوی آشنا شد. فرشچیان در سال ۱۳۲۴ به هنرستان هنرهای زیبای اصفهان رفت که در آن زمان

نخستین نمایشگاه رسمی آثار او در سال ۱۳۲۷ و در انجمن فرهنگی ایران و انگلیس برگزار شد و تابلو «دوش دیدم که ملائک در میخانه زدند» و چند تابلو دیگر که همگی در ۱۸ سالگی وی خلق شده بود، به نمایش گذاشته شد.

فرشچیان بنیان‌گذار مکتب خاصی در نقاشی ایرانی است که پایبند به شکل کلاسیک همراه با استفاده از تکنیک‌های جدید برای توسعه دامنه نقاشی ایرانی است. او به این شکل هنر، روح جدیدی بخشید و به آن استقلالی داد که پیش از آن کمتر داشت. نقاشی‌های قدرتمند و نوآورانه او پویا و گسترده و پر از جنب و جوش هستند، با تلفیقی جذاب از عناصر سنتی و مدرن، که ترکیبات سبک منحصر به فرد او در نقاشی



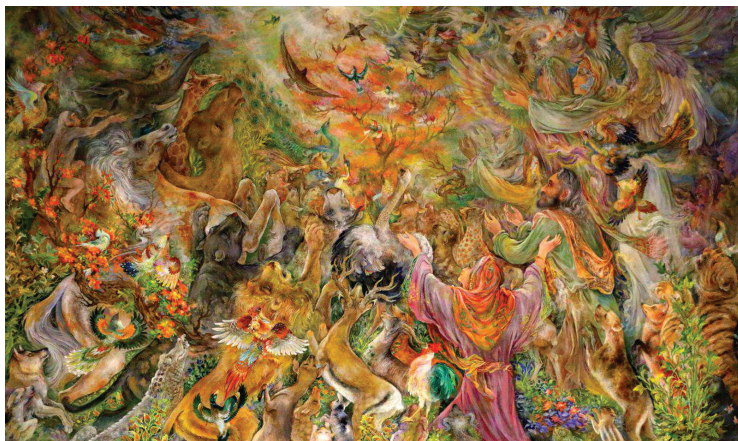
ایران، فرشچیان کار خود را در اداره کل هنرهای زیبای تهران آغاز کرد و به مدیریت اداره ملی و استادی دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران برگزیده شد.

طراحی قالی و سرامیک‌سازی نیز دیگر هنرهایی بود که فرشچیان در هنرستان هنرهای زیبای اصفهان فراگرفت و چنان مهارتی یافت که در سال ۱۳۲۸ یکی از گلدان‌های ساخته او را عیسی بهادری به آرتور پوپ، پژوهشگر مشهور فرهنگ و معماری ایرانی اهدا کرد.

فرشچیان در این سال‌ها با قراردادن موی گربه سفید در انتهای پر کبوتر، قلم‌موهایی ظریف و انعطاف‌پذیر ساخت که همچنان در طراحی از آن قلم‌ها استفاده می‌کند.



فرشچیان؛ به سبب آثاری که درباره برخی موضوعات مذهبی پدید آورده، مشهور است. خلق آثاری چون «عصر عاشورا»، «شام غریبان»، «ضامن آهو» و نیز طراحی و نظارت بر ساخت ضریح امام رضا(ع) و ضریح امام حسین(ع)، از برجسته‌ترین کارهای هنری فرشچیان است. تابلو «عصر عاشورا» معروف‌ترین اثر نگارگری استاد فرشچیان است که در روز عاشورای سال ۱۳۵۵ به تصویر کشیده شده است. موضوع این اثر بازگشت مرکب بی‌سوار حسین بن علی (ع) به سوی خیمه‌ها در عصر عاشورا است. «شمس و مولانا»، «ستایش» و «پنجمین روز آفرینش» از دیگر آثار استاد است. در سال‌های اخیر چندین جلد از آثار هنری محمود فرشچیان منتشر شده و کتاب‌های متعددی از جمله شاهنامه، حافظ، رباعیات خیام، ادعیه مذهبی و ...



هستند. برخی از توانایی‌های او احساس فوق‌العاده خلاقیت، نقوش متحرک، خلقت فضای‌های گرد و منحنی، خطوط نرم و قدرتمند، و خلقت رنگ‌های مواج هستند. آثار فرشچیان یک ترکیب دل‌انگیز از اصالت و نوآوری است. آثار او از شعر کلاسیک، ادبیات فارسی، قرآن، کتاب‌های مقدس مسیحیان و یهودیان، و همچنین تخیل عمیق خود او تأثیر گرفته است. آثار هنری استاد فرشچیان طیف وسیعی از موضوعات از جمله دینی و مذهبی، معنوی و عارفانه، عاشقانه، غنایی، ادبی، حماسی، اخلاقی، فلسفی و عمی و فرهنگی را در بر می‌گیرد. محمود فرشچیان با توجه به سبک، آثار و برشمردن مولفه‌های شخصیتی، سهم بزرگی در راستای همگرایی و نزدیک ساختن فرهنگ و هنر مردم ایران به سایر ملل دنیا دارد.



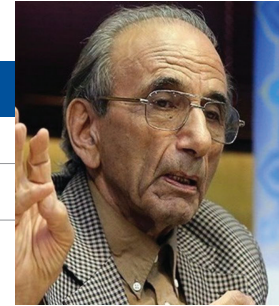
اهدا شده است. آثار او در بسیاری از شهرهای جهان از جمله پاریس، نیویورک، شیکاگو، میلان، فلورانس، مونیخ، رم به نمایش گذاشته شده است. استاد فرشچیان در سال ۱۳۷۲ نشان درجه یک هنر (معادل دکترا) را دریافت کرد. موزه محمود فرشچیان که بیش از ۵۰ اثر از او را در خود جای داده است که در سال ۱۳۸۰ در مجموعه کاخ سعدآباد افتتاح شد.

فرشچیان در اولین دوره چهره‌های ماندگار در سال ۱۳۸۰ در عرصه هنر نگارگری انتخاب و معرفی شد. در سال ۱۳۹۳ نشان افتخار جهادگر عرصه فرهنگ و هنر به فرشچیان اهدا شد. فیلم مستندی نیز با عنوان عشق پرداز به کارگردانی حمید کاویانی در نکوداشت او ساخته شده است.

در ۳۰ مهر ۱۳۹۷ دانشگاه آزاد اسلامی واحد هنرهای اسلامی-ایرانی استاد محمود فرشچیان به عنوان دانشگاه مرجع در حوزه آموزش، پژوهش و خلق آثار هنرهای سنتی اسلامی-ایرانی با تکیه بر نظام استاد-شاگردی و در جهت شناسایی، حفظ، احیاء و خلق آثار فاخر و منحصر به فرد هنرهای سنتی در سطح ملی و بین‌المللی تأسیس کرد.



با استفاده از نقاشی‌های استاد فرشچیان مزین و به زیور چاپ آراسته شده است. همچنین چندین عنوان کتاب و مقالات متعددی در مورد زندگینامه و آثار وی منتشر شده است. ۱۵ تابلو محمود فرشچیان به موزه حرم امام رضا (ع) و برخی از آثار هنری او توسط وزیران امور خارجه ایران به عنوان هدیه به سفرا و وزرای کشورهای خارجی



پرویز کردوانی

(۱۳۱۰ گرمسار)

جغرافیدان و پدر علم کویرشناسی

روزشمار زندگی

تولد در گرمسار	۱۳۱۰
مهاجرت به آلمان برای ادامه تحصیل	۱۳۳۷
دریافت دکترا در رشته عمران کویراز دانشگاه فردریک ویلهلم آلمان	۱۳۴۵
عضو هیئت علمی دانشگاه رضائیه (ارومیه)	۱۳۴۵
مدیرکل آموزش دانشگاه تهران	۱۳۴۸-۱۳۵۴
تأسیس مرکز تحقیقات مناطق کویری و بیابانی ایران	۱۳۵۴
رییس مرکز تحقیقات مناطق کویری و بیابانی ایران	۱۳۵۴-۱۳۵۸
انتخاب به عنوان استاد نمونه دانشگاه تهران	۱۳۸۰
انتخاب به عنوان چهره ماندگار علمی کشور در رشته جغرافیا	۱۳۸۴

تهران‌گذارند. در سال ۱۳۳۷ برای ادامه‌ی تحصیل به کشور آلمان مهاجرت کرد و دوره‌ی مهندسی کشاورزی را در دانشگاه فردریک ویلهلم بُن (پایتخت آلمان غربی) گذراند. وی با تصمیم دولت آلمان، به مدت سه ماه و با هزینه‌ی دولت‌های آلمان و آمریکا، از نُه ایالت

پرویز کردوانی فرزند حسینعلی معروف به بلوک باشی، جغرافیدان و فعال محیط زیست در سال ۱۳۱۰ در روسای مندولک گرمسار به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در روستای ریکان و تحصیلات متوسطه را در دبیرستان آفتاب گرمسار و دبیرستان فرانسوی‌ها (رازی) در

فرانسه، با عنوان «طرح شناسایی بیابان لوت» با موسسه‌ی مناطق خشک (موسسه‌ی جغرافیای دانشگاه تهران) همکاری کرد. سپس رسماً به گروه جغرافیای دانشگاه تهران منتقل شد. دکتر کردوانی در تأسیس و تکمیل وزارت نوپای علوم و آموزش عالی نیز مشارکت داشت. وی مدت ۵ سال در بیابان لوت به تفحص، بررسی و تحقیق پرداخت که نتیجه مسافرت‌ها و پژوهش‌های مذکور، شناسایی گسترده و عمیق این بخش ناشناخته از ایران بود. به عقیده وی بیابان لوت نه تنها یکی از خشک‌ترین بیابان‌های جهان است، بلکه گرمترین بیابان دنیا نیز می‌باشد. این یافته در کتاب‌ها و مقالات متعدد در ایران و جهان منتشر شده است.

او علاوه بر تدریس در دانشگاه‌های تهران، از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۴ مسئولیت مدیرکلی



آمریکا دیدن کرد و از نزدیک با خانواده‌های آمریکایی به‌ویژه روستائیان آن دیار آشنا شد. کردوانی دوره دکترای خود را در همان دانشگاه (فردریک ویلهلم) و در مؤسسه‌ی شیمی کشاورزی آغاز کرد و در سال ۱۳۴۵ این دوره را در رشته کشاورزی (عمران کویر) به پایان رسانید و رتبه نخست را در بین دانشجویان رشته‌ی کشاورزی در سراسر آلمان کسب کرد. عنوان تز دکترای دکتر کردوانی «اثر انواع کودهای شیمیایی و حیوانی بر روی محصولات کشاورزی در خاک‌های شور» بود.

وی پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی، بلافاصله به ایران بازگشت و فعالیت خود را از سال ۱۳۴۵ به عنوان عضو هیئت علمی (استادیار) دانشکده‌ی جدیدالتأسیس کشاورزی و دامپروری ارومیه آغاز کرد. سپس در طرح مشترک دانشگاه تهران و دانشگاه سوربن



خشک»، «ژئوهیدرولوژی»، منابع و مسایل آب در ایران (۲ جلد)، «اکوسیستم‌های طبیعی»، «حفاظت خاک»، «جغرافیای خاک‌ها»، «خشکسالی و راه‌های مقابله با آن در ایران»، «مراتع، مسائل و راه‌حل‌های آن در ایران»، «کویر (نمکزار) بزرگ مرکزی ایران و مناطق همجوار (مسائل، توانمندی‌ها و راه‌های بهره‌برداری)»، «کرسی نظریه پردازی: نظریه جدید درباره کویرها (نمکزارها)».

دکتر کردوانی همچنین در مجامع متعدد علمی ملی و بین‌المللی همچون شبکه آب خاورمیانه، بنیاد مطالعات آسیایی، هیئت امناء صلح سبز (جبهه سبز)، کمیته بیابان‌زدایی انجمن متخصصان محیط زیست ایران، انجمن جغرافیایی ایران، هیئت تحریریه و شورای انتشارات چندین مجله علمی- پژوهشی عضویت دارد. ایشان در سال

آموزش دانشگاه تهران را برعهده داشت و در سال ۱۳۵۴ مرکز تحقیقات مناطق کویری و بیابانی ایران را بنیانگذاری نمود و تا سال ۱۳۵۸ رئیس آن مرکز بود.

دکتر کردوانی نتایج تحقیقات علمی و پژوهشی خود را در ۲۲ کتاب منتشر نمود و علاوه بر این ده‌ها مقاله علمی به زبان‌های فارسی، انگلیسی و آلمانی در مجلات داخلی و خارجی چاپ کرده است.

برخی از مهمترین کتاب‌های استاد کردوانی عبارتند از: «نمونه‌هایی از خاک‌های لوت زنگی احمد»، «شبکه‌ی آب‌های روان دشت لوت». «شهادت تا ده سلم: خاک، آب، پوشش گیاهی و اوضاع کشاورزی»، «کویر (نمکزار) بزرگ مرکزی ایران و مناطق همجوار آن: مسایل، توانمندی‌ها و راه‌های بهره‌برداری از آن»، «خاک و محیط زیست»، «مناطق



داخلی، خارجی و ماهواره‌ای؛ تعمیر کاروانسرای شاه‌عباسی ده نمک برای ایجاد پایگاه یا ایستگاه تحقیقاتی برای اساتید، دانشجویان و دیگر محققان؛ اظهارنظرهای مؤثر درباره طرح‌های ملی بزرگ کشور (از جمله طرح ایجاد دریاچه در مناطق کویری و بیابانی؛ طرح ایجاد آبراه کشتی‌رو بین دریای خزر و خلیج فارس؛ طرح ایرانرود و ایجاد باران مصنوعی در نواحی بیابانی) بخش دیگری از فعالیت‌های اجرایی و علمی ایشان است.

• از دیگر افتخارات دکتر کردوانی به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

دارنده مدال ملی و نشان عالی دانش در ایران، انتخاب به‌عنوان شخصیت برجسته و از مفاخر فرهنگی استان سمنان در سال ۱۳۷۷، دریافت جایزه کتاب برتر استان سمنان در سال ۱۳۸۰، برنده جایزه مهرگان علم، برای تألیف کتاب خشکسالی و راه‌های مقابله با آن در ایران، سال ۱۳۸۰ در زمینه محیط زیست، دریافت لوح تقدیر به‌عنوان اهداءکننده نمونه کتاب در سطح استان سمنان، ۱۳۸۱، انتخاب به‌عنوان عضو اصلی قطب علمی دانشگاه تهران، ۱۳۸۱، احراز رتبه ۲۹ استادی در سال ۱۳۸۲، پژوهشگر نمونه بازنشسته کشور در سال ۱۳۸۵

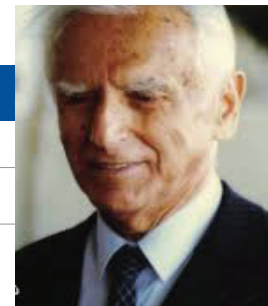
دکتر کردوانی برای حل مسئله گرد و غبار در ایران و تثبیت خاک در بیابان‌ها و مناطق کویری، پاشیدن ریگ را به جای مالچ پیشنهاد کرده است و این طرح توسط اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان سمنان و همکاری شرکت مدیریت منطقه ویژه اقتصادی گرمسار به صورت آزمایشی در حاشیه اتوبان گرمسار - قم اجرا گردیده است. این استاد اندیشمند در دوره بازنشستگی همچنان به تحقیق، تدریس و تألیف و سخنرانی اشتغال دارد.



۱۳۸۰ به‌عنوان استاد نمونه دانشگاه تهران و در سال ۱۳۸۴ به‌عنوان چهره ماندگار علمی کشور در رشته جغرافیا انتخاب و معرفی گردید.

پروفسور کردوانی به دلیل مطالعات علمی و پژوهشی و ارائه نظریه در زمینه عمران و بهره‌برداری از کویر به پدر علم کویرشناسی معروف گردیده است. وی معتقد است کویرها دیگر عامل بازدارنده اقتصادی نیستند بلکه با بهره‌برداری از توانمندی‌های آن در زمینه‌های مختلف از جمله گردشگری و استفاده از انرژی خورشیدی و باد می‌توان به توسعه این مناطق کمک نمود.

اجرای چندین طرح تحقیقاتی؛ راهنمایی بیش از ۲۰۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و ده پایان‌نامه دکترای دانشجویان دانشگاه‌ها؛ راهنمایی دانشجویان در سفرهای علمی به تمام نقاط کشور و ۲۰ کشور خارجی؛ صدها مصاحبه مطبوعاتی، تلویزیونی و رادیویی



محمد علی مجتهدی گیلانی

(۱۲۸۷ لاهیجان - ۱۳۷۶ نیس فرانسه)

مدیر دبیرستان البرز و بنیانگذار دانشگاه صنعتی شریف

روزشمار زندگی

تولد در لاهیجان	۱۲۸۷
تکمیل زبان و آمادگی ریاضیات در مدرسه بلز پاسکال در شهر کلرمون	۱۳۱۰-۱۳۱۱
گذراندن دوره لیسانس علوم در دانشکده علوم دانشگاه لیل	۱۳۱۱-۱۳۱۴
انتقال به پاریس برای گذراندن دوره دکترا در دانشگاه سوربون	۱۳۱۴
اخذ سه دیپلم عالی فوق لیسانس در آنالیز عالی، مکانیک مایعات، آیرودینامیک و هیدرودینامیک عالی (قسمت ریاضی)	۱۳۱۴-۱۳۱۷
اخذ مدرک دکترا	۱۳۱۷
عضویت رسمی در شورای عالی فرهنگ و انتصاب به مدیریت دبیرستان البرز	۱۳۲۳
انتصاب به ریاست دانشگاه شیراز	۱۳۴۰
انتصاب به ریاست دانشگاه پلی‌تکنیک تهران	۱۳۴۱
انتصاب به عنوان مسئول تشکیل و تأسیس دانشگاه صنعتی شریف	۱۳۴۴
تأسیس دانشگاه صنعتی شریف	۱۳۴۵
انتصاب به ریاست دانشگاه ملی (شهید بهشتی)	۱۳۴۵
وفات در شهر نیس فرانسه	۱۳۷۶

فرانسه بود، تا هر یک به نحوی نقشی مؤثر در آینده علمی و فرهنگی ایران ایفا کنند. او در سال ۱۳۱۰ وارد لیسه بلز پاسکال در شهر کلرمون فرانسه شد و در آنجا برای آماده‌سازی برای آموزش دانشگاهی، زبان فرانسوی و ریاضی خود را تقویت کرد. در شهریور ۱۳۱۱ وارد دانشکده علوم دانشگاه لیل و در سال ۱۳۱۳ با اخذ سه مدرک، فارغ‌التحصیل شد. مجتهدی در امتحان سال آخر نفر اول شد و با کسب ۵۰۰ فرانک جایزه برای تحصیلات تکمیلی به پاریس رفت. او در شهریور ۱۳۱۴ وارد دانشگاه سوربن و در تیر ۱۹۱۷ با ارائه رساله‌ای با عنوان «حل برخی مسائل مکانیک مایعات»، با مدرک دکترای دولتی فارغ‌التحصیل شد. او در پاریس با همسرش، سوزان ژان ماری وندونستن آشنا و در ۱۳۱۷



محمدعلی مجتهدی در اول مهر سال ۱۲۸۷ (۲۳ سپتامبر ۱۹۰۸) در لاهیجان به دنیا آمد. پدر و مادر وی از خانواده‌های با اصل و نسب شهر لاهیجان بودند. پدر او در تجارت ابریشم، یکی از محصولات اصلی منطقه، فعالیت داشت. محمدعلی دو ساله بود که مادرش را از دست داد. او تحصیل را در هفت سالگی در مدرسه ابتدایی حقیقت شروع کرد. وی در سال ۱۳۰۴ خورشیدی با استفاده از عایدی که از مایملک مادرش می‌گرفت، به تهران آمد و تحصیلات خود را در دارالمعلمین مرکزی ادامه داد و دیپلم متوسطه را در سال ۱۳۱۰ از مدرسه متوسطه شرف تهران دریافت کرد. در همان سال پس از قبولی در چهارمین دوره امتحانات اعزام محصل به اروپا، جزو ۱۰۰ نفر برگزیده محصلان اعزامی به



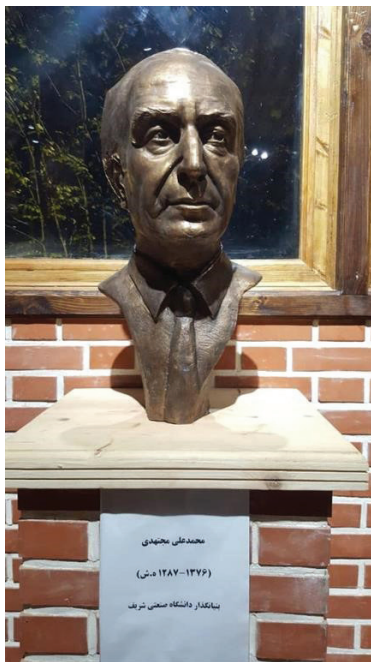


دبیرستان البرز

رییس دانشگاه ملی (شهید بهشتی) شد. در میان همه این سوابق، ۳۴ سال ریاست دبیرستان البرز درخشان‌تر از همه است. مجتهدی در زمان خدمت در دبیرستان البرز، جان‌نثاری‌های بسیاری در راه ارشاد جوانان انجام داد. او معتقد بود جوانانی که از این دبیرستان فارغ‌التحصیل می‌شوند، باید دارای اعتماد به نفس، نظم و انضباط باشند. وی از طرف وزارت فرهنگ و نخست وزیران وقت تقدیرنامه‌های متعدد دریافت کرد و با تصویب شورای عالی فرهنگ به دریافت نشان درجه اول فرهنگ نائل شد. ضمن این‌که از طریق وزارت فرهنگ فرانسه نیز نشان‌هایی دریافت کرد.

پس از پیروزی انقلاب در سال ۵۷، دکتر مجتهدی از مهندس بازرگان (نخست‌وزیر وقت و همکار سابق وی در دانشکده فنی) خواست تا فرد دیگری را به جایش در دبیرستان

با او ازدواج کرد. مجتهدی در سال ۱۳۱۷ به ایران بازگشت و به عنوان دانشیار ریاضی دانشکده علوم و دانشسرای عالی مشغول فعالیت شد. وی ضمن تدریس در دانشکده فنی دانشگاه تهران، در دبیرستان « البرز » نیز صاحب مسئولیت شد و در سال ۱۳۲۳ مدیریت دبیرستان البرز به دکتر مجتهدی واگذار و ۳۴ سال مدیر دبیرستان البرز باقی ماند. در مدت مدیریت وی دبیرستان البرز، شاهد درخشان‌ترین دوره فعالیت آموزشی خود بود. او همزمان با ریاست دبیرستان در سال ۱۳۴۰ ریاست دانشگاه شیراز را نیز بر عهده گرفت و در آذرماه سال ۱۳۴۱ به مدت سه سال رئیس دانشگاه پلی‌تکنیک تهران و در ۱۱ آبان ۱۳۴۴ مسئول تشکیل و تأسیس دانشگاه صنعتی شریف شد. ۱۱ ماه بعد، در اول مهر ۱۳۴۵ دانشگاه را به صورت کامل، تأسیس نمود. وی همچنین در سال ۱۳۴۵



دکتر انیسی‌پور از شاگردان دکتر مجتهدی در خصوص وی گفته است: «زنده‌یاد دکتر مجتهدی به علت نادیده‌گرفتن حق و حقوقش سال‌های پایانی عمر خویش را با قناعت در خانه عمه خانم فرانسوی‌اش در نیس گذراند و از قناعتی که از اصول شخصی وی بود، کمکی از هیچ‌کس نپذیرفت و در یکی از نامه‌هایش نوشت: «سرنوشت غم‌انگیزی پیدا کرده‌ام... آخر عمر خود را دور از ایران در فرانسه می‌گذرانم.»

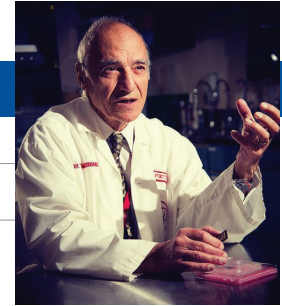
مجتهدی در همه عمرش، با سیاست سر سازگاری نداشت. نه تنها بیرون از غوغای سیاست ایستاد، بلکه تلاش کرد،

البرز منصوب کند تا وی بتواند برای معالجه چشم خود به خارج کشور برود. او پس از معالجه چشم در ژنو به ایران بازگشت، اما در سال ۶۱ مجدداً به خارج کشور رفت. دلیل این امر معالجه نوه اش بود که بیماری قلبی داشت. در این ایام دکتر مجتهدی خود نیز دچار نارسایی قلبی شد و سه بار سکنه قلبی را پشت سر گذاشت تا آن که در سال ۱۳۷۶ در شهر «نیس» از دنیا رفت و در همان شهر به خاک سپرده شد.

دکتر مجتهدی می‌گفت: «بنده خیلی مفتخرم هدایایی اولیای تحصیلی به دبیرستان می‌دادند که در اثر این هدایا من ۲۲ هزار ساختمان در البرز بنا کردم و یک شاهی از دولت دریافت نکردم. با این ساختمان‌ها توانستم جایگاه ششصد نفر محصل در زمان آمریکائی‌ها را به ۵۵۶۰ نفر تبدیل کنم. من افتخار می‌کنم که بیش از چهل، پنجاه هزار نفر جوانان برجسته تحویل دانشگاه‌ها دادم. ثروت مملکت ما این جوان‌هاست. اگر کسی تردیدی در سهم بزرگ این رادمرد در رُشد و شکوفائی نظام آموزشی متوسطه و عالی این سرزمین دارد، باید این فضیلت را ارج نهد و به رفتاری در خور شأن و منزلت وی دست زند.»

در تابستان سال ۱۳۶۱ شمسی (۱۹۸۲) نامه‌ای به دست دکتر مجتهدی رسید. این نامه از دانشگاه تهران نوشته شده بود. در اثر فعالیت در تحریم رژیم سلطنت به انفعال ابد از خدمات دولتی محکومید. دکتر مجتهدی در این خصوص گفته: «در صورتی که بنده از سال ۱۳۵۰ (۱۹۷۱) بازنشسته بودم. بنابراین بازنشسته خود به خود انفعال ابد از خدمات دولتی است. مقصودشان این بود که از آن تاریخ حقوق بازنشستگی مرا ندهند.»

مؤسسات آموزشی مهمی را که مدیریت می‌کرد از هر فعالیت سیاسی دور نگه دارد. سال ۱۳۹۴ بنیاد محمدعلی مجتهدی گیلانی توسط هیاتی متشکل از علاقه‌مندان و دانش‌آموختگان دبیرستان البرز و دانشگاه صنعتی آریامهر (شریف) در تهران پایه‌گذاری شد. همچنین در بهمن ماه سال ۱۳۹۵ از سردیس ایشان در منطقه آزاد تجاری انزلی رونمایی شد.



توفیق موسیوند

(۱۳۱۵ روستای ورکانه همدان)

دانشمند مهندسی پزشکی و مخترع اعضاء مصنوعی

روزشمار زندگی

تولد در روستای ورکانه همدان	۱۳۱۵
دریافت جایزه شورای دستاوردهای سالانه علوم زیستی اوتاوا	۱۳۷۶
جایزه کارآفرینی شورای علوم زیستی اوتاوا	۱۳۷۸
آکادمی علوم انجمن سلطنتی کانادا	۱۳۷۹
جایزه شورای تحقیقات ملی کانادا، انجمن نوآوری منطقه‌ای	۱۳۸۰
جایزه آکادمی بین‌المللی قلب و عروق، فلوشیپ آکادمی علوم اروپا	۱۳۸۱
جایزه «ترجمه علم»	۱۳۸۹
محقق برتر درباره رسیدگی به محدودیت‌های قانون	۱۳۹۰
دریافت جایزه مدال الماس جوبیلی از ملکه الیزابت دوم	۱۳۹۲
دریافت جایزه ارتقای حرفه‌ای پزشکی	۱۳۹۴

و همین ویژگی به او کمک کرد که از محیط روستا خارج شده و ابتدا در شهر تهران به تحصیل بپردازد. او در دانشگاه تهران تحصیلات مقدماتی خود را در رشته مهندسی

توفیق موسیوند در سال ۱۳۱۵ در روستای ورکانه استان همدان دیده به جهان گشود. وی از همان دوران نوجوانی و جوانی، مشتاق خواندن و یادگیری چیزهای جدید بود.

استاد موسیوند در یکی از مجمع‌های علمی درباره این اختراع خود گفت: «من بسیار انسان‌هایی را دیده‌ام که در سنین مختلف جوانی، نوجوانی، میان سالی و پیری دچار سکنه قلبی می‌شوند و می‌میرند. این جمله بسیار تلخ و سختی است هنگامی که دکتر می‌گوید که قلب شخص بیمار از کار افتاده است و دیگر به صورت طبیعی و خوب کار نمی‌کند و من بسیار بسیار متاثر و ناراحت می‌شوم و همین دلیلی شد تا به فکر یک راه حل برای این مشکل بزرگ باشم.»

آنجا بود که استاد موسیوند توانست فن آوری قلب مصنوعی خود را گسترش داده و آن را به استاندارد برای آینده تبدیل کند. از آن به بعد بود که شهرت وی عالم‌گیر



کشاورزی با بالاترین سطح نمرات به پایان رساند اما روحیه پرسشگری و مشتاق به علم او هیچ گاه خاموش نشد و برای ادامه تحصیل و پژوهش به کانادا مهاجرت کرد. او به دلیل هوش سرشار و توانایی‌های زیاد در عرصه علم، توانست بورسیه دانشگاه آلبرتای کانادا را به دست بیاورد و تحصیل خود را در آن دانشگاه ادامه دهد. وی دارای مدرک کارشناسی ارشد در رشته مهندسی مکانیک و دکترای پزشکی و فوق تخصص جراحی قلب، دکترای تخصصی مهندسی از دانشگاه کارلتون (کانادا) است. همچنین او تحصیلات خود را در حوزه علوم پزشکی در دانشگاه آکرون (آمریکا) ادامه داد و دکترای تخصصی مهندسی پزشکی را از دانشگاه مذکور اخذ نمود.

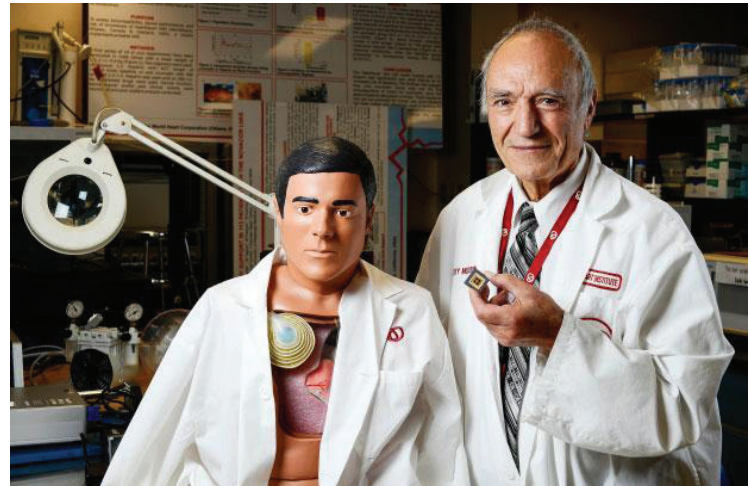
او صاحب اختراعاتی چون بای‌پس قلبی ریوی، امکان تشخیص پزشکی از راه دور و تنظیم و معالجه قلب، تعیین DNA انسان توسط اثر انگشت و ۱۴ اختراع پزشکی دیگر است. وی بنیانگذار درمان پزشکی از راه دور، رئیس بخش قلب و عروق انستیتو تحقیقات قلب دانشگاه اتاوا است. پروفیسور موسیوند به عنوان عالی‌ترین مقام علمی جهان از طرف انجمن سلطنتی کانادا و بریتانیا شناخته شده و عضو انجمن دانشمندان نیویورک می‌باشد. موسیوند در دانشگاه ارکان کالج پزشکی شمال شرقی دانشگاه اوهایو به تحصیل پزشکی پرداخت و ویلبرت کلون از انستیتوی قلب پس از ۳ سال کار موسیوند در کلینیک کیولند او تاوا، از او درخواست کرد تا سرپرستی تیم قلب مصنوعی این انستیتو را برعهده گیرد. در این زمان بود که تلفیق علوم مهندسی و پزشکی به او کمک کرد تا به دانش نوینی در زمینه اعضای مصنوعی دست یافته و بتواند بعد از مدتی قلب مصنوعی انسان را اختراع کند.

کانادا، انجمن نوآوری منطقه‌ای (۲۰۰۱)؛ برنده جایزه همکاری دانشگاه و صنعت شورای تحقیقات مهندسی و علوم طبیعی کانادا (۲۰۰۱)؛ آکادمی علوم انجمن سلطنتی کانادا (۲۰۰۰)؛ جایزه کارآفرینی شورای علوم زیستی اتاوا (۱۹۹۹)؛ برنده جایزه رؤسای مراکز پژوهش و نوآوری اتاوا (۱۹۹۹)؛ جایزه شورای دستاوردهای سالانه علوم زیستی اتاوا (۱۹۹۷). از پروفیسور موسیوند تاکنون بیش از ۵۰۰ عنوان کتاب و مقاله علمی منتشر شده است.

فعالیت‌های تحقیقاتی او موجب ایجاد سالیانه هزار شغل در کانادا و بیش از ۲۰۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری خارجی در ۱۰ سال گذشته شده است. یک شبکه تلویزیونی

شد و وی ریاست بسیاری از هیئت‌های علمی و تخصصی و سمت استادی در رشته‌های جراحی قلب و مهندسی در دانشگاه‌های اتاوا و کارلتون را بر عهده گرفت.

موسیوند به دلیل فعالیت‌های علمی و تحقیقاتی برجسته خود، تقدیرنامه‌های متعددی از مراجع مهم علمی دریافت کرده است که مهمترین آنها عبارتند از: جایزه ارتقای حرفه‌ای پزشکی (۲۰۱۵)؛ مدال الماس جوینیلی از ملکه الیزابت دوم (۲۰۱۳)؛ محقق برتر درباره «رسیدگی به محدودیت‌های قانون» (۲۰۱۱)؛ جایزه «ترجمه علم» (۲۰۱۰)؛ فلوشیپ برگزیده موسسه مهندسی پزشکی و مهندسی بیولوژیک آمریکا (۲۰۰۳)؛ آکادمی بین‌المللی قلب و عروق (۲۰۰۲)؛ آکادمی علوم اروپا (۲۰۰۲)؛ جایزه شورای تحقیقات ملی





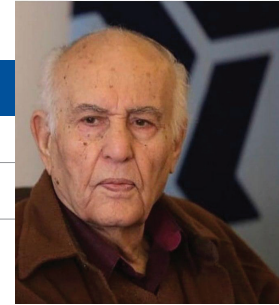
هرگز فراموشش نکرده و نمی‌کنم. راستش من با یاد کودکی آرامش پیدا می‌کنم. آنجا هم همیشه دنبال خاطراتی بوده‌ام که در دنیای مدرن و پیچیده به من آرامش بدهد که آنها را در چوپانی و در همان شب‌های مهتابی می‌یافتم. چوپانی انسان را به اصل خود و خدا و طبیعت نزدیک می‌کند.»

کانادایی فیلم مستندی از همدان و زادگاه پروفیسور موسیوند تهیه و به وی اهدا نمود. وی، هم اکنون رییس بخش قلب و عروق انسیتوی تحقیقات قلب دانشگاه اوتاوا (پایتخت کانادا) و عضو افتخاری فرهنگستان علوم پزشکی ایران نیز است.

موسیوند پس از ۳۷ سال دوری از وطنش در سال ۱۳۸۱ در سفری به ایران بازگشت. وی که برای شرکت در همایش بین‌المللی بوعلی سینا دعوت شده بود به زادگاهش بازگشت و با خانواده و اهالی شهرش دیدار کرد و در این سفر آمادگی خود را برای تاسیس دانشگاه و بیمارستانی بزرگ در کیش با هزینه شخصی خود اعلام کرد.

او در مدت کوتاه اقامت در ورکانه با صرف هزینه شخصی خود چهره زادگاه خود را کاملاً تغییر داد و آبادانی در شهر و روستای خود ایجاد کرد. کوچه‌های مسطح، چراغ‌های رنگارنگ در پشت بام‌ها و کوچه‌ها و احیای ساختمان‌ها و خانه‌های متروک و ویران، هدیه او به خانواده و مردم روستای قدیمی خود بود.

علاقه این دانشمند برجسته ایرانی به زادگاه و وطنش تنها به این کار خلاصه نشد و در همایش بین‌المللی بوعلی سینا پشت تریبون رفته و این چنین گفت: «آمده‌ام تا سری به زادگاهم، ورکانه بزنم و گله گوسفندها را ببینم و به آسمان صاف و پرستاره خیره بشوم و بار دیگر به سال‌های دور کودکی‌ام بازگردم و آن نقطه عزیمتی را بیابم که



رضا نیازمند

(۱۳۰۰ کرمانشاه-۱۳۹۶ تهران)

بنیان‌گذار سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران

روزشمار زندگی

۱۳۰۰: تولد در کرمانشاه

۱۳۳۵: ریاست ایرانی مشاوران مدیریت صنایع Ceorefty در سازمان برنامه

۱۳۳۸: رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت نساجی ایران

۱۳۴۰: مدیرعامل شرکت مصالح ساختمانی / ریاست مرکز راهنمایی صنایع، وابسته به وزارت صنایع و معادن

۱۳۴۱-۱۳۵۳: تأسیس و ریاست سازمان مدیریت صنعتی ایران

۱۳۴۴: معاون وزارتخانه اقتصاد و سرپرست صنایع و معادن کشور

۱۳۴۶-۱۳۵۰: تأسیس سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران و اولین مدیرعامل آن

۱۳۴۶: احداث کارخانجات تراکتورسازی و ماشین‌سازی تبریز و کارخانه آلومینیم‌سازی و ماشین‌سازی اراک

۱۳۵۰: تأسیس و راه‌اندازی معدن مس سرچشمه (صنایع مس ایران)

۱۳۵۴: فعالیت به عنوان مشاور ارشد کارخانه ولوو سوئد به درخواست آن کارخانه

۱۳۵۵: اخذ نشان و لقب شوالیه از پادشاه سوئد به سبب نجات کارخانه ولوو از ورشکستگی

۱۳۷۲: بازنشستگی به ایران

۱۳۹۶: درگذشت در تهران



سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران



سازمان امور صنعتی



شرکت ملی صنایع مس ایران

سازمان مدیریت صنعتی خدمات مدیریتی خود را توسعه داد و در رشته‌های مختلف به صنایع خصوصی کمک کرد. پس از دو سال، سازمان مدیریت توانست هزینه‌های خود را از فروش خدمات تامین کند و دیگر از کمک دولت استفاده نکند و در حقیقت از دولت جدا شود.

او علاوه بر این که مدیریت بخش‌هایی از سازمان برنامه و بودجه را بر عهده داشت و به طور مستقیم با ابوالحسن ابتهاج کار کرده بود، در وزارت صنایع نیز به فعالیت پرداخت و مدیرعاملی کارخانه‌هایی نظیر نساجی قائم‌شهر، سیمان تهران و معاونت صنایع و معادن را بر عهده داشت. او در زمان تصدی به عنوان معاونت صنایع در وزارت صنایع و



اخذ نشان و لقب شوالیه از پادشاه سوئد

رضایازمند در سال ۱۳۰۰ و روزهای آغازین قرن ۱۴ شمسی در کرمانشاه به دنیا آمد، پدرش از تجار معروف همدان بود و در غائله قحطی در ایران پس از حمله متفقین به ایران، کمک شایانی به همشهریان خود نمود. پس از کودتای رضاشاه و خروج انگلیس از ایران، همراه پدر و مادر، ابتدا به اراک و سپس به تهران مهاجرت کردند.

زندگی صنعتی وی از مدرسه دارالفنون آغاز شد و با تحصیل در رشته مهندسی معدن و ذوب فلزات در دانشکده صنعتی ایران و آلمان ادامه یافت. او برای اولین بار در سال ۱۳۲۲ شمسی با گذراندن دوره سه‌ماهه کارآموزی در معادن انارک به عنوان مهندس تعمیرات مکانیکی به استخدام دولت درآمد. همچنین در سال ۱۳۲۷ برای تحصیل به

آمریکا رفت و با گذراندن چندین دوره درس در مدیریت صنعتی و حسابداری صنعتی از دانشگاه نیویورک فارغ‌التحصیل شد

نیازمند با همکاری با موسسه مشهور «آرتور دی. لیتل» و «دانشگاه هاروارد»، مدیران لایق بسیاری برای کشور تعلیم داد و سازمان مدیریت صنعتی را در سال ۱۳۴۱ به منظور آموزش راهکارهای مدیریت به صاحبان صنایع بخش خصوصی رسماً تاسیس کرد. به تدریج در مدت کوتاهی،



مسئله مهم مواجه بود. یکی نبود سازمان و تشکیلاتی برای جلب و سازماندهی سرمایه گذاران خارجی در ایران و دوم کمبود قدرت مالی و دانش فنی لازم سرمایه داران داخلی ایران برای تاسیس صنایع بزرگ مادر. لذا رضا نیازمند که چهار سال و نیم معاون صنعتی و معدنی وزارت اقتصاد بود، مامور تاسیس سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران شد. رضا نیازمند پس از تاسیس سازمان مذکور در سال ۱۳۴۶، صنایع بزرگی مانند ماشین‌سازی و تراکتورسازی در تبریز و کارخانه آلومینیم‌سازی و ماشین‌سازی اراک را به سرانجام رساند. احداث کارخانجات مس سرچشمه کرمان از دیگر افتخارات نیازمند در دوران خدمت وی در سازمان گسترش بود. خرید ماشین آلات و کوره‌های ذوب و انتقال آن از بندرعباس تا کرمان با ماشین آلات و جاده‌های آن زمان میسر نبود و نیاز به احداث جاده جدیدی داشت که با تلاش شبانه روزی در عرض ۶ ماه احداث شد. در آن زمان وی و همکارانش به جایگزینی تولید به جای واردات می‌اندیشیدند و در تبدیل تجار و بازرگانان وقت به تولیدکننده نقش مهمی ایفا کردند. همچنین تلاش‌های او در ایجاد شرکت یوریران بسیار مهم ارزیابی می‌شود. نیازمند همچنین مدتی در دانشگاه پلی‌تکنیک و دانشکده بازرگانی و سازمان مدیریت صنعتی استاد رشته مدیریت بود. به همین خاطر بسیاری او را یکی از ژنرال‌های صنعتی ایران می‌دانند. نیازمند تحصیلات خود را در رشته معدن و ذوب فلزات در مقطع کارشناسی و دکترای مدیریت تکمیل نمود. نیازمند در دوره مدیریتش در سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران به نوسازی برخی کارخانجات فرسوده و ورشکسته هم اقدام نمود که مهمترین آنها کارخانه‌های پارچه‌بافی اطلس بافت، صنایع فلزی ایران، قند چناران، قند آبکوه و چرم خسروی بود.

معادن، شرکت‌های ایران ناسیونال و ماک ایران را تأسیس کرد. دکتر نیازمند شخصیتی بسیار جدی و قاطع داشت و بسیار ژرف می‌اندیشید و هر آنچه مامور به آن شده بود را با شجاعت و بی‌پروائی به انجام می‌رسانید.

در سال ۱۳۴۴ دولت چهار وزارتخانه صنایع و معادن، بازرگانی اقتصاد و گمرکات کشور را ادغام کرد و یک وزارتخانه بزرگ به نام وزارت اقتصاد تشکیل داد که به وسیله چند معاون اداره می‌شد. نیازمند معاون این وزارتخانه و سرپرست صنایع و معادن کشور شد. در دوره‌ای که این سمت را عهده دار بود، توسعه صنایع چنان رونق گرفت که دولت ناچار شد برای تأمین نیروی متخصص مورد نیاز، چند دانشگاه جدید تاسیس کند. وی به همراه چند نفر مامور اجرای این طرح شدند. بدین ترتیب، ابتدا دانشگاه صنعتی شریف و سپس دانشگاه بوعلی تاسیس شد. در دوران اوج رشد و توسعه صنعتی دولت با دو



مراسم ترحیم دکتر رضا نیازمند

او پس از انقلاب بعد از ۱۴ سال دوری از وطن به ایران بازگشت و در زمینه قرآن پژوهی و شیعه شناسی و تاریخ دوره پهلوی به پژوهش پرداخت. «کتاب شیعه چه می خواهد و چه می گوید» یکی از کتاب های معروف اوست. در حوزه قرآن پژوهی نیز دو کتاب «قرآن به ترتیب نزول» و «قرآن به ترتیب موضوع» را تالیف کرده است.



نیازمند همچنین کتاب هایی را درباره زندگی رضاشاه و محمدرضا پهلوی منتشر کرد. در کتاب «تکنوکراسی و سیاستگذاری اقتصادی در ایران» تالیف علی اصغر سعیدی، دکتر نیازمند به روایت زندگی مدیریتی خود، چگونگی شکل گیری تکنوکراسی در ایران در سال های ۱۳۴۸-۱۳۴۱، نحوه ی تأمین اورانیوم برای نیروگاه هسته ای ایران و روشن کردن گوشه های ثبت نشده از تاریخ توسعه صنعتی ایران در دهه ۴۰ می پردازد. دکتر سیدرضا نیازمند ۱۹ آذر ۱۳۹۶ در سن ۹۶ سالگی درگذشت.



رضانیازند در منزل قدیمی خود در اواخر عمر

در سال ۱۹۷۵ میلادی (۱۳۵۴ شمسی) کمی پیش از وقوع انقلاب اسلامی که کارخانه ولوو در حال ورشکستگی بود. دولت سوئد از رضا نیازمند درخواست کرد که به سوئد برود، مشکلات را حل کرده، کارخانه را سودآور کند و از خطر ورشکستگی نجات دهد. وی به مدت شش ماه در آن کشور ماند و ولوو را به سودآوری رساند. در مقابل پادشاه سوئد نشان و لقب شوالیه را به رضا نیازمند داد. پس از انقلاب، رضا نیازمند برای سال ها به آمریکا رفت و در این دوران در آنجا ادامه تحصیل داد و دکترای خود را در رشته مدیریت صنعتی (که نیمه کاره مانده بود) و علاوه بر آن در رشته مدیریت بازرگانی گرفت. او در سال ۱۳۵۷ به سمت مشاور معدنی رئیس جمهوری پاناما منصوب شد.



کامران وفا

(۱۳۳۹ تهران)

فیزیکدان و نظریه پرداز

روزشمار زندگی

تولد تهران	۱۳۳۹
مهاجرت به آمریکا	۱۳۵۶
دریافت دکترا از دانشگاه پرینستون	۱۳۶۴
دریافت جایزه محقق جوان از رییس جمهوری آمریکا، جایزه آلفرد پی اسلون و جایزه بنیاد پاکار	۱۳۶۸
دریافت کرسی دانشگاه هاروارد	۱۳۶۹
ارائه نظریه F	۱۳۷۶
دریافت جایزه نوبل AMS لئونارد ایسنبود برای ریاضی و فیزیک	۱۳۸۷
اخذ جایزه مرکز بین‌المللی فیزیک نظری (ICTP) موسوم به دیراک	۱۳۸۷
عضویت در آکادمی ملی علوم	۱۳۸۸
دریافت جایزه دنی هاینمن در زمینه فیزیک ریاضی	۱۳۹۵
اخذ جایزه سه میلیون دلاری «پیشگامان علم» به همراه دو تن از همکاران	۱۳۹۵
دریافت جایزه فیزیک بنیادی	۱۳۹۶

وی با پایان تحصیلاتش مانند بسیاری دیگر از دانشمندان علوم نظری به دانشگاه هاروارد رفت و خیلی زود به عضویت ابتدایی هیأت علمی آن جا درآمد. از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۶۹ استادیار این دانشگاه بود و در کنار کارهای پژوهشی تدریس می‌کرد. با پشتکار، نبوغ بالا و علاقه به فیزیک، طولی نکشید که در دانشگاه بزرگ هاروارد صاحب کرسی شد. از سال ۱۳۶۹ تاکنون او در همان دانشگاه استاد تمام و صاحب کرسی ویلیام دانر است.

کامران وفا به عنوان نظریه‌پرداز در زمینه نظریه ریسمان به دلیل کشف مشترکش با اشترومینگر شناخته شده است. پژوهش‌های وی بر روی ماهیت گرانش کوانتومی و



کامران وفا در سال ۱۳۳۹ شمسی در تهران به دنیا آمد. وی تحصیلات خود را در دبیرستان البرز به پایان رساند و در سال ۱۳۵۶ به ایالات متحده آمریکا مهاجرت نمود. دوره‌ی لیسانس، در دانشگاه ام‌آی‌تی، هم‌زمان دو رشته‌ی ریاضی و فیزیک را انتخاب کرد و در سال ۱۳۶۰ مدارک خود را گرفت. وی علوم نظری را دوست داشت و دلش می‌خواست جلوتر از مسائل عملی حرکت کند؛ برای همین از دانشگاه مهندسی ام‌آی‌تی به دانشگاه پرینستون رفت و همانجا با راهنمایی استادش، ادوارد ویتن، دکترای خود را در زمینه‌ی فیزیک گرفت. این استاد و شاگرد با هم پژوهش‌های زیادی انجام دادند؛ حتی یک قضیه در فیزیک نظری به نام آن‌ها (ویتن-وفا) ثبت شده است.



وی علاقه‌مند به فهمیدن معنی نهفته دوگانگی‌های ریسمان‌ها و همچنین تلاش در به‌کارگیری نظریه ابرریسمان برای حل مسائل حل نشده در فیزیک ذرات بنیادی مانند مسئله سلسله مراتب و مسئله ثابت کیهان‌شناسی است. او مشارکت‌های عمیقی در زمینه نظریه‌های ریسمان توپولوژیک و فهمیدن تقارن آینه‌ای و ساخت مدار-خمینه در نظریه ریسمان داشته‌است.

کامران وفا تاکنون بیش از ۲۵۰ مقاله علمی نوشته‌است. او در سال ۱۳۶۸ جایزه «محقق جوان» ریاست جمهوری آمریکا را دریافت کرد. در همان سال جایزه‌های آلفرد پی اسلون و بنیاد پاکار هم به او اعطا شد.

در سال ۱۳۸۷ به خاطر تلاش‌هایش در زمینه ریاضی و فیزیک جایزه AMS لئونارد ایسنبود را به دست آورد و در همان سال جایزه مرکز بین‌المللی فیزیک نظری (ICTP) موسوم به دیراک هم به او تعلق گرفت.

در سال ۱۳۹۵ جایزه دنی هاینمن در زمینه فیزیک ریاضی هم به او داده شد. همچنین به اتفاق اندرو اشترومینگر و جوزف پلچینسکی برنده جایزه سه میلیون دلاری «پیشگامان علم»^۱ در سال ۱۳۹۵ شدند. این بزرگترین جایزه علمی جهان است که از سال ۱۳۹۱ کار خود را آغاز کرده و توسط صاحب‌نامانی از «سیلیکون ولی» تأمین مالی می‌شود. همچنین در سال ۱۳۹۶ برنده جایزه فیزیک بنیادی شد. دکتر کامران وفا زیاد به ایران سفر می‌کند و متولی «شبکه ایرانیان برای دانش و نوآوری (NIKI)» است. این مؤسسه



رابطه بین هندسه و نظریه‌های میدان‌های کوانتومی متمرکز شده‌است. این دو دانشمند کشف کردند که انتروپی بکنشتاین-هاوکینگ یک سیاهچاله را می‌توان با استفاده از حالت‌های سالیونونی نظریه ابرریسمان بیان کرد. وی همچنین به خاطر توضیح رابطه بین هندسه و نظریه‌های میدان که از دوگانگی‌های ریسمان‌ها برمی‌آید، شهرت یافت که منجر به فرضیه گوپاکومار-وفا شد. این موضوع با عنوان «مهندسی هندسی نظریه‌های میدان کوانتومی» شناخته می‌شود. همچنین در سال ۱۳۷۶ او نظریه F را ارائه داد که جزو نظریه‌های شناخته شده در ابرریسمان است.

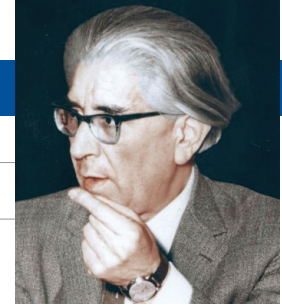


شود. ایرانیان می‌توانند در تمام زمینه‌های بین‌المللی علی‌الخصوص فعالیت‌های علمی، حضور و مشارکت فعالی داشته باشند».

وی همچنین در هنگام دریافت جایزه پیشگامان علم در حوزه‌ی فیزیک بنیادین بیان داشت: «من از دانشمندان و ریاضیدانان صاحب نام و پیشکسوت ایران زمین الهام گرفتم. این مساله را هم باید بدانیم که علم جغرافیا ندارد و من از همکاران فیزیکدان و ریاضیدان خود که بیش از ۱۵۰ نفر و در گوشه گوشه جهان هستند سپاسگزاری می‌کنم.»

فعالیت‌های عام‌المنفعه زیادی در ایران انجام داده؛ از جمله می‌توان به تأسیس مرکز تحقیقات پیشگیری و درمان زخم‌های مزمن در زنجان اشاره کرد. آخرین حضور وی در ایران مربوط به سال ۱۳۹۵ است که برای سخنرانی در دانشگاه امیرکبیر با موضوع نظریه ریسمان و فیزیک هندسی به تهران آمد.

دکتر وفا درباره استعداد‌های ایرانی گفته است: «جوانان ایرانی پتانسیل لازم برای کسب چنین جوایز معتبر علمی را دارند و کافی است که استعداد‌های آن‌ها جدی گرفته



محسن هشرودی

(۱۲۸۶ تبریز- ۱۳۵۵ تهران)

ریاضیدان، فیلسوف و شاعر

روزشمار زندگی

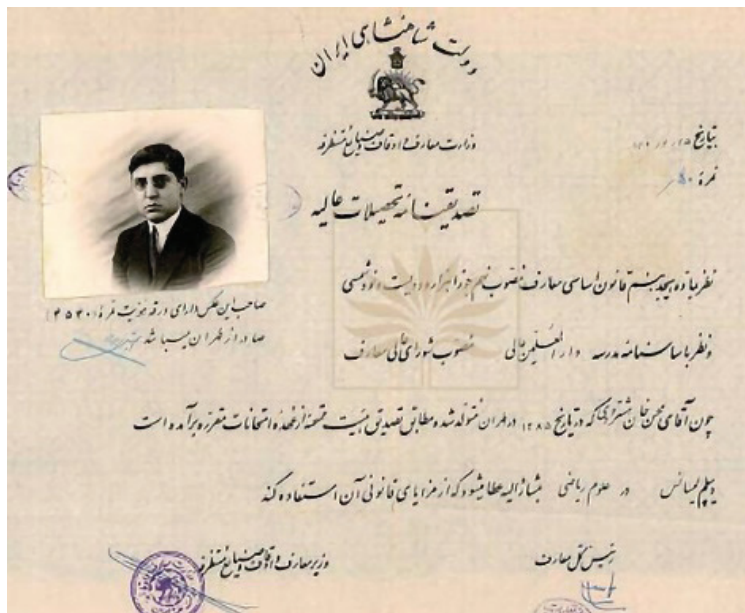
تولد در تبریز	۱۲۸۶
دریافت لیسانس	۱۳۰۴
اخذ درجه دکترا ریاضی از دانشگاه سوربن	۱۳۱۵
دریافت کرسی استادیاری دانشکده علوم دانشسرای عالی	۱۳۲۰
رئیس اداره فرهنگ تهران	۱۳۲۱
رئیس دانشگاه تبریز	۱۳۳۰
دریافت امتیاز مجله هفتگی نامه کانون ایران	۱۳۳۱
رئیس دانشکده علوم دانشگاه تهران	۱۳۳۶-۱۳۳۹
رئیس هیئت تحریریه نشریه کتاب هفته	۱۳۴۰
درگذشت در تهران	۱۳۵۵

خود را در مدرسه‌های سیروس و اقدسیه به پایان برد و سپس برای ادامه تحصیل به مدرسه دارالفنون تهران رفت. از کلاس هفتم بدون معلم به فراگیری زبان فرانسه همت

محسن هشرودی در ۲۲ دی ۱۲۸۶ در شهر هشرود چشم به جهان گشود. پدرش از مشاوران شیخ محمد خیابانی از فعالان نهضت مشروطه بود. محسن تحصیلات ابتدایی

فعالیت کرد و در سال ۱۳۳۶ برای یک دوره سه ساله به ریاست دانشکده علوم دانشگاه تهران منصوب شد. راه اندازی مرکز ژئوفیزیک و رصدخانه خورشیدی، سامان بخشیدن به مرکز اتمی امیرآباد و ایجاد موسسه آمار از جمله خدمات وی در این دوره بود.

هشترودی در طول زندگی حرفه‌ای ارتباط خود را با مجامع علمی بین‌المللی حفظ کرد و در اکثر کنگره‌های بین‌المللی ریاضی شرکت می‌کرد. وی در سال ۱۳۲۹ به عنوان نماینده دانشگاه تهران در کنگره بین‌المللی ریاضی دانان هاروارد شرکت نمود و به



گماشت. وی پس از دوران دبیرستان، تحصیل در رشته پزشکی را آغاز نمود. اما پس از مدتی، تحصیل در این رشته را رها کرد و به فرانسه رفت تا در رشته مهندسی مکانیک تحصیل نماید، ولی این رشته نیز با ذوق او موافق نبود. بنابراین به تهران برگشت و در دارالمعلمین عالی در



رشته ریاضی مشغول به تحصیل گردید. پس از دریافت درجه لیسانس در سال ۱۳۰۴ به عنوان دانشجوی بورسیه دولتی برای تحصیل در رشته ریاضیات به کشور فرانسه اعزام شد. در دانشکده علوم پاریس مشغول به تحصیل در رشته ریاضی شد و پس از آن برای گذراندن دوره دکتری ریاضی (هندسه دیفرانسیل) به دانشگاه سوربن رفت. وی بعد از فارغ التحصیلی در سال ۱۳۱۵ به ایران بازگشت و به عنوان استادیار در دانشکده علوم دانشسرای عالی مشغول به کار شد. او در سال ۱۳۲۰ کرسی استادی دانشسرای عالی را دریافت کرد و همزمان با تدریس در دانشگاه، در سال ۱۳۲۱ ریاست اداره فرهنگ تهران را عهده دار شد. همچنین او در سال ۱۳۳۰ به مدت یک سال به عنوان رئیس دانشگاه تبریز

ابوعبدالله خوارزمی، کمال الدین فارسی، غیاث‌الدین جمشید کاشانی، عبدالملک شیرازی و محمد باقر یزدی نام برده‌اند. هشتروندی، صرفاً استاد ریاضیات نبود، بلکه فیلسوف نیز بود و ضرورتاً با بیشتر علوم و هنرها آشنایی کافی داشت، با زبان‌های عربی، انگلیسی، روسی، آلمانی و لاتین آشنایی داشت و به زبان‌های ترکی استانبولی و فرانسه تا حد سرودن شعر تسلط داشت. هشتروندی مهارت زیادی در بیان اصول و پدیده‌های علمی و فناوری‌های جدید به زبان ساده داشت و با نوشته‌ها و سخنرانی‌های خود با قشر بزرگی از جامعه ارتباط برقرار کرده و مفاهیم اصلی دانش و فناوری را منتقل می‌کرد. هشتروندی از پیشروان تفکر انتقادی در ایران بود. او تأکید زیادی بر اهمیت علوم پایه داشت و در همین حال فلسفه، هنر و عرفان را مکمل علم می‌دانست. وی بر این باور بود که «علم» تنها نوع ارزشمند دانش، «هنر» نگاهی ظریف به زندگی، و «فلسفه» غایت معرفت‌شناسی است و هیچ‌یک بدون نوآوری و اصالت ارزشی ندارند. پروفیسور هشتروندی انسانی وارسته و آزاد از بسیاری قید و بندهای دست و پا گیر بود و همین امر یکی از رموز موفقیت او بود. بیشتر درآمد و وقتش را صرف مطالعه می‌کرد، مطالعه او هیچگاه به یک زمینه خاص محدود نمی‌شد. علاوه بر ریاضی در ادبیات و بسیاری زمینه‌های دیگر نیز مطالعه داشت. به نوشته منوچهر آتشی، نقشی که هشتروندی در ادبیات معاصر ایران داشت، همان نقشی است که برتراند راسل در ادبیات انگلیسی داشت، البته با مقیاسی کوچکتر. او با اجتهاد در رشته‌های فیزیک و ریاضی، دارای شناخت عمیق از هنر و ادبیات و نقاشی نو بود و وقتی وارد محافل روشنفکری ایران شد، به عنوان قطبی برای رفع و رجوع دشواری‌های مسایل و مباحث فکری شناخته شد.



درخواست ریاست مؤسسه مطالعات پیشرفته دانشگاه پرینستون به عضویت آن پذیرفته شد و یک ترم نیز به تدریس در دانشگاه هاروارد پرداخت. در ۱۳۳۷ جهت شرکت در کنگره بین‌المللی ریاضیدانان در «ادینبورگ» عازم انگلستان شد و با «برتراند راسل» دیدار داشت. وی همواره در مجامع و کنفرانس‌ها به عنوان متفکری صاحب نظر مطرح بود و با دانشمندانی همچون رایسکینسلی و الکساندراف از شوروی سابق، استرویک و آلبرت از آمریکا، زگره، بومپیاتتی از ایتالیا، ران چانو، استوی اف و هایموویچی از مجارستان مکاتبه داشت.

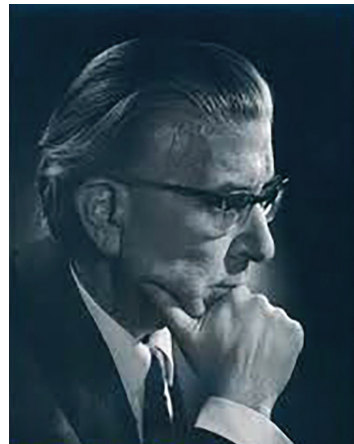
دکتر محسن هشتروندی در میان ریاضیدانان معاصر ایران از جمله چهره‌های برجسته و بی‌بدیلی است که در عرصه علوم ریاضی، وی را هم ردیف عالمانی همچون

شاگردان بسیار بارزی را تربیت کرد که از استادان مطرح دانشگاه‌های داخل و خارج از کشور هستند.

«دانش و هنر»، «نظریه اعداد»، «سایه‌ها (مجموعه شعر)»، «سیر اندیشه بشر» و «از مکانیک کلاسیک تا مکانیک کوانتیک» آثاری تألیفی هستند که از پروفسور هشترودی به یادگار مانده‌اند.

در سال ۱۳۳۱، هشترودی امتیاز مجله هفتگی «نامه کانون ایران» را از شورای عالی فرهنگ کسب کرد. در سال ۱۳۴۰، به ریاست هیأت تحریریه نشریه فرهنگی، علمی و هنری «کتاب هفته» رسید و با رادیو و تلویزیون در اجرای برنامه‌های علمی از جمله «مرزهای دانش» و «ذهن و زبان» همکاری داشت.

پروفسور هشترودی مطرح کننده یوفوها و شخصی است که سفینه یوری گاگارین را که در حال انحراف از مسیر اصلی بود، با محاسبات به مسیر خود بازگرداند. این دانشمند بزرگ بیش از صد مدال جهانی دارد. جایزه ریاضی‌ای به پاس خدمات ارزنده و تأثیرگذار پروفسور محسن هشترودی استاد ممتاز دانشگاه تهران و چهره برجسته در هندسه، توسط شورای اجرایی انجمن ریاضی ایران ایجاد و در نشست مورخ ۱۳۸۳/۶/۱۱ به نام «جایزه محسن هشترودی» تصویب شده‌است. این جایزه در سمیناری دو سالانه به بهترین مقاله چاپ شده هندسه و توپولوژی در مجلات معتبر از طرف متخصصین ایرانی در داخل و خارج از کشور، اهدا می‌گردد. پروفسور محسن هشترودی در ۱۳ شهریور ۱۳۵۵ در تهران درگذشت.



تخصص هشترودی در زمینه هندسه دیفرانسیل بود. مهم‌ترین اثر علمی نگاشته شده توسط محسن هشترودی، پایان‌نامه دکترای او در زمینه هندسه دیفرانسیل است که در آن یکی از مدل‌های ریاضی استادش (الی کارتان) را تعمیم داد که امروزه به نام نظریه التصاق هشترودی^۱ شناخته می‌شود.

هشترودی کم می‌نوشت، چون عقیده داشت که بسیاری از امور با گفت‌وگو روشن‌تر بیان می‌شوند، او در طول زندگی حرفه‌ای در ایران چند مقاله علمی نیز منتشر کرد. جدای از پژوهش علمی، هشترودی به عنوان یک متفکر منتقد و ریاضیدان نامدار ایرانی، دارای اهمیت نمادین و شخصیتی اثرگذار در جامعه علمی معاصر ایران بوده است. وی

فهرست منابع

- اسعدی، محمود. چهره‌های ماندگار: دکتر پرویز کردوانی، تهران: تجلی مهر، جهان فرهنگ، ۱۳۹۰.
- خلیلی، منصوره. از دامنه تا قله (زندگینامه محمود خلیلی). تهران: انتشارات بهجت، ۱۳۸۴.
- خوشکار، شادی. هزار راه نرفته: خاطرات کارآفرینی اصغر قندچی، علی اکبر رفوگران و امیرمنصور عطایی. تهران: اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران، ۱۳۹۶.
- رضائی نبرد، امیر. جایگاه مفاخر هنری در عصر جهانی شدن: استاد محمود فرشچیان. فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن. سال ۶، شماره ۱۵، بهار ۱۳۹۴.
- سعیدی، علی اصغر. تکنوکراسی و سیاستگذاری اقتصادی در ایران: به روایت رضا نیازمند. تهران: لوح فکر، ۱۳۹۳.
- سعیدی، علی اصغر. شیرین‌کام، فریدون. موقعیت تجار و صاحبان صنایع در ایران عصر پهلوی: زندگی و کارنامه محمد رحیم متقی ایروانی. تهران: گام نو، ۱۳۸۸.
- شاه حسینی، علیرضا. فرزانتگان، فرهیختگان، نام آوران و متخصصان گرمسار. سمنان: حبله رود، ۱۳۸۷.
- شاه حسینی، علیرضا. نامواره دکتر سید محمود طباطبایی. سمنان، حبله رود، ۱۳۹۳.
- شاه حسینی، علیرضا. یادنامه مهندس علی پازوکی. سمنان: حبله رود، ۱۳۹۵.
- شیرین‌کام، فریدون. فرجام نیا، ایمان. سرگذشت پنجاه کنشگر اقتصادی ایران. تهران: نشر فرهنگ دیبا، ۱۳۹۳.
- صفارزاده، جلال. تاریخچه صنایع ایران. تهران: پارس کتاب، ۱۳۹۴.
- طباطبایی فر، سید رضا. قاطول در گذر زمان. تهران: نقش بیان، ۱۳۸۱.
- علی نژاد، سیروس. از فرانکلین تا لاله زار. زندگینامه همایون صنعتی زاده، تهران: ققنوس، ۱۳۹۸.
- معما، محمد. جانفشان، شهرام. «نبرد در آسمان». زندگینامه سرتیپ خلبان فضل‌الله جاویدنیا، تهران: انتشارات عماد فردا، ۱۳۹۳.